رو به دوربین فقط لبخندت را تعریف کردی

محک

موسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

با هر درآمدی می توانی به آنها کمک کنی، تنها با چند کلیک ساده . . .

mahak-charity.org

ماهنامه افق تازه

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: امیر دیانی
قائم مقام مدیر مسوول: هادی قهرمانی
مدیر اجرایی: مجید بهره مند

زیر نظر شورای سردبیری

تحریریه: سمیه تقی خانی -مینو پرتوی‌مهر
نرگس کیانی - محمدرضا دیانی
مهتاب یوسفی- یاسر محمدی -الهه محمدی
طاهره شهاب الدین-محمد فیروزی
محمدرضا یزدانپرست -زهرا رحیمی

ترجمه: آذر افراز -فاطمه دیانی
عکس: استودیو برنز
گرافیگ وصفحه آرایی: آتلیه «افق تازه»
چاپ: نشر چاپ امید ایرانیان
توزیع: پدیده نوین

مطالب این ماهنامه تنها با ذکر منبع «افق تازه» قابل استفاده است.

آدرس: خیابان شریعتی- خیابان پلیس پلاک ۳۰-واحد۱
تلفن: ۸۶۰۲۲۷۷۸ -فکس: ۸۸۱۴۷۳۹۰
سامانه پیامکی:۰۲۱۸۶۰۲۲۷۷۸
www.ofoghetaze.com
ofoghetazeh@gmail.com
ofoghetazeh@yahoo.com

سرمقاله

لزوم تغییر در رویکردهای حمایتی

امیر دیانی
مدیرمسئول

مزین شدن سال ۹۶ به نام اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال از سوی رهبر فرزانه انقلاب نقشه راهی برای نیل به سرمنزل مقصود است. در پس پرده این شعار معانی و مفاهیم عمیقی نهفته که سالها در کشور بدان بی توجهی شده است. برای هویدا شدن این بی توجهی کافی است که به وضعیت سالهای اخیر و بحرانی اقتصاد کشور نگاهی بیاندازیم و با نظاره کردن آمار، ارقام و وضع معیشتی مردم در می یابیم که تولید به عنوان پیشران اقتصاد سالهاست که مورد بی مهری قرار گرفته است.

دولت یازدهم پس از روی کار آمدن با اوضاع نابسامانی روبرو بود و اولویت خود را در مهار تورم گذارد اما با پایان دولت یازدهم و انتخاب مجدد دکتر روحانی در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری از سوی مردم به نظر می‌رسد رویکرد حمایتی از تولید داخل بیش از پیش باید مدنظر قرار گیرد و اوضاع نابسامان بیکاری در طی چهارسال پیش رو سروسامان گیرد. امروز بسیاری از مشاغل خرد و کلان با معضل رکود دست و پنجه نرم می کنند و ادامه این رکود قطعا عدم گردش چرخ‌های تولید را به همراه خواهد داشت. امروز بسیاری از تولید کنندگان به دلیل بی توجهی و سیاست های نادرست اعمالی سال های نه چندان دور روزگار سختی را سپری می کنند. در این رهگذر فعالین حوزه چاپ و نشر نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه اند. بسیاری از ناشران در طی سالهای اخیر با بنگاهی زیان ده مواجه شدند و با تعدیل نیرو سعی کرده اند تا حداقل پابرجا باشد. این گونه مشاغل اگر به آینده امیدوار باشند قطعا در راستای اشتغالزایی سهم ویژه‌ای خواهند داشت. در دولت یازدهم مجوزهای بسیاری در حوزه نشر داده شد و این رویکرد برای اشتغالزایی صورت گرفت اما متاسفانه بسترهای آن فراهم نگردید و بسیاری از مجوزها مسکوت ماند. این در حالیست که اگر نشریات قوی در کشور حضور داشته باشند با ارائه دیدگاه و واتاب دادن نظر کارشناسان و بررسی موضوعات سوای بحث اشتغالزایی می‌توانند در بهبود اوضاع اقتصادی و حل معضلات و آسیب های اجتماعی تاثیر گذار باشند. به نظر می رسد که تنها ارائه مجوز به اشخاص نمی تواند مثمرثمر باشد و وزارتخانه متبوع باید گام های ارزنده تری در این مسیر بردارد. اگر امروز مسئولی بداند که تمام حرکات و سیاست های اعمالی زیر ذره بین رسانه های تیزبین قرار گرفته بی درنگ رویکردی اصلاحی را در پیش خواهد گرفت. در این راستا ملاک کیفی باید جایگزین ملاک کمی گردد و در این گام حمایت مورد نظر از رسانه های وزین باید مورد توجه قرار گیرد. رسانه ها نیز برای نگاه ریزبینانه و نقادانه باید ابزار کافی و وافی در اختیار داشته باشند و با جذب نیروهای خبره و کارآمد به وظیفه خطیر خود که حرکت در مسیر آگاهی و اطلاع رسانی است گام بردارند که این مهم سیاست های حمایتی بیش از پیش را می طلبد تا رسانه غم نان نداشته باشد. اکنون که دولت دکتر روحانی در ابتدای دوره چهارساله دوم خود است باید برای حمایت از تمامی مشاغل و کسب و کارها رویکرد جدیدی را مد نظر قرار دهد.

ادامه دادن این مسیر پرفراز و نشیب برای ما ناشران بسیار سخت است و امروزه مردم سرگرم فضای مجازی هستند که در اکثر مواقع دروازه بانی خبر نیز در آن وجود ندارد و نسبت به رسانه های مکتوب بی توجه هستند. این در حالیست که اگر رسانه های مکتوب به مانند گذشته بتوانند جایگاه اصلی خویش را بیابند و اعتماد از دست رفته مردم را جلب کنند قطعا نه تنها فضای مجازی تهدید محسوب نخواهد شد بلکه با خوراک رسانه های مکتوب می توان به عنوان یک فرصت و در جهت پیشبرد امور بدان نگریست. برای رسیدن به این مهم رویکردهای حمایتی قطعا باید مد نظر قرار گیرد تا رسانه ها ایفاگر نقش اصلی خود باشند.

فهرست

«افق تازه» گزینه‌های احتمالی کابینه دوازدهم را بررسی کرد
وزن‌کشی جدید در پاستور ۴
تدبیر«شیخ دیپلمات» ۸
باور های ترک برداشته! ۹
دولت در سایه؛ مرهمی بر زخم بازندگان انتخابات؟
خط و نشان جلیلی و قالیباف برای دولت روحانی ۱۰
آیت‌الله محسن غرویان در گفتگو با «افق تازه»:
رای به روحانی «نه» به اقلیت انحصار طلب بود ۱۲
اقتصاددانان بررسی کردند
آیا اصلاح نظام بانکی امکان‌پذیر است؟ ۱۴
گفت و گوی تفصیلی «افق تازه» با دکتر غلامحسن تقی نتاج:
ورشکستی نظام بانکی کشور با وجود ثروت‌های عظیم، بی معنی است ۱۶
تحمیل نرخ سود دستوری ۲۱
بازنده ی نهایی تکرار اتهام زنی‌ها و سیاه نمایی‌ها علیه نظام بانکی ۲۰
مدیرکل نظارت بانک مرکزی مطرح کرد
ناکارآیی شیوه نظارت سنتی در شناسایی کاستی‌ها و مخاطرات فراروی نظام بانکی کشور ۲۴
لوبیای سحرآمیز قرض‌الحسنه‌ها در بازار پولی ایران
به امید یک مشت سود بیشتر ۲۶
کارشناسان در راستای روشهای اصلاح نظام بانکی کشور مطرح کردند
ادغام؛ گامی‌برای عبور از چالش بانکی ۲۸
کارشناسان بررسی کردند
کارنامه مالی برخی بانک‌ها در آستانه خط قرمز قوانین جاری بانکداری ۳۰
پرونده نرخ سود روی میز شورای پول و اعتبار ۳۱
مصائب بهره برای اقتصاد ایران ۳۲
امید به جامعه - امید در جامعه ۳۴
۴ بحران بازنشستگی ۳۵
توجه بیش از حد به مُد برای رسیدن به خودباوری
بحران هویتی گریبانگیر زنان و دختران جوان ۳۶
چند باور غلط در مورد خواب ۳۹
دروغ می‌گویید؟ دماغتان دراز نمی‌شود اما مغز و جسمتان عذاب می‌کشد ۴۰
چگونه به همسر خود بدبین نباشم؟ ۴۲
آنچه که باید درباره تب کریمه کنگو بدانید
تب خطرناک در ایران ۴۴
علی کاظمی‌میهمان «افق تازه»:
بعضی از ما بازیگران روزهای سختی را سپری می‌کنیم ۴۶
زلزله در استقلال خارج از مستطیل سبز ۴۸
حیاط خلوت فدراسیون فوتبال را بشناسید
سفر، دلار و مافیایی در سکوت ۵۰
از ایجاد رونق در صنایع وابسته تا همکاری‌های بین المللی؛
تحقق اهداف تعیین شده در ایران خودرو ۵۲

یاسر محمدی

«افق تازه» گزینه‌های احتمالی کابینه دوازدهم را بررسی کرد

وزن کشی جدید در پاستور

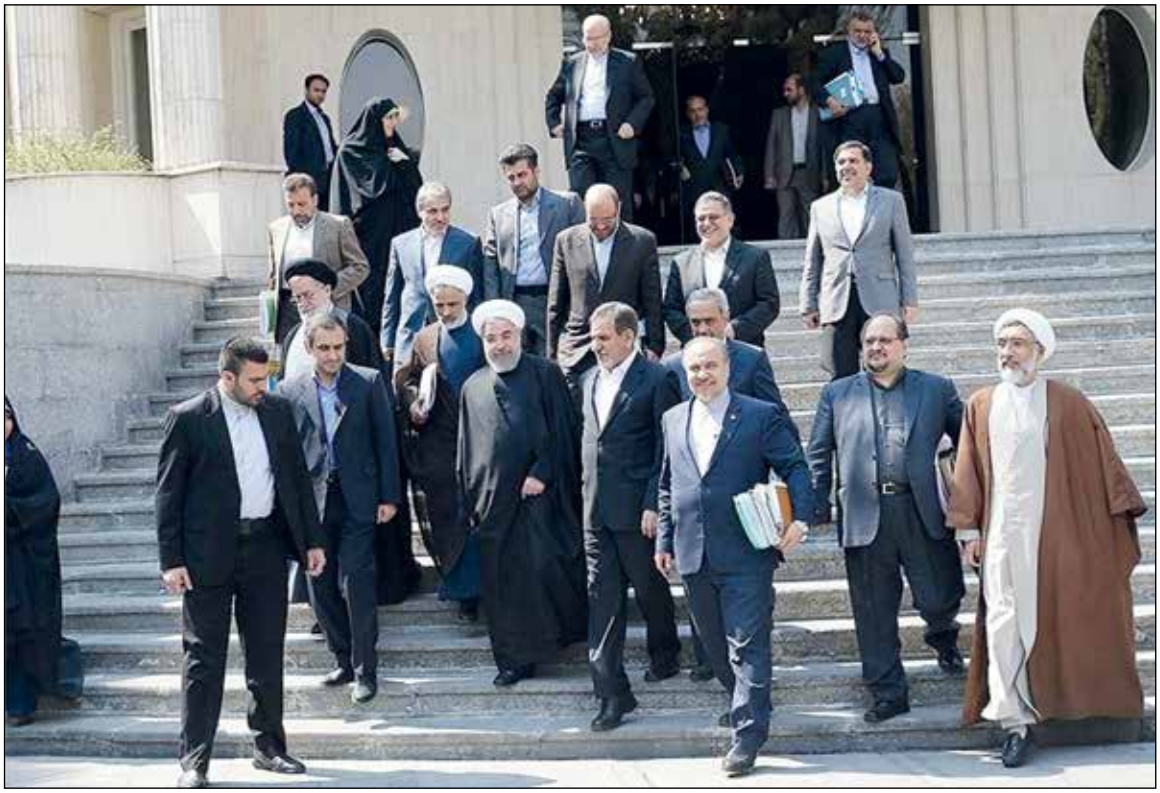

روحانی دور دوم ریاست جمهوری اش را در حالی شروع می کند که جناح اصولگرا در بهت و حیرت سنگین ناشی از شکست در روز ۲۹ اردیبهشت به سر می برد. آنها انتخابات را باخته اند و اکنون باید بیرون از زمین نظاره گر بازی باشند.

اکنون این حسن روحانی است که باید چهار سال دوم صدارتش را آغاز کند. حالا آقای رییس جمهور باید کابینه جدیدش را بچیند. او قول داده کابینه دولت دوازدهم جوان تر از دولت یازدهم باشد.

دوره جدید فرا رسیده است؛ روحانی کارهای مهمی دارد. باید میوه برجام را از نهال تازه به بار نشسته اش بچیند، چرخ توسعه را در ایران به حرکت در آورد و برنامه‌های تازه ای را کلید بزند. در سیاست داخلی، در دیپلماسی و حتی در اقتصاد. فعلا که خبر رسمی نداریم اما می توانیم از روی نشانه‌های به تحلیل و پیش بینی بپردازیم. به اینکه در نهایت چه کسانی به ساختمان معروف خیابان پاستور می روند و چه کسانی از ساختار دولت جدا خواهند شد. مساله اساسی اکنون این است که این تغییرات، آرایش سیاسی را در کابینه به چه شکلی خواهد کرد. آیا وزن اصولگرایان بیشتر خواهد شد یا اصلاح طلبان؟

رییس جمهور میان جناحی

یک مساله مهم این است که حسن روحانی همیشه تلاش کرده تا از بهترین‌ها در کابینه اش استفاده کند. یک واقعیت که خیلی به آن اعتراف می کنند. او ستاره‌ها را در کنار خود می چیند فارغ از اینکه چه نسبت سیاسی دارند. برای همین است که در کابینه او هم می توان از اعضای جبهه مشارکت را دید و هم می توان از اعضای جامعه روحانیت مبارز را مشاهده کرد. او با تکنوکرات‌ها سر و کار دارد با فن سالارها. کسانی که ضمن هماهنگی کامل در امور بوروکراتیک به بهترین وجه به اجرای وظایف محوله می پردازند. این مهمترین نکته ای است که حسن روحانی را به یک پرزیدنت پرقدرت و قابل اعتماد تبدیل کرده است. حالا اما باید زمزمه‌های تغییرات را هم بررسی کرد.

اولین تغییر

شاید نزدیک ترین گمانه زنی این باشد که محمدرضا نعمت زاده کابینه را ترک خواهد کرد. از جمله نقدهایی که به نعمت‌زاده وارد شده است، می‌توان به این مورد اشاره کرد که در این وزارتخانه نتوانست مطابق انتظارات دولت، برنامه و اقدامات مناسبی برای رفع مشکلات حوزه تجارت بالاخص تنظیم بازار انجام دهد. تغییر محمدرضا نعمت‌زاده که در ابتدای شروع کار خود از سوی موافقان خود به پدر صنعت ایران ملقب شد، یکی از محتمل‌ترین گزینه‌هایی است که در رسانه‌ها مطرح می‌شود. از زمانی که حسام‌الدین آشنا، مشاور رییس جمهور در صفحات اجتماعی صحبت از تغییرات در کابینه یازدهم به میان آورد نام محمدرضا نعمت‌زاده در صدر احتمال تغییرات در کابینه قرار گرفت. شاید یکی از انتقاداتی که نسبت به وی مطرح می‌شود موضوع سن و سال وزیر صنعت بوده که به اعتقاد منتقدان وی موجب پایین آمدن کارایی او شده است. اگرچه مدافعان وی همواره موضوع تجربه کاری‌اش را به میان می کشند و معتقدند تجربه و کارایی فکری او می‌تواند بر موضوع کهولت سن و توان جسمی این وزیر غلبه کند.

اما موضوع عملکرد نعمت‌زاده در دولت یازدهم همواره نوک تیز حملات منتقدان را نشانه رفته است.

نعمت‌زاده پیش از انتخاب شدن به عنوان وزیر صنعت دولت یازدهم ایران به دلیل سوابق مدیریتی‌اش در حوزه نفت و گاز با دعوت سرمایه گذاران بخش خصوصی جهت مدیریت پروژه‌های آنها دعوت و با دریافت سهام مدیریتی در ۱۲ شرکت خصوصی به عنوان عضو هیات‌مدیره مشغول خدمت شد و تا قبل از انتخاب به عنوان وزیر از تمامی شرکت‌ها استعفا داد. اسامی این شرکت‌ها که غالبا در حوزه صنعت نفت فعالند، عبارتند از: رسا فارمد، پلیمری پویا جم خاورمیانه، ارگ شیمی پارسا، مهندسی توسعه پترو فرآیند کرخه، الوند پترو انرژی کیش، هرمزان تجارت گستر کیش، برق انرژی پاینده جم، توسعه پتروشیمیایی ساحل دریا، توسعه نگین مکران، توسعه صنعت نعمت، تولید برق دژپل انرژی و شرکت کیمیا صنایع دالاهو. با توجه به شایعات مخالفان دولت در مورد درآمد وی از حضور در این گونه سمت‌ها، مخالفان او را یکی از ثروتمندترین مردان کابینه دولت یازدهم قلمداد می کنند.

شاید یکی از مهم‌ترین انتقادات ماجرای ایجاد بازار سیاه محصولات پتروشیمی در داستان نساجی‌ها بود که منتقدان عامل آن را کم کاری وزارت صنعت عنوان کردند. محاسبه قیمت عرضه محصولات پتروشیمی با ارز آزاد یکی از مواردی بود که ادامه فعالیت را برای صنایع تکمیلی پتروشیمی از جمله نساجی‌ها دشوار کرد.

اگرچه وزارت صنعت در دفاع از این تصمیم عنوان کرد که صدور و اجرای بخشنامه این وزارتخانه در خصوص محاسبه قیمت عرضه محصولات پتروشیمی با ارز آزاد موجب حذف دلالان از بازار این محصولات شده اما به اعتقاد منتقدان این وزارتخانه با عدم نظارت صحیح بر عملکرد مجتمع‌های پتروشیمی در عرضه کامل تولیدات خود در بورس کالا زمینه ایجاد چنین تفاوت قیمتی را در بورس کالا و بازار آزاد فراهم کرد چه آنکه اگر این وزارتخانه به وظایف نظارتی خود به موقع و به خوبی عمل می کرد شاهد بروز چنین بازار سیاه و دلالی نمی‌شدیم تا هم‌اکنون برای ایجاد تعادل در قیمت‌ها نرخ خرید از طریق بورس کالا را به نرخ بازار آزاد نزدیک و با افتخار از حذف واسطه‌ها و دلال‌ها صحبت کنیم!نعمت‌زاده همچنین به دلیل عدم پرداخت مستمری بازنشستگان صنعت فولاد در دوران کاری خود در ۲۴ تیرماه ۹۳ از مجلس شورای اسلامی کارت زرد گرفت. اما این کارت زرد مجلسیان برای وی کافی نبود چراکه باز هم در دی‌ماه ۹۳ برای دومین بار برای پاسخ به سوالات نمایندگان در مجلس حضور یافت که این بار نیز با کسب ۱۰۲ رای موافق، ۸۹ رای مخالف و ۱۵ رای ممتنع از مجموع ۲۱۸ رای ماخوذه نتوانست نمایندگان را قانع کند و دومین کارت زرد خود و هشتمین کارت زرد دولت یازدهم را از آن خود کرد.از سوی دیگر توزیع نامناسب سبد کالا، رانت ۶۵۰ میلیون یورویی و انحصار در واردات خودروهای خارجی یکی دیگر از موضوعاتی بود که منتقدان از آن همواره یاد می کردند تا جایی که در اسفندماه سال گذشته این سه موضوع سه ضلع استیضاح نعمت‌زاده از سوی مجلسیان عنوان شود تا این استیضاح با بیش از ۸۰ امضا کلید زده شود. آن‌طوری که نمایندگان خانه ملت گزارش دادند، مهم‌ترین برنامه‌های ارایه شده نعمت‌زاده به مجلس عبارت بود از: افزایش رقابت‌پذیری صنعتی کشور، افزایش سهم ارزش‌افزوده صنعتی و تولید، سهم صادرات صنعتی کشور، افزایش سهم بخش خصوصی در فعالیت‌های بخش صنعت، معدن و تجارت، تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های آن، کاهش زمینه‌های ناهنجاری و تخلفات اداری، شفاف فرآیندها، توسعه دولت الکترونیکی و رفع تبعیض در تخصیص تسهیلات، امتیازات و پست‌های سازمانی و در نهایت بازنگری در سند استراتژی صنعتی نیز از جمله برنامه‌های وزیر صنعت، معدن و تجارت عنوان شده است.

وزیر صنعت، معدن و تجارت طی ریاست خود بر وزارتخانه متبوعش تصمیمات و اقدامات مثبتی همچون وضع عوارض بر صادرات برخی مواد معدنی، افزایش تولید در صنعت خودرو و تدوین پیش‌نویس لایحه حمایت از تولید ملی داشته است اما عملکرد منفی نعمت‌زاده باعث شد تا نمایندگان مردم در مجلس استیضاح وزیر صنعت، معدن و تجارت را کلید بزنند. دولت یازدهم به منظور حمایت از اقشار فقیر و کم‌درآمد جامعه طرح

حسن روحانی همیشه تلاش کرده تا از بهترین‌ها در کابینه اش استفاده کند. یک واقعیت که خیلی به آن اعتراف می کنند. او ستاره‌ها را در کنار خود می چیند فارغ از اینکه چه نسبت سیاسی دارند. برای همین است که در کابینه او هم می توان از اعضای جبهه مشارکت را دید و هم می توان از اعضای جامعه روحانیت مبارز را مشاهده کرد. او با تکنوکرات‌ها سر و کار دارد با فن سالارها

امنیت غذایی را آغاز کرد و قرار شد بین این گروه از اقشار جامعه سبد کالای غذایی توزیع کند. رییس جمهور حسن روحانی در یک گفت‌وگوی زنده تلویزیونی خواست تا عملکرد یکصد روزه خود را برای مردم تشریح کند به یک‌باره از برنامه‌ای خبر داد که قرار است از این به بعد هر فصل یک سبد کالای رایگان میان مردم توزیع شود. اینکه برنامه چیست و چگونه اجرا خواهد شد معلوم نبود فقط یک چیز مشخص بود؛ دولت می خواهد هرچه زودتر این کار را انجام دهد. به صورت یک‌باره از سوی وزارت صنعت اعلام شد مقدمات اجرای توزیع سبد کالا فعلا فراهم نیست اما چند روز بعد با مشکلاتی که وجود داشت بالاخره توزیع سبد کالای رایگان آغاز شد اما اعتراضات نسبت به نحوه و انتخاب افراد گیرنده سبد کالا موج دیگری را در کشور آغاز کرد. صف‌های طولانی مردم و حتی شایعه زخمی شدن چند نفر از شهروندان سوژه داغی شد برای رسانه‌های غربی و حتی کسانی که تا دیروز از سیاست‌های اقتصادی دولت دفاع می کردند لب به انتقاد گشودند و از رفتار اقتصادی اخیر دولت به شدت انتقاد کردند به همین دلیل رییس جمهور اجرای این طرح را از وزارت صنعت به وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی منتقل کرد. همین امر موجب شد تا نمایندگان اقدام به جمع‌آوری برای استیضاح وزیر صنعت، معدن تجارت کنند اما در جلسه‌ای که بین نعمت‌زاده و استیضاح کنندگان برگزار شد وی دو هفته برای حل مشکلات مطرح شده از سوی نمایندگان مهلت گرفت. به هر حال هر چه هست به نظر می رسد نعمت زاده اولین خروجی دولت باشد. خبرها حاکی از آن است که ویسه احتمالا جایگزین او خواهد شد.

شمخانی می ماند یا می رود ؟

یکی دیگر از گمانه زنی‌هایی که این روزها در محافل سیاسی شنیده می شود احتمال تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی است. علی شمخانی در روز ۱۹ شهریور ۱۳۹۲ با حکم حسن روحانی به سمت دبیر شورای عالی امنیت ایران منصوب و جایگزین سعید جلیلی شد. محتمل ترین گزینه برای جانشینی وی، محمد فروزنده، رییس بنیاد مستضعفان است. او متولد ۱۳۳۹، رییس سابق بنیاد مستضعفان، از فرماندهان سابق سپاه و وزیر دفاع دولت دوم هاشمی رفسنجانی است. پس از روی کار آمدن دولت روحانی بارها از احتمال پیوستن او به دولت حرف‌هایی شنیده می شد. گزینه دیگر محمد شریعتمداری معاون اجرایی رییس جمهور است. وی در آغاز کار دولت یازدهم، بیست روز سرپرست وزارت ورزش و جوانان و در دولت هفتم و هشتم، وزیر بازرگانی بوده است. شریعتمداری رییس تیم انتخاباتی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری بود.

لازم به ذکر است از ابتدای دولت حسن روحانی، مذاکرات هسته ای بین ایران و گروه ۱+۵ به وزارت امور خارجه و محمد جواد ظریف سپرده شد. بر این اساس، هدایت و سیاست گذاری پرونده هسته ای بر عهده شورای عالی امنیت ملی به ریاست روحانی بوده است. اما دکتر عباس عراقچی، به دلایلی از شانس بیشتری برخوردار است. عراقچی متولد ۱۳۴۱، معاون کنونی وزیر خارجه و عضو ارشد تیم مذاکرات هسته ای بود که برجام بدون تبحر آنها در مذاکره مقدور نمی شد. او از محبوبیت بالایی در میان بخش زیادی از جامعه برخوردار شده و آمادگی بالایی برای نقش آفرینی بیشتر در جایگاهی مانند دبیری شورای عالی امنیت دارد. با توجه به عزم رییس جمهور روحانی برای برجام داخلی یا همان برجام ۲، عراقچی یکی از هماهنگ ترین گزینه‌ها و تواناترین گزینه‌های ممکن است.

وزیر کشور می رود؟

در این میان برخی خبرها نیز حکایت از تغییر وزیر کشور دارد. وزیر کشور دولت یازدهم که از جمله نیروهای نزدیک به طیف علی لاریجانی به شمار می رود تقریبا همه پست‌های مهم خود را در کنار رئیس فعلی مجلس تجربه کرده است چه اینکه در جایگاه ریاست دیوان محاسبات یا قائم مقام دبیر شورایعالی امنیت ملی و معاون صدا و سیما همواره در کنار لاریجانی بوده است. رحمانی فضلی اگرچه در مجلس چهارم به عنوان نماینده با دکتر روحانی آشنا شده بود اما بسیاری از تحلیل گران پیشنهاد پست حساسی مثل وزارت کشور به رحمانی فضلی را به دلیل همراه کردن مجلس اصولگرا برای رای به کابینه می دانستند هرچند که رئیس جمهور محبوب یازدهم آن را تنها نشانه ای از فراجناحی بودن دولت می دانست. پس از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم، با این که در ابتدا علی یونسی برای تصدی وزارت کشور مطرح بود، رحمانی فضلی به عنوان گزینه نهایی روحانی جهت انتصاب پست وزیر کشور ایران در دولت یازدهم انتخاب شد. تا این که یک روز پیش از معرفی کابینه برخی خبرگزاری‌ها اعلام کردند، روحانی تصمیم گرفته است، علی یونسی را به جای وی معرفی نمایند. با این حال نهایتاً در روز معرفی کابینه پیشنهادی، عبدالرضا رحمانی فضلی به عنوان وزیر کشور به مجلس معرفی شد. این شائبه مطرح شده است که سپردن وزارت کشور به رحمانی فضلی، شرط علی لاریجانی جهت اخذ رای اعتماد مجلس به سایر وزرای پیشنهادی روحانی بود.

گفته می شود بیشترین تغییر و تحول در حوزه وزارت کشور از وزیر گرفته تا استانداران و فرمانداران رخ خواهد داد. شاید در راستای این تغییر و تحولات بوده که استاندار کرمان هفته گذشته استعفا داده است.

شنیده‌ها حاکی از آن است که آمدن مجید انصاری به وزارت کشور در دولت قطعی و وزیر فعلی برنامه‌هایش برای مجلس آماده می کند.

اگر رحمانی فضلی رفتنی باشد جدی ترین گزینه مجید انصاری است.

صالحی ؛ خروج از کابینه ؟

برخی خبرها هم حکایت از این دارد که علی اکبر صالحی در دولت دوم حسن روحانی حضور نخواهد داشت. روحانی و صالحی در ماجرای انتقاداها بر سر برجام با یکدیگر جدال لفظی سنگینی داشتند. جدالی که همان گفته می شد با کناره گیری صالحی از کابینه پایان خواهد یافت. صالحی اما در کابینه ماند. ماجرا از این قرار بود که اسفندماه ۹۴ علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در گفت‌وگو با وبگاه «العربی الجدید» در پاسخ به این سوال که «پس از اجرایی شدن توافق هسته‌ای در ماه ژانویه، ایران هسته‌ای امروز کجاست و چقدر از تعهدات خود را اجرا کردید و چقدر را غرب اجرا کرده» گفت: توافق، برنامه کاری نهایی است که دو طرف برای پایان دادن به بحران ساختگی هسته‌ای بر آن توافق کردند. اجرای طرح بخوبی ادامه دارد و من هنوز با ارنست مونیز جهت بررسی مکانیزم اجرا، در ارتباط هستم. تهران به آنچه باید، متعهد است، اما تأخیری در طرف مقابل هست که مسئولیتش هم با خودش است. هیچ مانع مشخصی وجود ندارد اما منظورم اینجا، تاخیرشان در اجرای برخی نقاط به شکل کامل است. صالحی در ادامه، «رفع تحریم به موجب توافق» را از مصادیق این تأخیر برشمرد و گفت: تا الان برخی بانک‌های بزرگ اروپایی تحریم‌هایش را به طور کامل پایان نداده است چرا که قبلا تعهد داده که با ایران مراوده تجاری نداشته باشد. ما هنوز منتظر هستیم که وزارت خارجه ایران با اتحادیه اروپا تماس بگیرد و این بحران را حل کند. هیئت انرژی اتمی مسئول این بخش نیست اما ارزیابی من این است که سیر امور به طور نسبی خوب است. همین سخنان بود که روحانی را برآشفت و موجب شد تا واکنش تندی به سخنان صالحی بدهد. به طوری که وقتی چند روز بعد در نشست خبری رئیس‌جمهور خبرنگاری در سوال خود از حسن روحانی، خواستار توضیح وی درباره این اظهارات صالحی شد، روحانی در این باره گفت: «صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی است و در زمینه مسائل اتمی هرچه بگوید صاحبنظر است ولی وزیر امور خارجه، وزیر اقتصاد یا رئیس بانک مرکزی نیست بنابراین می‌توانید درباره انرژی اتمی از وی سوال کنید.»

سخنانی که دلخوری صالحی را به دنبال داشت و وی در واکنش به رئیس‌جمهور در پاسخ به سوالی درخصوص بدعهدی‌های آمریکا در اجرای برجام گفت: «می بینیم که طرف مقابل برجام چه کاری انجام می دهد، حالا ببخشید من نباید وارد این موضوع شوم چون ممکن است یک عزیزی ناراحت شود».وی در ادامه افزود: «در برجام آنها متعهد شدند که کاری نکنند که با روح برجام در تضاد باشد اما به یکباره قانون ویزا را در کنگره وضع کردند و من این را می توانم بگویم و دوستی نمی تواند به من بگوید شما وزیر اقتصاد، رئیس بانک مرکزی و وزیر خارجه نیستی حداقل ۴۰ سال استاد دانشگاه هستم که، این رو می تونم بگم.» هر چه هست گفته می شود جعفر توفیقی و علی عباسپور هم جایگزین‌های احتمالی علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی هستند.جعفر توفیقی در ابتدای کار دولت یازدهم به مدت شصت و هفت روز سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود و پس از آنکه رضا فرجی دانا به عنوان وزیر علوم به مجلس معرفی شد.توفیقی نیز به عنوان مشاور عالی در وزارت علوم فعالیت خود را ادامه داد و نهایتا از این پست استعفا کرد. باید منتظر ماند و دید آیا صالحی از کابینه خواهد رفت یا خیر.

زهره دیانی

تدبیر «شیخ دیپلمات»

انتخابات ۹۶ با تمام حاشیه‌هایی که داشت بالاخره تمام شد و مردم با اعتماد دوباره به «شیخ دیپلمات» تحقق آرزوها و نیازهای خود را در ادامه فعالیت دولت او جستجو کردند.

رای دوباره به دکتر روحانی در واقع پاسخ منفی به انتقادها و تخریب‌هایی است که به باور بسیاری از کارشناسان و سیاسیون، غیرعلمی و با اهداف جناحی و حزبی عده ای خاص صورت گرفت.

به گزاف نیست اگر بگوییم آنچه بیش از هر چیز پیروزی دکتر روحانی را رقم زد؛بی برنامگی و عدم ارائه راهکار مناسب از سوی رقبایی بود که حتی برای اصلاح اموری که از دیدشان نقاط ضعف دولت یازدهم محسوب می شد، عاجز و ناتوان بودند.

از این رو توسل به شعارهای پوولیستی هم برای جریان مخالف دولت کارساز نشد. لذا روستاییان که امید اول رقبای روحانی بودند و می خواستند با وعده سه برابر کردن یارانه، آرای آنها را در سبد رای خود قرار دهند اما نتیجه ای عکس گرفتند و بسیاری از روستاییان و حتی اقشار فقیر جامعه ترجیح دادند باردیگر مردی را انتخاب کنند که در سخنان انتخاباتی اش نه خبری از افزایش سه برابری یارانه‌ها بود و نه به شعارهای پوپولیستی متوسل شد.

دکتر روحانی با همه حاشیه سازی‌هایی که استارت آن از همان ابتدای تشکیل دولت یازدهم زده شده بود سربلند از انتخابات ۹۶خارج شد تا این بارمسوولیتی به مراتب خطیرتر از گذشته را بردوش بکشد.حالا ۲۴میلیون ایرانی چشم به «شیخ اعتدال»دوخته اند تا حل مشکل بیکاری، آزادی و برابری، عزت و سربلندی، صلح و آشتی را بیش از گذشته برای آنها به ارمغان آورد.

در این راستا بی تردید بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی هم مهمترین خواسته و انتظاری است که جامعه ایران از او خواهد داشت.نیازی که اگر برآورده نشود قطعا می تواند دولت روحانی و جریان حامی او را با چالش جدی مواجه کند.پس اگرچه کاهش تورم و توافق هسته ای و به دنبال آن لغو تحریم‌های مربوط به این پرونده از دستاوردهای مهم دولت اول دکتر روحانی به شمار می رود اما باتوجه به اینکه تحریم‌های غیرهسته ای همچنان بر اقتصاد ایران سایه افکنده و اثرات نامطلوب خود را برجای گذاشته است لذا انتظار می رود «شیخ دیپلمات» برای حل این مشکل هم چاره ای بیندیشد.البته استفاده از ظرفیتهای داخلی با مدیریت صحیح دولتمردان در بکارگیری از این ظرفیتها موضوع مهمی است که قطعا از نگاه رییس دولت دوازدهم به دور نخواهد ماند. ضمن اینکه بسیاری از کارشناسان اقتصادی هم تاکید دارند که جذب سرمایه گذاران خارجی بهترین راهکار برای بهتر شدن اقتصاد ایران است و جذب سرمایه داخلی و خارجی موجب افزایش تولید،اشتغال ورفاه عمومی شهروندان می شود.به هرحال از آنجایی که تغییر برخی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت یازدهم خصوصا در حوزه اقتصادی ضروری به نظر می رسد و اکثریت حامیان او نیز براین مهم تاکید داشته اند لازم است بدون هیچ ملاحظه ای بکارگیری تیم جوان و کارآمد در دستور کار دکتر روحانی قرار گیرد. این موضوعی است که البته شخص رییس جمهور منتخب هم برآن تاکید کرده و وعده جوان سازی کابینه دوازدهم را داده است. نیروهای کارآمد در بدنه دولت قطعا این توانایی را خواهند داشت که با استفاده از منابع موجود سرمایه گذاری، مشکلات اقتصاد ایران را حل کنند و یا به حداقل ممکن برسانند.

بنابراین دولت علاوه بر حفظ آرامش و ثبات در داخل و تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران موظف است پاسخ مناسبی به مطالبات مردم بدهد و در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های خود حتی خواسته ونیازهای مخالفان خود را نیز لحاظ کند.

در کنار جوان سازی کابینه استفاد از مدیرانی که هم رای و هم نظر با دولت هستند باید مورد توجه قرار گیرد چراکه عدم همخوانی بخشی از مدیران با سیاست‌های دولت یازدهم پیش از این موجبات دلخوری ودلسردی حامیان دکتر روحانی را فراهم ساخته بود.مدیرانی که شاید اگر نبودند بسیاری از انتقادها و تخریب‌ها در مناظره‌ها علیه دولت صورت نمی گرفت.

محسن قائمی‌نسب

باور های ترک برداشته!

سرانجام پس از مهلت قانونی، مرجع عالی نظارتی، یعنی شورای نگهبان قانون اساسی، به دور از هیاهوها و فراخوان‌های مستندسازی تخلفات انتخاباتی، صحت انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری را تائید کرد، درست همان کاری که پس از انتخابات جنجال برانگیز ۸۸ انجام داد. شورای نگهبان قانون اساسی پس از کشمکش‌های تلخ و لشکرکشی‌های خیابانی و تلخکامی‌های فراوان و جرزنی‌های بی فایده در سال ۸۸ همین کاری را کرد که امسال کرد، اما آن روز عده ای شورای نگهبان را به نقض بی طرفی متهم کردند و شاید هنوز هم معدود کسانی باشند که بر همان باور ناصواب خود مانده اند و امروز هم ممکن است برخی شورای نگهبان را نه متهم به جانبداری و نقض بی طرفی که علی الظاهر قدری لایتچسپک است، بلکه به مصلحت اندیشی متهم کنند.

اما با این تصمیم و اعلام صحت انتخابات دیگر حواشی چند روز اخیر تمام شده و حالا دکتر حسن روحانی منتخب ملت و پس از تنفیذ مقام معظم رهبری برای چهار سال رئیس جمهور است، جمهور به معنای همه ملت، چه آنها که به او رای دادند و چه آنها که با هر انگیزه ای به رقیب او رای داده اند. حسن روحانی رئیس جمهوری است با هزاران وعده و وعید و انبوهی از انتظارات شدنی و ناشدنی!

سخنگوی شورای نگهبان ضمن اعلام تائید صحت انتخابات از سوی این شورا، از ارسال گزارش جامع تخلفات غیر تاثیرگذار در نتیجه انتخابات به قوه قضائیه خبر داده و طبیعتا از قوه قضائیه نیز انتظار می‌رود در چارچوب قانون به موضوعات مطرح شده رسیدگی عادلانه نموده و برای جلوگیری از تکرار، مرتکبین را وفق قانون مجازات و به افکار عمومی اعلام نماید.

اما به نظر می‌رسد کار تمام نشده! مدعی العموم و قوه قضائیه وظیفه سنگین تر دیگری هم دارد. قوه قضائیه باید فکری به حال باورهای ترک خورده ملتی کند که قریب به یک ماه در آوردگاه تبلیغات و مناظرات انتخاباتی شاهد سنگین ترین تهمت‌ها اعم از سیاسی و اقتصادی رقبای انتخاباتی بوده است.

به مدد توسعه فضای مجازی و ثبت و ضبط همه فعالیت‌ها و اظهار نظرهای کاندیداهای انتخابات و هواداران آن‌ها چیزی پوشیده نیست. همه چیز ثبت و ضبط است. شک نکنید دیوار اعتماد در حال فرو ریختن است و باورها پس از شنیدن سیل اتهامات متقابل کاندیداها ترک برداشته است. آیا زمان آن نرسیده که مدعی العموم از اتهام زنندگان از هر جناح و گروه بخواهد اسناد مثبته خود را به مرجع قضایی ارائه دهند؟ و قوه قضائیه در کمال قدرت و عدالت و مر قانون رسیدگی کرده و در صورت اثبات، متخلفین طبق قانون مجازات و در غیر این صورت ضمن تعزیر اتهام زننده از او خواسته شود در رسانه ملی ادعای خود را پس گرفته و از بابت خدشه در باورهای عمومی از مردم عذرخواهی کنند؟

اشتباه نشود این موضوع منافاتی با الیوم یوم المرحمه ندارد. سخن از باور ملتی است که قریب به چهل سال هر کجا لازم بوده در صحنه حاضر شده و چیزی کم نگذاشته است! ملت نمی‌تواند با شک و تردید، امید به دست‌هایی برای گره گشایی داشته باشد که در تریبون‌های مختلف متهم به فساد مالی و سیاسی و... شده اند.

این نوشته جناحی نیست فرقی نمی کند که یک طرف می‌خواهد سکان اجرائی کشور را به دست گیرد و طرف دیگر از این پس امین امام خواهد بود. باور کنید باورها ترک برداشته و تنها راه ترمیم آن احضار همه اتهام زنندگان از هر دو طرف ماجراست. یکی رئیس جمهور را متهم به جاسوسی می کند و دیگری وزیرخارجه را خائنی می‌داند که تعهد داده سردار سرافراز جهان اسلام را تحویل آمریکا دهد. رئیس جمهور متهم به زمین خواری شده و رئیس ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در حالی که دادستان کل در جلسه کنار او می‌نشیند متهم به رانت‌خواری شده! کلیددار دوازده ساله پایتخت به فساد مالی به نفع خود و نزدیکانش متهم شده و کلیددار حرم امام خوبی‌ها متهم به سوءاستفاده از مقام قدسی مضجع شریف رضوی ووو...

تخلفات غیر تاثیرگذار بر نتیجه انتخابات را می‌توان با ابطال صندوق‌های آرای مخدوش چاره کرد. با صندوق آرای مخدوش ذهن ملت چه باید کرد؟! نگذارید باورمان شود تئوری ۴ درصدی و ۹۶ درصدی‌ها را! باورمان می‌شود ۴ درصدی‌ها همان اتهام زنندگان هستند که مصون از پاسخگویی اند و ۹۶ درصدی‌ها ملتی که نظاره گر دعواهای سیاسی بر سر لحاف ملا!...

مباد که اجازه داده شود رجال سیاسی در پناه شهرت، مقام و منصب خود هرآنچه می‌خواهند در پیشگاه میلیون‌ها نفر نثار دیگری کرده و خود را پاسخگو در پیشگاه و محضر قانون ندادند.

ساده نگذریم! تا دیر نشده ترک باورهای ملت را ترمیم و باب تداوم اینگونه پرده دری‌های بی مهابا را سد کنیم!!

الهه محمدی

دولت در سایه؛ مرهمی بر زخم بازندگان انتخابات؟

خط و نشان جلیلی و قالیباف برای دولت روحانی

مردم چندان با لفظ آن آشنا نیستند؛ با واژه «دولت در سایه». آن‌ها پای صندوق‌های رای می‌روند، رای می‌دهند و منتظر تشکیل دولت مستقر می‌مانند. اما انتخابات ریاست جمهوری برای سیاستمداران معنای متفاوتی دارد. آن‌ها تمام تلاششان را می‌کنند تا گزینه مورد نظرشان را روی کار بیاورند و از هیچ روشی هم فروگذار نیستند. از تبلیغات متنوع گرفته تا تخریب و توهین. اما چند سالی هست که مفهوم «دولت در سایه» جای خودش را در ادبیات سیاسی ایران باز کرده است؛ عبارتی که هرچند فضای عمومی سیاست ایران با آن بیگانه است، اما معمولا این بازندگان انتخابات هستند که بعد از باخت‌شان دم از آن می‌زنند. واژه‌ای که بیشتر از هر جای دیگری در ادبیات سیاسی انگلیس کاربرد دارد و حزبی که قدرت را در دست ندارد دولت سایه تشکیل می‌دهد. همه اجزای آن هم مانند دولت مستقر است و در کشورهای دموکراتیک اروپایی پس از برگزاری انتخابات برای بهتر اداره شدن کشور تشکیل شده و البته هدف آن نه تخریب دولت که اعلام آمادگی برای ورود به انتخابات بعد از پایان دولت است.

حالا بعد از گذشت دو هفته از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری واکنش‌ها همچنان به طرح موضوع دولت در سایه از سوی بعضی از اصولگرایان ادامه دارد؛ هرچند ایده‌پردازان این موضوع همچنان بر آن مصرند و نمی‌خواهند میدان مبارزه را ترک کنند.

شروع داستان «در سایه بودن»؛ از ۸۴ تا ۹۶

هنوز چند روزی از انتخابات اردیبهشت ماه نگذشته بود که بعضی از حامیان سید ابراهیم رییسی با برگزاری نشستی با عنوان «حامیان نامزد اصلح»، دم از تشکیل دولت در سایه زدند. آن‌ها بازندگان انتخابات بودند و در حالی به فکر تشکیل دولت در سایه با استناد به رأی ۱۶ میلیونی ابراهیم رئیسی افتادند که این تحرکات اصولگرایان با فراخوان سعید جلیلی برای تشکیل دولت سایه (اینجا) و پیام تلگرامی عزت‌الله ضرغامی، رئیس اسبق صداوسیما، در کانال تلگرامی‌اش شکل جدی تری به خود گرفت. علاوه بر حامیان رییسی، محمدباقر قالیباف، رقیب انصرافی رئیسی، چند روزی بعد از انتخابات ریاست جمهوری در بیانیه‌ای مدعی شد که او هم پیگیر مطالبات مردم و وعده‌های رئیس جمهور خواهد شد و با تاکید بر شعارهای انتخاباتی اش گویی او هم خط و نشانی برای دولت دوازدهم کشید؛ خط و نشانی برای تشکیل دولت در سایه دوم.

اما این اولین بار نیست که فعالان سیاسی به فکر تشکیل چنین دولتی افتاده اند. بعد از انتخابات سال ۸۴ بود که برخی چهره‌های اصلاح‌طلب پیشنهاد تشکیل دولت در سایه را مطرح کردند اما واکنش اصولگرایان به این موضوع چنان تند بود که اصلاح طلبان همان زمان عطای دولت در سایه را به لقای آن بخشیدند. آن روزها اصولگرایان مدعی شدند که اصلاح‌طلبان قصد دارند با تشکیل دولت سایه، براندازی انجام دهند و آنها را متهم به خیانت کردند.

اما این پایان ماجرا نبود؛ انتخابات پر سروصدای سال ۸۸ که از راه رسید محسن رضایی به عنوان یکی از نامزد انتخابات ریاست جمهوری نه بعد از برگزاری انتخابات که قبل از آن و در برنامه‌های تبلیغاتی اش اعلام کرد که علاوه بر دولت رسمی، دولت در سایه‌ای تشکیل خواهد داد که به قول خودش شامل اتاق فکر با حضور سابقون بود. گرچه در همان زمان میرحسین موسوی در مناظره با او تشکیل اتاق فکر و نه دولت در سایه را در کنار دولت مناسب دانست، اما این بار هم این پیشنهاد رضایی با بی‌مهری اصولگرایان مواجه شد و محسن رضایی هم از پیگیری این موضوع

خـــودداری کرد.امـــا بـــاز هم این پایان کار نبود؛ بعد از انتخابات ســـال ۹۲ و روی کار آمدن حسن روحانی بود که خبر از تشکیل دولت در سایه از سوی محمود احمدی نژاد و یاران قدیمی‌اش به گوش رســـید. خبری که حکایت از تشـــکیل جلســـات هفتگی رییس جمهور سابق به همراه دولتمردان قبلی در محله محمودیه تهران داشـــت. طبق خبرهایی که در ســـال ۹۴ منتشـــر شد، آنها برای جلساتی به محمودیه می‌رفتند و با تشکیل دولت درسایه به ریاســـت محمود احمدی نژاد در این جلســـات کوشش می‌شد تا ضمن رصد مستمر و دقیق فعالیتهای دولت حسن روحانی، شیوه‌های بازگشت به قدرت را با استفاده از شناسایی و بزرگنمایی نقاط ضعف دولت یازدهم هموار کنند. حتی همان زمان خبر رســـید که طبق احکامی که توســـط احمدی نژاد صادر شده است، «دولت در سایه»، ۲۹ مقام مسئول دارد که هریک از این افراد مســـئولیت رصد و تحلیل فعالیتها و عملکرد مســـئولیت‌های متناظر خود در دولت یازدهم را برعهده دارد.هرچند زمان زیادی از انتشـــار این خبرها نگذشته بود که سیدمجتبی ثمره‌هاشمی دستیار ارشد محمود احمدی‌نژاد در دولت دهم، تشکیل دولت در سایه توسط احمدی نژادی‌ها را تکذیب کرد.

آغاز واکنش مخالفان

یک روز از انتشار فراخوان سعید جلیلی و تحرکات دیگر دوستان اصولگرایش برای تشکیل دولت در سایه نگذشته بود که واکنش‌ها به این تحرکات کلید خورد؛ حسام الدین آشنا مشاور روحانی از اولین چهره‌های دولتی بود که به این موضوع واکنش نشان داد و در کنایه ای به سعید جلیلی گفت: پیشنهاد می کنم مناســـب اســـت به جای قرارگاه و جبهه و جمنا که هر دو ســـال یک بار ســـبز می‌شـــود تلاش کنند یک حزب با مسمی تشـــکیل بدهند وسنت حســـنه دولت ســـایه را نه با بودجه غیر دولتیِ غیر عمومیِ غیر خصوصی بلکه با کمک همفکران و حامیان خود دنبال بفرمایند. محمد شریعتمداری معـــاون اجرایـــی دولت از دیگر چهره‌های دولتی بود که او هم در گفت و گو با خبرآنلاین به طراحان دولت در ســـایه کنایه زد و گفت: همه گروه‌های سیاسی باید کم کم در سایه نشستن را به صورت کلی یاد بگیرند. این فکر خوبی اســـت. اینکه دولت در ســـایه تشکیل شـــود، نه. اما در سایه نشستن خودش عالمی دارد! حمید بعیدی نژاد سفیر جمهوری اسلامی ایران هم در یادداشـــتی که البته بیشـــتر مطلبی آکادمیک است به توضیح مفهوم دولت در سایه پرداخت و با اشاره به طرح بحث‌هایی درمورد تشکیل دولت سایه در فضای سیاســـی ایران عنوان کرد: دولت در ســـایه در یک نظام پارلمانی و نظامی که وزیران خود نماینده مجلس باشـــند، معنا پیدا می کند. معصومه ابتکار معاون رییس جمهور هم به این موضوع واکنش نشان داد و در گفت وگو با خبرآنلاین گفت: اگر دولت سایه بخواهد مفهومی داشته باشد مفهوم آن در قالب کمک به دولت معنا پیدا می کند پس کسانی که چنین ایده ای را دنبال می کنند اگر نیتی غیر از این دارند برای ســـازندهی تخریب و مانع تراشی و اذیت، دولت سایه تشکیل ندهند.

حجت‌الاسلام حسین ابراهیمی عضو جامعه روحانیت مبارز هم در واکنش به این موضوع گفت: دولت در ســـایه نداشـــتیم، نداریم و نخواهیم داشـــت. دولت همانی اســـت که با آرای مردم مشـــخص می‌شـــود. آیت‌الله محسن غرویان استاد حوزه و دانشگاه هم در گفت وگو با خبرآنلاین در مخالفت با این موضوع گفت: آیا تشکیل دولت در سایه معنایش عصیان و طغیان علیه رییس جمهور و حکومت دینی و ولایت فقیه نیست؟! من پیشنهاد می کنم که اصولگرایان روی این موضوعاتی که مطرح می کنند مطالعه بیشتری کنند. اما حســـین ســـبحانی نیاکه یک فعال سیاسی اصولگرا است در مخالفت با ایـــن ایـــده هم طیفی‌هایش گفت: نیروهای اصولگرا باید خود را بازســـازی کنند اما چون حزب منسجم و با برنامه در ایران نداریم ایده تشکیل دولت در سایه جا نمی‌افتد و معنی پیدا نمی کند.

موافقان چه می گویند؟

امـــا طـــرح موضوع دولت در ســـایه موافقانی هـــم دارد؛ آن هم نه در میان اصولگرایان که در میان چهره‌های اصلاح طلب. هرچند این حمایت آن‌ها همراه با اما و اگرهایی است. محمود صادقی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت وگو با خبرآنلاین تشکیل دولت در سایه را حرکتی مدنی دانسته و معتقد است دولت در سایه اگر به همان صورت متعارف اجرا شود می‌تواند منجر به تقویت کشور شود اما اگر هدف تخریب و رفتارهای ایذایی باشـــد، این موضوع نامطلوب خواهد بود. لذا چنانچه جناح رقیب به دنبال تشـــکیل دولت در ســـایه است دولت آقای روحانی باید از آن استقبال کنـــد. احمـــد حکیمی‌پور دبیـــر کل حزب اراده ملت یکی دیگر از چهره‌های اصلاح طلب بود که با استقبال از تشکیل دولت در سایه گفت: علاقه‌مندم واقعا اصولگرایان اجرایی شدن ایده دولت در سایه را دنبال و این مجموعه را راه انـــدازی کننـــد چون به پویایـــی و تعالی مملکت و نظام کمک خواهد کرد. صادق زیباکلام، اســـتاد دانشـــگاه و فعال سیاسی اصلاح طلب هم در گفت و گو با خبرآنلاین هرچند معتقد اســـت تشـــکیل دولت در سایه با نظام سیاســـی ما مطابقت ندارد و شـــاید در سال‌های بعد با توسعه سیاسی بتوان این موضوع را هم نهادینه کرد اما می گوید تشـــکیل دولت در ســـایه طغیان علیه رییس جمهور نیست. جلیلی دست‌بردار نیست! حدود دوهفته از مطرح کردن ایده اولیه تشـــکیل دولت در ســـایه از سوی سعید جلیلی نگذشته بود و واکنش‌ها به این ایده ادامه داشت که سعید جلیلی باز هم وارد میدان شد و این بار در اولین نشســـت هم‌اندیشـــی پس از انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم خطاب به دوستان اصولگرایش گفت که نباید به خاطر نتیجه یک انتخابات منعفل شد و تاکید کرد که امروز بیش از هر زمان دیگری به تشکیل یک «دولت سایه» نیازمندیم. او که واکنش‌های مخالفان این ایده را شنیده بود به تعریف مضمون دولت در سایه پرداخت و گفت: «دولت سایه» یعنی دولتی که زبان گویای ملت برای مطالبه از دولت مســـتقر جهت رســـیدن به وضـــع مطلوب باشـــد نه اینکه در برابر مردم قـــرار بگیرد. با این اظهارات به نظر می‌رســـد ســـعید جلیلی که حتی نامش در میان نامزدهای مورد حمایت اصولگرایـــان در این انتخابات قـــرار نگرفت، میان دار اصلی طراحی دولت در ســـایه اســـت و با تاکید دوباره اش بر تشـــکیل این دولت با تکیه بر رای ۱۶ میلیونی ابراهیم رییســـی نمی‌خواهد همچنان میدان مبارزه انتخاباتی را تـــرک کنـــد. هرچند باید منتظر روزهـــای آینده ماند و دید آیا او هم مانند پیشنیان خود از عملی ساختن این ایده دست می کشد یا این بار با طراحی و میان داری این ایده می‌خواهد التیامی بر زخم‌های شکســـت‌های چند سال اخیرش دست و پا کند.

طاهره شهاب الدین

آیت الله محسن غرویان در گفت وگو با «افق تازه»:

رای به روحانی «نه» به اقلیت انحصار طلب بود

دکتر حسن روحانی با رای اعتماد مردم چهارسال دیگر کلید پاستور را از آن خود کرد.او حالا با ۲۴میلیون رای حامیانش مصمم تر از قبل در مسیر رفع مشکلات مردم گام برخواهد داشت.روحانی در مناظره‌های انتخاباتی ۹۶نه تنها بخوبی از پس رقبایش برآمد بلکه با فن بیانی که داشت جامعه را به ادامه دولتش امیدوار کرد.او همچنین در بیانیه ای خطاب به ملت ایران تاکید کرد که تا پایان دولت دوازدهم فقر مطلق از کشور ریشه کن خواهد شد.روحانی از آنچه درباره امضای سند ۲۰۳۰گفته شده بود گلایه کرد و گفت مردم شریف ایران فریب حرفهایی را که با تمسک به روشهای غیراخلاقی و صرفاً با قصد تخریب بیان میشوند نخورند.

رییس دولت یازدهم همچنین متعهد شد با اتکا به قوانین و اسناد بالادستی کشور و با اجرای برنامه کارشناسی و دقیق تهیه شده برای دولت دوازدهم، در مسیر تعالی کشور و بر مبنای شعار «آزادی، امنیت؛ آرامش و پیشرفت» گام برخواهد داشت.

مقابل این گفتار روحانی اگرچه شعارهای عوام پسندانه ای مطرح شد اما مردم بازهم رای به ماندن او دادند.به اعتقاد سیاسیون این انتخاب پاسخ منفی به شعارهای پوپولیستی بود که پیش از این طرفداران قابل توجهی در جامعه ایران داشت. پاسخی که گویای شعور سیاسی مردم وآگاهی آنها نسبت به مسائل روز کشور و واقعیت‌های موجود ایران است.

آیت الله محسن غرویان هم در این رابطه می گوید: مردم با حضور حداکثری خود در انتخابات نشان دادند که نمی خواهند میدان را به دست یک اقلیت انحصار طلب بدهند که آنها هر طور می خواهند،عمل کنند.

این عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تاکید می کند: پیام اصلی انتخابات ۹۶این است که ملت ایران تصمیم خودش را گرفته تا راه تعقل و تدبیر را ادامه دهد.ملت ایران نه تنها از نزاع های سیاسی و تظاهر به دینداری خسته شده اند بلکه می خواهند با اخلاق محوری و علم و دانش آینده کشور را رقم بزنند.

او معتقد است مردم خواهان تغییر در فضای فرهنگی و سیاسی کشورهستند لذا آقای دکتر روحانی باید در این مسیر پشتیبانی شوند تا بتوانند اهداف ملت را محقق کنند.

گفتگوی«افق تازه» با این فعال سیاسی را در ادامه بخوانید:

■ با توجه به اتفاقاتی که در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم افتاد بی تردید حضور ۴۲ میلیونی مردم ایران پای صندوقهای رای برای مسوولان پیام مهمی به دنبال داشت. ارزیابی شما از این حضور و انتخاب مجدد آقای روحانی چیست؟

پیام اصلی انتخابات ۹۶ این است که ملت ایران تصمیم خودش را گرفته تا راه تعقل و تدبیر را ادامه دهد.ملت ایران نه تنها از نزاع‌های سیاسی و تظاهر به دینداری خسته شده بلکه می خواهد با اخلاق محوری و علم و دانش آینده کشور را رقم بزند. در واقع مردم خواهان تغییر در فضای فرهنگی و سیاسی کشورهستند بنابراین باید آقای دکتر روحانی در این مسیر پشتیبانی شوند تا بتوانند اهداف ملت را محقق کنند.

به نظر شما دولت یازدهم در اجرای وعده‌های خود موفق عمل کرد؟

هیچ دولتی نمی تواند ادعا کند که تمام برنامه‌ها و وعده‌هایش را پیاده کرده است. البته آقای روحانی تلاش صادقانه خود را کرد تا در حد امکان بتواند اهداف و وعده‌هایش را پیاده کند. هرچند که برهیچ کس پوشیده نیست که یکسری موانع داخلی و خارجی بود که شاید تحقق وعده‌ها را بعضا با مشکل مواجه کرد. درهرصورت الان آقای روحانی با این رای بالا باید اهداف ملت را تعقیب کند. آقای روحانی باید با شجاعت و قدرت بیشتری به دنبال اجرای خواسته مردم باشد. و با شجاعت و شهامت تدبیر تحول را طی کند و بداند ملت پشتیبان ایشان هستند. انشاالله آقای روحانی بتواند خواسته‌های مردم را در زمینه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و سیاست خارجی پیش ببرد.

■ فکر می کنید آقای روحانی در حوزه سیاست داخلی باید چه مساله ای را در اولویت کار دولت دوازدهم قرار دهد؟

آقای روحانی در سیاست داخلی باید فضای کشور را فضای آزادی کند. این فضاهای بسته شکسته شود تا مردم احساس امنیت و آزادی بیشتری کنند. خصوصا در زمینه مسائل فرهنگی، سیاسی و فکری باید به گونه ای عمل شود که احزاب و گروهها احساس کنند می توانند رای و نظرشان را مطرح کنند. من فکر می کنم مهمترین مساله در سیاست داخلی باز کردن همین گره‌هاست. خواسته مردم باز شدن فضاست. وقتی ما می بینیم آقای دکتر روحانی از شخصیت‌های برجسته اصلاحات نام می برد. این مساله نشان می دهد ظرفیت بزرگی وجود دارد و رییس جمهور منتخب به عنوان نماینده و وکیل ملت می تواند این کارها را انجام دهد.

به هرحال مهمترین خواسته، رای و نظر اکثریت مردم با حضورشان در انتخابات این بوده که میدان را به دست یک اقلیت انحصار طلب ندهند که آنها هر طور می خواهند،عمل کنند. باید فضا در دست اکثریت ملت باشد که نماینده آنها آقای دکتر روحانی است. این گروههای اقلیتی که برای خودشان تصمیم می گیرند که به سفارت یک کشور حمله کنند باید محدود شوند تا انشاالله رای و نظر اکثریت مردم که ایجاد صلح، آرامش، دوستی و رابطه با سایر کشورهاست،حاکم شود.

■ در این دوره هم همچون انتخابات ۹۲ و ۹۴ اصلاح طلبان در حمایت از آقای روحانی با اصولگرایان معتدل ائتلاف کردند.به نظر شما نقش این ائتلاف در تصمیم مردم همچون انتخابات گذشته پررنگ بود یا مسائل دیگری زمینه پیروزی آقای روحانی را فراهم ساخت؟

قطعا مردم تابع نخبگان خود هستند. وقتی نخبگان سیاسی ارتباط خوبی باهم داشته باشند و اختلافات را کنار بگذارند و برای حل مشکلات با رفاقت و دوستی مشارکت داشته باشند، فضای اخلاقی نیز اصلاح می شود. ملت نیز این رویه را می پسندند. بنابراین در انتخابات اخیرهم همین حمایت‌های اعتدالیون و اصلاح طلبان از یکدیگر فضای تعامل، همکاری و دوستی در بین مردم ایجاد کرد. مردم هم طالب همین اخلاقیات هستند که در نتیجه این پیروزی را به دنبال داشت.

■ در پیروزی آقای روحانی نقش آرای خاکستری را چطور ارزیابی می کنید؟

آرای خاکستری همان‌هایی هستند که وقتی چهره خوبی از دینداری و اخلاق محوری آقای روحانی دیدند تصمیم گرفتند در انتخابات شرکت کنند. چراکه برای این افراد این مسائل حائز اهمیت است. این مساله مشارکت مردم تهران را از ۲ میلیون سال ۹۲ به ۵ میلیون سال ۹۶ رساند . این خود نشان دهنده علاقه مردم به قرائتی ازدین است که اخلاق محور باشد.

محمد فیروزی

پرونده ویژه «افق تازه» پیرامون اقتصاد بانک محور و معضلات پیش روی نظام بانکداری

چالش بانکی

آیا اصلاح نظام بانکی امکان‌پذیر است؟

اصلاح نظام بانکی یکی از چالش برانگیز ترین موضوعاتی است که این روزها در فضای اقتصادی کشور مطرح می‌شود. در این گزارش به نظرات کارشناسان اقتصادی پیرامون ضرورت اصلاح نظام بانکی و چگونگی انجام آن نگاهی خواهیم انداخت.

عمومیت نداشتن شیوه پرداخت تسهیلات

احمد حاتمی‌یزد، اصلاح نظام بانکی و تطابق قوانین داخلی با موافقت نامه بازل را یک ضرورت در نظام بانکی می‌داند و این طور می گوید: نظام بانکی ایران با شرایط و قوانین جهانی هم خوانی ندارد و تا اصلاح نظام بانکی عملیاتی نشود اوضاع به همین روال است.پذیرش موافقت نامه بازل «BAZEL» دارای قوانین مخصوصی است که یکی از آنها بر موضوع کفایت سرمایه بانکی تاکید دارد. به گفته رییس سابق بانک صادرات هنوز بسیاری از بانک‌ها رعایت کفایت سرمایه را در فعالیت‌های خود مورد توجه قرار نمی‌دهند و چنین موضوعی باعث می‌شود که بانک‌های داخلی در معرض خطر قرار داشته باشند.حاتمی‌یزد می‌افزاید: هر بانک در صورت رعایت کفایت سرمایه تنها می‌بایست ۱۰ درصد میزان سرمایه اش پرداخت تسهیلات داشته باشد. اما به دلیل سودآور بودن پرداخت تسهیلات، بانک‌ها چنین چیزی را رعایت نمی کنند. همین موضوع هم زمینه ساز فعالیت پر ریسک را در بانک‌های داخلی فراهم کرده است، به طوری که می‌توان گفت در حال حاضر ۲۶ بانک داخلی هیچ کدام موضوع کفایت سرمایه را رعایت نمی کنند.این کارشناس مسایل بانکی نقد دیگری هم بر نحوه فعالیت بانک‌های داخلی دارد، که درباره آن چنین می گوید: تسهیلات بانک‌ها در داخل در اختیار کسانی قرار می گیرد که اعتبار سنجی درستی نشده اند. به این معنی که توان استفاده و بازپرداخت تسهیلات را ندارند. در حالی که مطابق با نظام‌های بانکی استاندارد هر بانک می‌بایست ۲۰ درصد سرمایه یک بانک در اختیار یک مشتری بزرگ بانکی قرار گیرد.

وی افزود: اصلاح نظام بانکی نیاز به عزم جدی همه بخش‌ها دارد و همه نهادهایی که از خدمات نظام بانکی منتفع می‌شوند می‌بایست در این مسیر گام بردارند. به گفته حاتمی‌یزد پس از اینکه همه بخش‌های جامعه برای اصلاح نظام بانکی به عزم واحد رسیدند می‌توانند با استفاده از راهکارهای بین المللی صندوق بین المللی پول در مسیر اصلاح گام بردارند.

تعداد بنگاه‌های اقتصادی کشور محدود است!

در بین تردیدهایی که نسبت به اصلاح نظام بانکی مطرح می‌شود، برخی از آنها به موضوع رابطه نظام بانکی با واحدهای اقتصادی بزرگ می‌پردازند، که این موضوع دستاویزی شده است تا به وسیله آن استفاده از تسهیلات کلان بانکی توسط واحدهای اقتصادی بزرگ زیر سوال برود. این درحالی است که نظام بانکی به عنوان یک اهرم برای تحرک بخشی به واحدهای اقتصادی مدنظر است. نباید فراموش کرد که واحدهای اقتصادی تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی کشور تعداد محدودی دارند و استفاده این واحدها از تسهیلات به معنای در اختیار قرار گرفتن وام‌ها نزد افراد خاص نیست و موضوع فسادهای اقتصادی که در کشور مطرح می‌شود شکل دیگری دارد که در این گزارش مجال پرداختن به آن نیست.

کامران ندری در خصوص رابطه بانک‌ها و بخش‌های اقتصادی معتقد است رابطه بانک‌ها با بخش‌های اقتصادی دچار خدشه شده است و همین موضوع باعث فراگیر شدن رکود در کشور شد. وی می‌افزاید: در صورت اصلاح نشدن رابطه میان بانک‌ها و سایر بخش‌های اقتصادی کشور دچار یک بحران می‌شود، که تبعات آن در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی حتمی‌است. این موضوع حتی در کشورهای غربی هم تجربه شده است و به طور عموم کشورهای بحران زده غربی به طور عمده از بحران در سیستم بانکی خود رنج می‌برند.

این استاددانشگاه می گوید بانک مرکزی در شرایط کنونی به عنوان ناجی بانک‌های در آستانه بحران قرار گرفته است و اجازه ورشکسته شدن بانک‌ها را نمی‌دهد. در حالی که واحدهای تولیدی هم قادر به استفاده از منابع بانک‌ها نیستند. مجموع این شرایط بانک‌ها را با نوعی تنگنای نقدینگی مواجه کرده است. چرا که نقدینگی در جامعه جریان ندارد و بانک‌ها برای پرداخت تعهدات خود نیازمند کمک بانک مرکزی هستند. ندری علت اجرایی نشدن اصلاح نظام بانکی در داخل را فراهم نبودن زیرساخت‌ها می‌داند و معتقد است، با وجود رشد سریع بانک‌های خصوصی در کشور، شرایط برای فعالیت درست این بانک‌ها در داخل فراهم نبود. همین موضوع هم سبب شد سهام داران بانک‌ها که شرایط مطلوبی را تجربه می کنند، آمادگی پذیرش اصلاح در نظام بانکی را نداشته باشند. وی در خصوص زمان به وقوع پیوستن اصلاح در نظام بانکی می گوید: به نظر نمی‌رسد که سال ۹۶ زمان عملیاتی شدن اصلاح در نظام بانکی باشد و برای انجام آن حداقل دو سال دیگر زمان لازم است.

تورم زایی در فعالیت بانک‌ها

دولت یازدهم به رغم انتقاداتی که از سوی برخی منتقدان به فعالیت آن دارند، در موضوع کنترل تورم عملکرد خوبی داشت، که سبب شد تحسین موافقان و مخالفان آن برانگیخته شود. اما با این وجود هنوز دستاورد کنترل تورم به ثبات لازم نرسیده است و در صورت مراقبت نکردن از فضای اقتصادی ممکن است مجدد شاهد افزایش تورم در داخل کشور باشیم.

مهدی تقوی با هشدار دادن این موضوع که عملکرد بانک‌ها می‌تواند باعث شود تورم دو رقمی به کشور بازگردد، این طور می گوید: بانک‌ها می‌بایست دست از فعالیت خود در پرداخت سودهای بالا بردارند. چرا که این فعالیت از نظر اقتصادی می‌تواند زمینه ساز افزایش تورم شود. وی می‌افزاید: دولت با تلاش فراوان توانست تورم را مهار کند و زمینه مثبت شدن رشد اقتصادی کشور را فراهم کند. اما نظام بانکی بدون اصلاح شدن می‌تواند همانند یک آفت عمل کند. به همین منظور بهتر است دولت قبل از هر اقدامی برنامه جامعی در خصوص اصلاح نظام بانکی تدوین کند تا مجدد شاهد تورم ۴۰ درصدی در کشور نباشیم.

گفـــت و گو: امیر دیانی - مجیدبهره مند

عکس: استودیو برتر

گفت و گوی تفصیلی «افق تازه» با دکتر غلامحسن تقی نتاج:

ورشکستی نظام بانکی کشور با وجود ثروت‌های عظیم، بی معنی است

اقتصاد کشـــور ما طی دهه‌های اخیر فراز و نشـــیب‌های بســـیاری را پشـــت سر گذاشته است و در این بین از بانک‌ها همیشه به عنوان یکی از بازوهای مهم برای رونق فضای کسب و کار یاد می‌شود. این در حالیست که عده ای پدیده بانک محوری و روند کند اجرای بانکداری اســـلامی در کشور را از جمله مهمترین پاشنه‌های آشیل اقتصاد معرفی می کنند.

آنچه در پی می‌آید گفت و گو با دکتر غلامحســـن تقی نتاج مدیر عامل بانک قوامین پیرامون موضوعات مختلف بانکداری کشـــور است که از منظرتان می گذرد.

پیشنهاد شما برای خروج کشور از پدیده‌ی بانک محوری چیست؟

پدیده‌ی بانک‌محوری یک واقعیت محیطی و باسابقه در اقتصاد کشور ماست و به خودی خود یک ویژگی منفی یا مثبت محسوب نمی‌شود. اقتصاد هر کشوری می‌تواند بانک محور(بازار پول محور) یا بازار سرمایه محور باشد. همانند این که ما بخواهیم هر پدیده‌ای را با ویژگی‌های واقعی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. بنابراین بانک محور بودن اقتصاد ما واقعیتی است که باید تقریبا در دوره‌های طولانی مدت ده یا بیست ساله و حتی بیشتر به عنوان یک واقعیت مفروض پذیرفته شود و بهتر است بحث‌هایمان را بر اساس این واقعیت بنا کنیم. اگر بخواهیم از این واقعیت به واقعیت دیگری در بحث‌های اقتصادی حاکمیت بازار سرمایه بر اقتصاد کشور تغییر کنیم این امر نیازمند اقدامات و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است. از این رو نمی‌توان گفت کدام رویکرد برای اقتصاد کشور مفیدتر است و به مطالعه‌ی عمیق‌تری احتیاج دارد. آنچه که هم‌اکنون بر اقتصاد کشور ما حاکم است این است که ما باید بانک‌ها را به عنوان یک واقعیت بدانیم و بپذیریم. همه‌ی فعالیت‌های اقتصادی در یک محور مشترک با هم برخورد دارند و هر کدام از بازارهای فعال در بازار سرمایه باید بپذیرند با متغیر حاکم بر بانک‌ها، فعالیت‌های خود را برنامه‌ریزی کنند وافراد مختلف با منظرهای متفاوت نسبت به این دیدگاه تلاش کنند خواسته‌هایی که در اقتصاد کشور مطرح است را با این واقعیت منطبق و محقق کنند. به طور کلی به عقیده من اقتصاد کشور با این رویکرد بانک محور بودن عملکرد قابل قبول‌تری خواهد داشت و فعالیت خود را بهتر انجام می‌دهد و با همین وضعیت فعلی نیز می‌توان خواسته‌های افراد مختلف با دیدگاه‌های متفاوت را محقق کرد.

چرا بانکداری اسلامی در ایران به طور کامل محقق نشده و مغفول مانده است؟

بانکداری اسلامی مورد غفلت واقع نشده است و بسیار مورد توجه بوده و است و تلاش همه بر این اساس است که کشور به این سمت حرکت کند. اما نکته‌ی مورد توجه این است که مدلی برای بانکداری اسلامی ارائه نشده است که بتوانیم این مدل را جایگزین مدل فعلی (بانکداری بدون ربا) کنیم. حدود هفتاد سال است که طرح نظریه تغییر از بانکداری متعارف به سمت نظام پولی اسلامی مطرح شده است و صاحب نظرانی همچون سید محمد باقر صدر روی آن کار کرده‌اند. در کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی نیز به این نظریه توجه شده و اقدامات قابل توجهی در راستای آن انجام شده است. بنابراین طرح فعلی به قدری ریشه‌دار و بااهمیت بوده که حتی کشورهای غیر اسلامی نیز به آن توجه کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان واژه‌ی مغفول را برای آن به کار برد و اذعان کنیم که مورد توجه بوده است. نکته این است که ما عنوان نظام پولی اسلامی را به کار می بریم که عنوانی بزرگ و آرمانی محسوب می‌شود و برای رسیدن به این هدف آرمانی باید یک مسیر طولانی طی کنیم. این مسیر طولانی به

بانکداری اسلامی مورد غفلت واقع نشده است و بسیار مورد توجه بوده و است و تلاش همه بر این اساس است که کشور به این سمت حرکت کند. اما نکته‌ی مورد توجه این است که مدلی برای بانکداری اسلامی ارائه نشده است که بتوانیم این مدل را جایگزین مدل فعلی (بانکداری بدون ربا) کنیم.

گونه‌ای است که هر چه ما جلوتر می‌رویم عمق و گستردگی موضوع بیش از پیش روشن می‌شود. در بحث‌هایی که سید محمد باقر صدر در کتاب‌های اقتصاد ما مطرح می کند صراحتا ذکر می کند که نظام پولی اسلامی برای جامعه، حیاتی است اما شرایط آن فعلا فراهم نیست و ابعاد و عمق این مفهوم برای ما شناخته شده نیست ؛ تنها یک عنوان از آن می‌دانیم و می گوییم که در نهایت چه چیزی می‌خواهیم. می توانیم یک الگوی عملیاتی ارائه دهیم اما تاکنون یک الگوی عملیاتی برای جایگزینی الگوی فعلی، وجود نداشته است. این کار امری زمان‌بر است همان گونه که بانکداری متعارفی که در دنیا مطرح است حدود چهارصد سال سابقه تاریخی دارد و مرحله به مرحله شناخته شده و به جایگاه فعلیش رسیده است. آقای صدر عقیده دارند بانکداری متعارف تماما ربوی نیست و نمی‌توانیم بگوییم بانکداری متعارفی که اکنون در دنیا رایج است تماما ربوی می‌باشد با وجود این که به آلوده بودن آن به ربا اعتقاد داریم. ایشان مطرح می کنندا گر ما بتوانیم بانکداری متعارف را ربازدایی کنیم نقطه عطف خوبی است زیرا بخش قابل توجهی از سبک زندگی بشر با هر دیدگاه و جهان‌بینی، دارای نقاط مشترک است. در مطالعه‌ی اخیری که انجام داده‌ایم به این نتیجه رسیدیم که نظام پولی اسلامی یا بانکداری اسلامی دارای تفاوت فاحش با بانکداری متعارف نیست هرچند که با آن اختلاف‌هایی دارد اما نباید بانکداری متعارف را به طور کامل رد کرد. همان‌طور که بزرگانی چون امام خمینی(ره)، سید محمدباقرصدر و شهیدمطهری نیز همین عقیده را داشته‌اند که اگر بانکداری متعارف را ربازدایی کنیم می‌توان به عنوان پله‌ی اول پذیرفته شود تا پله‌های بعدی به مرور شناخته شود. عملیات بانکی بدون ربا نیز که در سال ۱۳۶۲ تصویب شد بر اساس همین دیدگاه است و یک قانون متعالی در زمان خود(و حتی اکنون) محسوب می‌شود که بر ضرورت ربازدایی بانکداری اسلامی تاکید کرده تا یک گام به جلو حرکت کند اما کسی در همین قانون ادعا نکرده که این نظام پولی اسلامی است.

اکنون بعد از گذشت سی و چهار سال موفقیت‌های زیادی نیز حاصل شده است زیرا طی کردن این مسیر تنها با تصویب یک قانون محقق نمی‌شود و در اجرا لازم است توسط همه‌ی بانک‌ها و موسسات اعتباری تایید و اجرا شود و به مرور زیرساخت‌های آن انجام و به کارمندان آموزش‌های لازم داده شود. نباید انتظار داشته باشیم در سال ۱۳۶۲ این آگاهی و شناخت کنونی موجود بوده باشد و بگوییم چرا سی سال پیش چنین قانونی تصویب نشد. نباید فراموش کرد در آن دوران شرایط لازم فراهم نبوده است. اکنون با داشتن تجربه های گوناگون شرایط مناسبی برای برخی تغییرات توسط مجلس شورای اسلامی فراهم است و امیدواریم خروجی آن به طور موفقیت‌آمیز مبنای کار بانک‌ها قرار گیرد. تاکید می کنم قانونی که تصویب خواهد شد به این معنا نیست که بیان گر نظام پولی اسلامی است. ما باید توقعات و مطالبات مردم را با واقعیت‌های موجود تنظیم کنیم و تلاش کنیم قانونی که تصویب می‌شود یک گام به جلو باشد و ما را به هدف آرمانی مدنظر برساند. هر چند که نباید کار را تمام شده تلقی کنیم بلکه تجربه‌ی جدیدی است که بانک‌ها باید خود را با آن تطبیق بدهند. تاکید می کنم که تحقق بانکداری اسلامی تنها نیازمند اراده، عمل و اقدام بانک‌ها نیست بلکه نیازمند فعالیت بخش‌های دیگر جامعه نیز هست. در نهایت نظام پولی اسلامی به عنوان یک هدف آرمانی در حال حاضر دارای یک الگوی عملیاتی برای پیاده‌سازی نیست و به زمان و شناخت نیاز دارد زیرا نظام پولی اسلامی بخش ناشناخته اقتصاد اسلامی است و بدون صرف زمان و شناخت نباید توقع داشت به طور کامل به آن دست یابیم. آن‌چه حائز اهمیت است اتصال این نوع بانکداری با آموزه‌های دینی ماست و همه صاحب‌نظران علوم اقتصادی، دینی و بانکی باید با هم همکاری کنند تا مرحله به مرحله این مسیر رو به رشد تکامل یابد. همچنین نباید با قضاوت‌های هیجانی شدید همه چیز را زیر سوال برد و تلاش‌های صورت گرفته را نادیده گرفت و بپذیریم این نظام بانکی عبارت جدیدی در ادبیات اقتصاد اسلامی است و محیط‌های اسلامی ضمن توجه به مبانی و اصول خود، باید این واقعیت را نیز بپذیرند تا زمینه‌های مشترکی بین این مفهوم وارداتی به نام بانکداری و مبانی دینی خود پیدا کنیم.

رویکرد، طرح و برنامه‌های بانک قوامین در سال اشتغال و اقتصاد مقاومتی چیست؟

با توجه به این که اقتصاد مقاومتی سال‌هاست در جامعه مطرح است نشان‌دهنده این موضوع است که اداره جامعه با توجه به بخش‌های مختلف باید صورت گیرد اما در برخی مواقع یک بخش اهمیت بیشتری می‌یابد. در گذشته این سوال مطرح می‌شد که آیا اقتصاد در جامعه اسلامی، روبنا است یا زیربنا و هر کسی از منظر خودش به این سوال پاسخ می‌داد. اکنون اقتصاد یکی از بخش‌های زیربنایی جامعه است و اقدام صحیح دیگر بخش‌ها در جامعه به عملکرد صحیح بخش

اقتصادی منوط است و باید به صورت اساسی به آن پرداخته شود. اکنون سال هاست که رهبر معظم انقلاب بر اقتصاد مقاومتی تاکید دارند. واژه‌ی مقاومتی رقابت بین مکاتب کمونیسم، کاپیتالیسم، سوسیالیسم و جمهوری اسلامی را تکلیف می کند و این مکاتب سال هاست که با هم در جدال هستند. ما نیز کماکان در کشورمان شاهد جدال این مکاتب هستیم. تفکری که در سال ۱۳۵۷ به نام جمهوری اسلامی به بار نشست این واژه را در عرصه‌ی بین‌المللی مطرح کرد که موفقیت این تفکر مقبول تفکرات رقیب نیست به طوری که تفکر سرمایه‌داری اصرار دارد که در همه‌ی جهان رایج و مورد قبول باشد. تداوم حیات تفکر کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) نیازمند پیروی کردن همه‌ی جهان از این تفکر است. در مقابل چنین تفکری نمی‌توان با نگاه عادی به اقتصاد توجه کرد و باید تفکری محکم در مقابل رقیب داشت. قید مقاومتی نشان‌دهنده وجود این دیدگاه است. اقتصاد مقاومتی که هر سال بر آن تاکید می‌شود یک ضرورت حیاتی برای کشور و اداره جامعه است. ما به عنوان یک بنگاه اقتصادی باید نقش خود را ایفا کنیم. همان گونه که همه‌ی آحاد جامعه در سه سطح (فردی، سازمانی، حکومتی) می‌توانند به ایفای نقش بپردازند. نقش قانون گذاری که مربوط به نقش حکومتی است یکی از موتورهای محرکه اقتصاد مقاومتی است. در بانک قوامین تلاش شده در سند راهبردی تحولی که سال ۱۳۹۵ تنظیم شد به اقتصاد مقاومتی توجه کنیم. این سند اکنون اجرایی نشده و در حد حرف می باشد، نحوه‌ی اجرای سند اهمیت بسیاری دارد، برنامه‌ها و بودجه‌های تنظیم شده در راستای این سند است. نکته ی قابل توجه این است که زمینه مناسب برای ایجاد اشتغال به صورت مستقیم در نظام بانکی فعلا فراهم نیست زیرا تمام موسسات پولی و مالی دارای مجوز در کشور تقریبا از نظر نیروی انسانی اشباع هستندو همچنین ماموریت داشته‌اند نیروی انسانی موسسه‌های پولی ومالی غیرمجاز را نیز سامان دهند از این رو همین اندازه که بانک‌ها بتوانند برای نیروهای موجود خود اشتغالزایی و کارآفرینی کنند رسالت خود را انجام داده‌اند. البته در صورت کمبود نیرو حتما به وظیفه خود عمل کرده و اقدام به استخدام نیرو خواهند کرد. بانک‌ها می‌توانند با اعطای وام‌ها و تسهیلات به بازارهای سرمایه و فعالان اقتصادی اشتغالزایی کنند که این امر در برنامه کاری ما قرار دارد. یکی دیگر از مشکلاتی که در اقتصاد ما وجود دارد این است که فروش بنگاه‌ها به خصوص فروش داخلی روان نبوده و مشکلات زیادی دارد هرچند که فروش بین‌المللی با اقدامات و مناسباتی که صورت گرفته رو به بهبود است اگرچه با نرخ رشد کم انجام می‌شود و به حمایت و اقدامات بیشتری نیاز دارد. در این بین مصرف کنندگان نیز از توان اقتصادی مناسب برخوردار نیستند. بنابراین باید وام‌ها و تسهیلات خرد و متوسط در جهت توانمندسازی مصرف کنندگان اعطا شوند. البته مصرف کنندگان نیز باید در سلیقه خرید خود بازنگری کنند و تولیدات داخلی را به کالاهای وارداتی ترجیح دهند. پس رویکرد تعاملی بیم وام‌دهنده و وام گیرنده یا همان مصرف کننده لازم است تا شاهد رونق بنگاه‌های داخلی باشیم. به طور خلاصه فروش

همان گونه که همه‌ی آحاد جامعه در سه سطح (فردی، سازمانی، حکومتی) می‌توانند به ایفای نقش بپردازند. نقش قانون گذاری که مربوط به نقش حکومتی است یکی از موتورهای محرکه اقتصاد مقاومتی است. در بانک قوامین تلاش شده در سند راهبردی تحولی که سال ۱۳۹۵ تنظیم شد به اقتصاد مقاومتی توجه کنیم. این سند اکنون اجرایی نشده و در حد حرف می باشد.

بنگاه‌ها یک مشکل جدی در اقتصاد کشور ماست و سیاست گذاران و فعالان عرصه‌های مختلف کشور باید به آن به عنوان یک واقعیت در کشور توجه جدی داشته باشند و تمام معضلات کشور به اشکلات نظام بانکی برنمی گردد. زمانی که بنگاه‌ها نتوانند محصولات خود را به فروش برسانند، وام با سود صفر درصد نیز راهگشا نبوده و نمی‌توانند آن را پس بدهند و شکست خواهند خورد.

هم‌اکنون حدود ۷۵۰ شعبه در کشور داریم و دلیل کاهش این شعبه‌ها، تحمیل کفالت شعب تعاونی‌های اعتباری بدون توجیه اقتصادی به بانک قوامین در سراسر کشور بوده است.

عده‌ای معتقدند نظام بانکی کشور رو به ورشکستگی است نظر شما در این رابطه چیست؟

ایران کشوری ثروتمند است و ورشکستگی بانک‌ها در آن معنایی ندارد و در اقتصادی با این حجم از ثروت ملی، اگر حجم نقدینگی از هزار و دویست تریلیون تومان به دوازده هزار تریلیون تومان نیز افزایش یابد، با اداره‌ی صحیح اقتصاد به راحتی می‌توان گردش مالی داشت و بسیاری از این ثروت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه می‌توانند بالفعل شوند. حجم نقدینگی یک تیغ دولبه است که اگر درست استفاده شود منجر به رونق شده و اگر درست استفاده نشود به تورم‌های افسار گسیخته منجر می‌شود که شکاف درآمدی طبقات جامعه را افزایش می‌دهد. همان گونه که بانک مرکزی اخیرا اعلام کرده است سپرده‌ی سپرده‌گذاران توسط بانک مرکزی کشوری صیانت می‌شود که این حجم از ثروت ملی را دارد. ضمنا توجه داشته باشیم که ثروت‌اندوزی از راه درست و همراه با انفاق از نظر قرآن کریم بسیار پسندیده است زیرا اشتغال و سرمایه‌گذاری از فقر حاصل نمی‌شود.

در سال ۱۳۸۳ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی توسط مجلس

تصویب شـــد و اوضاع به‌هم ریخته و ســـکوت قانونی قبل از ســـال ۸۳ســـامان یافت زیرا در همه‌ی دنیا مهار فعالیت پولی و مالی توســـط بانک مرکزی انجام می‌شـــود و تا قبل از این ســـال در کشـــور این امر صـــورت نمی‌گرفت.پس از تصویب این قانون به عنوان یک ســـرمایه ملی، حدود ۹۰۰ تعاونی اعتباری تحت نظر بانک مرکزی قرار گرفتند هرچند که هنوز با مشـــکلاتی مواجه هســـتند. بانک مرکزی با کمک بانک‌ها و برخی موسســـات اعتباری، ۹۰۰ تعاونی اعتباری را ســـامان داد با این حال حدود ۶هزار صندوق قرض‌الحســـنه همچنان با مشـــکل مواجه‌انـــد و به ســـامان‌دهی احتیاج دارنـــد که در مراحل بعد باید به آن پرداخته شود. از سال ۸۳ تاکنون چندین بانک به بانک‌های کشور افزوده شـــده و این بانک‌ها ابزارهایی هســـتند که می‌توان با آن‌ها ساماندهی مورد نیاز را انجام داد. امیدواریم طی پنج ســـال آینده شـــاهد یک نظام پولی و بانکی مقتدر با محوریت نظارتی بانک مرکزی باشیم تا بستری برای فعال کردن ثروت بالقوه کشـــور باشـــد. به طور حتم زمانی که این ثروت‌ها بالفعل شوند بخش مهمی از اهداف سند اقتصاد مقاومتی تحقق می‌یابد. بنابراین ورشکستی نظام بانکی کشور معنایی ندارد و امیدواریم بانک‌های دارای مجوز از بانک مرکزی روز به روز بستری برای تحقق رونق اقتصادی خواهند شد.

عـــده ای پـــس از برجام معتقدند که مراودات بین المللی بانک‌ها همچنان با مشـــکل مواجه اســـت و به طور مثال سوئیفت آنطور که باید فعال نیست نظر شما در این رابطه چیست؟

در بانک قوامین بانکداری ریالی انجام می‌شـــود اما دیگر بانک‌هایی که در بخش بانکداری ارزی فعالیت دارند اقدامات موثری انجام داده و کم‌کم به جایگاه گذشته خود باز خواهند گشت. حداقل خاصیت برجام این بوده که اوضاع بدتر از گذشـــته نیســـت و زمان زیادی لازم اســـت تا اوضاع بهبود یابد به گونه ای که اعتماد بین ما و فعالان بین‌الملل حاصل گردد.

آیا بانک قوامین پروژه ملی در دست اقدام دارد؟

همان‌طوی که بانک‌ها با میلیون‌ها ســـپرده‌گذار در تعامل هســـتند در مقابل باید با میلیون‌ها وام‌گیرنده و تســـهیلات گیرنده تعامل داشـــته باشـــند. بانک‌ها باید در پروژه‌های بزرگ ملی به صورت ســـندیکا با مجوز بانک مرکزی و با مشـــارکت چندین بانک ورود کنند. اما طبق روال عادی بانک قوامین با میلیون‌ها وام‌گیرنده و تســـهیلات‌گیرنده در ارتباط اســـت و سیاســـت بانک به ســـمت تسهیلات خرد و متوسط است.

علی میرزاخانی

تحمیل نرخ سود دستوری

یکی از مباحث مهم اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر معطوف به ضرورت کاهش نرخ سود بانکی بوده که همواره با مانع تورم دو رقمی برخورد کرده و ناکام مانده است.

حداکثر واکنش سیاست‌گذار در برابر این ناکامی، استفاده از ابزاری بوده است که در ادبیات اقتصادی تحت عنوان سرکوب مالی از آن یاد می‌شود که به مفهوم تحمیل نرخ سود دستوری به بازار رسمی به جای تمرکز روی کاهش نرخ تورم است.

سرکوب مالی از یکسو باعث انحراف فعالیت‌های واقعی اقتصادی به سمت فعالیت‌های رانت‌جویی و سفته‌بازی شده و از سوی دیگر باعث شکل‌گیری بازار موازی پول در کنار بازار رسمی می‌شود. سرکوب مالی حدود ۱۰ سال پیش به اوج خود رسید که هر دو پیامد تشدید سفته‌بازی و رویش بازار موازی پول تحت عنوان موسسات پولی را با خود به همراه داشت که هنوز هم اقتصاد ایران با چالش‌های ناشی از این دو پیامد دست‌وپنجه نرم می‌کند و هرگونه خطای سیاست‌گذاری می‌تواند این چالش‌ها را به یک بحران تبدیل کند.

اما مساله مطرح کنونی درخصوص نرخ سود بانکی کمی متفاوت از گذشته است. نرخ تورم طی چهار سال اخیر در مسیر نزولی قرار گرفته و از ۳۵ درصد در سال ۹۲ به زیر ۱۰ درصد در سال ۹۵ رسیده است؛ اما این موفقیت بزرگ ملی که در ربع قرن اخیر بی‌سابقه است به کاهش نرخ سود بانکی منجر نشده است.

آیا این عدم پیروی نرخ سود بانکی از نرخ تورم یک مساله غیرعادی است؟ تصور رایج آن است که نرخ سود بانکی چون تابعی از نرخ تورم است باید از کاهش نرخ تورم تبعیت کند و فاصله معقولی با آن داشته باشد که در دو سال اخیر این اتفاق نیفتاده و باعث شکل‌گیری فاصله غیرمنطقی بین این دو نرخ شده است. این تصور اگر چه ظاهری صحیح دارد، اما گرفتار خطاست.

اینکه نرخ سود بانکی تابعی از نرخ تورم معرفی می‌شود همان ظاهر صحیح داستان است، اما خطای این گزاره به این نکته مغفول مربوط می‌شود که نرخ تورم اثرگذار بر نرخ سود بانکی، «تورم آینده» یا «انتظارات تورمی» است نه تورم موجود. واقعیت تلخ این است که دولت یازدهم اگر چه نرخ تورم را مهار کرده اما در مهار انتظارات تورمی یا تورم آینده ناکام بوده است و برآیند انتظارات در بین فعالان اقتصادی آن است که کاهش نرخ تورم مقطعی و ناپایدار است.

بنابراین واضح است که برای کاهش نرخ سود بانکی راهی جز مهار انتظارات تورمی وجود ندارد؛ چراکه راه جایگزین همان راه‌حل همیشگی سرکوب مالی است که نه راه بلکه بیراهه است. حال سوال این است که چرا تورم آینده یا همان انتظارات تورمی به رغم دستیابی به تورم تک‌رقمی همچنان بالا مانده است؟ برای پاسخ به این پرسش دو فرضیه وجود دارد که در واقع مکمل هم هستند. فرضیه اول ناظر بر عدم اطمینان فعالان اقتصادی از پایداری «تورم پایین» به‌دلیل اعتیاد اقتصاد ایران به تورم حدود ۲۰ درصد طی دهه‌های متمادی است که این اطمینان جز با تثبیت «تورم پایین» در چند سال متمادی ایجاد نخواهد شد.

اما فرضیه دوم به علت بنیادین بالا ماندن «تورم آینده» می‌پردازد. بر اساس این فرضیه اگرچه ابزار اصلی دولت در وصول به تورم تک‌رقمی، لگام زدن بر رشد بی‌رویه حجم پول بوده است، اما می‌توان ثابت کرد که بخشی از تورم به‌دلیل سیاست غلط تثبیت نرخ اسمی ارز به آینده پرتاب شده است. فعالان اقتصادی به تجربه دریافته‌اند که ممانعت از انعکاس نرخ تورم در نرخ ارز به معنی جهش دلار و سایر پول‌های خارجی در آینده‌ای نه چندان دور است که گریزی از وقوع آن نیست جز با تعدیل تدریجی نرخ ارز متناسب با تورم. انتظار برای جهش نرخ ارز معادل انتظار برای جهش تورم است که حداقل دو تجربه تلخ از این پدیده در دهه هفتاد و ابتدای دهه نود ثبت شده است.

بنابراین به جای افتادن در بیراهه همیشگی سرکوب مالی برای کاهش نمایشی نرخ سود بانکی، باید انتظارات تورمی‌را از بین برد و ابزار اصلی آن تک‌نرخی کردن ارز با استفاده از تجربه موفق دهه هشتاد در انتهای نرخ بازار و واقعی‌سازی تدریجی نرخ‌ها در این بازار است. این راهکار چنانچه با ساماندهی بازار بدهی همراه شود اگرچه ممکن است تورم کنونی را اندکی بالاتر ببرد، اما این افزایش از محل کاهش تورم انتظاری خواهد بود که به کاهش نرخ واقعی سود بانکی در حال و آینده خواهد انجامید و آثار ضدرکود آن به سرعت خود را نشان خواهد داد.

ابراهیم کاظم‌پور*

بازنده ی نهایی تکرار اتهام زنی‌ها و سیاه نمایی‌ها علیه نظام بانکی

فضای رسانه ای کشور به شدت تحت تاثیر اخبار مربوط به رقابت‌های انتخاباتی و جملات تند و تیز رقبایی است که راه رستگاری و موفقیت کارزار انتخاباتی خویش را در نفی صددرصدی تمام عملکردهای دولت فعلی و تندترین انتقادها نسبت به وضعیت اقتصاد کشور می‌بینند. در این میان همچون ادوار گذشته بانکداران ایرانی در معرض قضاوت‌های یک سویه و غیر کارشناسی برخی نامزدهای محترم قرار گرفتند. در طول سال گذشته فضای عمومی رسانه‌های منتقد دولت آکنده از حملات سنگین یک سویه و غیرمنصفانه به عملکرد بانک‌ها بود. انتشار اخبار مربوط به دشواری‌های ناشی از تطبیق ناگزیر صورتهای مالی بانکهای ایرانی با استانداردهای مالی بین المللی و تاخیر در برگزاری مجمع عمومی‌بانکها با انبوهی از تحلیل‌های غیرکارشناسی همراه شد که ورشکستگی بانکها (و در واقع کل اقتصاد بانک محور کشور) را محتوم و قریب الوقوع نشان می‌دادند.اتهام زنی به شبکه بانکی با این مضمون که کل تسهیلات شبکه بانکی فقط به «افراد خاص» تعلق می گیرد و چشم بستن بر هزاران پروژه عمرانی که با تسهیلات بانکها به تمر نشسته اند، و نیز دهها هزار کسب و کار متعلق به بخش خصوصی که وامدار بانکها هستند، خود به اندازه ی کافی غیرمنصفانه و مخرب است، ولی اگر طرح آن از سوی افرادی صورت گیرد که نامزد سمت عالی ترین مقام اجرایی کشور هستند آنگاه می تواند تبعاتی ویرانگر داشته باشد.

بی گمان شبکه بانکی نیز همچون سایر دستگاههای اقتصاد کشور از بروز مشکلات ساختاری دیرپا رنج می‌برد، اما اینکه بیان هر نارسایی در این سیستم با بزرگنمایی و غوغاسازی همراه باشد می‌تواند به سست شدن پایه‌های اعتماد مردم به استوانه‌های اقتصاد ملی منجر شده و سپرده گذاران و سهامداران بانکها را تحت تاثیر این اتهام زنی‌ها و سیاه نمایی‌ها، تشویق به خروج سرمایه‌هایشان از شبکه بانکی کشور نماید. هرچند خوشبختانه آمار منابع بانکی کشور نشان می‌دهد که رفتار سپرده گذار ایرانی از این تحلیل پیروی نمی کند و در همه بانکهای کشور طی سال گذشته نیز شاهد روند افزایش منابع و تسهیلات شبکه بانکی کشور بوده ایم.

اما دلیل این اعتماد و تداوم ارتباط عمیق مردم با بانکها چیست؟ چه عاملی باعث می‌شود که قاطبه مردم بیش از هر مجرای دیگری در اقتصاد کشور، بانک را به عنوان امین انتخاب کرده و سپرده شان را از بانک خارج نکنند؟ پاسخ این است : مردم می‌بینند و می‌دانند که بانکها هنوز و همچنان امن ترین محل حفظ اندوخته‌هایشان هستند. در طول تاریخ ۱۲۰ ساله بانکداری ایرانی، هیچ بانکی ورشکست نشده و هیچ موردی به ثبت نرسیده که یک بانک ایرانی ناتوان از بازپرداخت پول سپرده گذارش بوده باشد. شهروند ایرانی می‌بیند که علیرغم تمام کاستی‌ها و نارسایی‌ها، هنوز شعبه ی بانک از لحاظ تکریم ارباب رجوع و پاسخگویی به مردم سرآمد تمام دستگاه‌های اداری و خدماتی کشور است. مردم می‌بینند که بانکهای کشور طی سالهای اخیر گامهای مهمی‌برای افزایش رضایتمندی مشتریان برداشته اند که در این مسیر توسعه سامانه‌های ارائه خدمات بانکی از طریق اولویت بخشی به ابزارهای مبتنی بر بانکداری الکترونیک نقشی بسیار مهم در تسهیل و تسریع امور بانکی هموطنان داشته و فاصله چشمگیر بانکهای ایرانی با استانداردهای ارائه خدمات الکترونیک در دیگر کشورها به شدت کاهش یافته است. تاکنون بیش از یکصد و ده میلیون فقره کارت دریافت و پرداخت الکترونیک برای مشتریان بانکها صادر شده است، تعداد دستگاه‌های خودپرداز نظام بانکی

اینک به قریب ۵۰ هزار دستگاه رسیده و خدمت رسانی صدهاهزار دستگاه پایانه فروش (POS) و هزاران درگاه پرداخت اینترنتی بانکها در سراسر کشـــور، انجام امور روزمره برای هموطنان عزیز را به شـــکلی چشـــمگیر آســـان تر، ســـریع تر و امن تر از گذشـــته ساخته است، علاوه بر این هم اینـــک دهها میلیون شـــهروند ایرانـــی از خدمات موبایل بانک و اینترنت بانک شـــبکه بانکی کشـــور در نهایت سهولت و امنیت استفاده می کنند.

امروز کمتر طرح بزرگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور را می توان یافت که بدون مشـــارکت موثر نظام بانکی به ثمر رســـیده باشـــد. ایفای نقش ممتاز در به ثمر رسیدن پروژه‌های عظیم ملی همچون استخراج و استحصال نفت و گاز در بزرگترین میادین نفتی در استان‌های جنوبی کشور و خلیج فارس، ســـاخت و توســـعه پالایشگاه‌ها و کارخانجات پتروشیمی، اعطای تســـهیلات برای سدســـازی، تاسیس و توســـعه نیروگاه‌ها، راه اندازی مجتمع‌های عظیم فولاد و ســـیمان، توســـعه شـــبکه حمل و نقل ریلی و جاده‌ای کشـــور و... بخشـــی از حضور بانکهای ایرانی در توســـعه و پیشـــرفت میهن اســـت. مشـــارکت بانکها در نوسازی ناوگان حمل و نقل کشـــور (بویژه در کلانشـــهرها)، حمایت مالی از بنگاه‌های اقتصادی کوچک و زودبازده، اعطای تســـهیلات مســـکن و تامین مسکن، ساخت دهها هزار خانه برای اقشار عمدتا محروم جامعه در قالب دو طرح مسکن مهر و مســـکن روســـتایی از جمله مهمترین سرفصل‌های همراهی نظام بانکداری ملی با آحاد مردم اســـت. نود درصد نقدینگی کشـــور را بانک‌ها مدیریـــت می کننـــد و علیرغم چالش‌های بزرگ بیـــن المللی، بانکهای ایرانـــی بیـــش از دهها میلیارد دلار واردات و صادرات کشـــور را مدیریت کرده و تبعات بحران مالی بین المللی را با صلابت پشت سر گذاشته اند. نظام بانکی توانســـته است علیرغم وجود تمام مشکلات، ارتباطات مالی کشور را به خوبی هدایت کرده و با وجود محدودیت‌ها و فشارها، تجارت خارجی و داخلی کشـــور را در حجمی مناســـب مدیریت کند که تحقق این مهم بیش از هرچیز مرهون سختکوشی، هوشمندی و درایت مدیران و کارکنان بانکهای کشـــور بوده اســـت. مگر مدیریت پرداخت ماهانه دهها هزار میلیارد ریال یارانه نقدی را بانکها عهده دار نیســـتند ؟ مگر فروش اوراق مشارکت بزرگترین پروژه‌های عمرانی کشور توسط بانکها صورت نگرفته است ؟ مگر بانکها از پذیرش سنگینی اجرای برخی از دشوارترین طرح‌های نقدی اقتصاد کشـــور همچون خرید گندم از کشاورزان، توزیع کارت هوشمند سوخت و فروش ارز دانشجویی و... شانه خالی کرده اند ؟ بانک‌هـــای ایرانـــی همچنان ظرفیت افزایش حضور موثر در اقتصاد ملی را دارند، اگر ســـاز و کارهای اقتصادی کشـــور امکان جذب منابع بیشـــتر را برای آنان فراهم آورد. یکی از موضوعات بســـیار مهمی که می تواند یاریگر بانکهای ایرانی در توسعه ی خدمات و ایفای کامل و مدرن نقش واســـطه گری وجوه باشـــد تعییر نگاهی اســـت که بانک را همچون یک قلـــک نامحدود تزریق نقدینگی تصور می کند و می کوشـــد نظام بانکی را مســـئول رفع تمام نارســـایی‌ها و ناکارآمدی‌های اقتصاد کشور نشان دهد و موضوع دیگر رقیب تراشی بی قاعده برای بانکها از طریق ایجاد صندوق‌ها و موسسات غیرشفاف و غیر پاسخگوست. چه آنکه هیچکدام از نامزدهـــای محتـــرم منتقد دولت تاکنون هیچ برنامه مدونی برای رفع مشـــکلات شبکه بانکی ارائه نکرده اند.

بی گمان بازنده ی نهایی تکرار اتهام زنی‌ها و سیاه نمایی‌ها علیه نظام بانکی که خود به عنوان یک ســـازمان خدماتی از تســـهیلات آن استفاده نمـــوده و طرح‌هایـــی را از محـــل همین تســـهیلات اجرا نموده که به آن افتخار نیز می‌نماید، دهها میلیون شـــهروند ایرانی بهره مند از توســـعه زیرســـاخت‌های عمرانی کشـــور، تولیدکنندگان و بازرگانان و میلیون‌ها شـــهروندی هســـتند که با ســـپردن اندوخته‌هایشان به بانکها در گردش چرخهای اقتصاد کشـــور مشـــارکت می کنند. با پرهیز از تکرار جنجال ســـازی و غوغاســـالاری به بانکدار ایرانی اعتماد کنیم و امکان حضور بالنده و موثرش در اقتصاد کشـــور را فراهم کنیم.

***کارشناس بانکی**

مدیر کل نظارت بانک مرکزی مطرح کرد

ناکارآیی شیوه نظارت سنتی در شناسایی کاستی‌ها و مخاطرات فراروی نظام بانکی کشور

مدیر کل نظارت بانک مرکزی با بیان اینکه بانک‌ها با برخی مشکلات مواجه هستند، اما ورشکسته نیستند، گفت: مردم این اطمینان را داشته باشند که بانک مرکزی نظارت کافی بر فعالیت موسسات مجاز دارد.

عباس کمره‌ای درباره برخی شایعات در فضای مجازی و اظهار نظرهای برخی افراد در خصوص ورشکستگی بانک‌های کشور ضمن رد این موضوع، افزود: در حال حاضر برخی بانک‌ها با مشکلاتی نظیر کمبود سرمایه، انباشت دارایی‌های غیر مولد و مطالبات غیرجاری بالاتر از استانداردهای بین المللی مواجه هستند و در شرایطی قرار دارند که عملکرد آن‌ها در دو سال اخیر با اندکی سود همراه بوده است، اما بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر بر عملکرد آنها نظارت داشته و ورشکستگی بانک‌ها به سادگی صورت نمی‌گیرد.

وی ادامه داد: موضوع ورشکستگی بانک‌ها با سایر شرکت‌ها متفاوت است و در قوانین دستورالعمل‌های بین المللی بانکداری تدابیری برای قبل ورشکستگی در نظر گرفته شده است که به عنوان مثال می‌توان به اصلاح ساختاری، تجمیع یا ادغام اشاره کرد.

مدیر کل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری بانک مرکزی با اشاره به اینکه در چارچوب موجود تلاش خواهد شد که حداقل زیان هم به سپرده گذاران منتقل نشود، گفت: در سال‌های اخیر بانک مرکزی به کمک دولت و مجلس شورای اسلامی به سرعت چالش‌های موجود را مطالعه و سیاست‌های اصلاحی را در پیش گرفته است.

کمره ای درباره وظایف نظارتی بانک مرکزی اظهار داشت: در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، بانک‌ها، به علت محدودیت فعالیت‌های سایر موسسات مالی از جمله عدم رشد و توسعه بازار سرمایه از نقش حساسی در ارتباط با بخش‌های اقتصادی، خصوصی و مالی در مقوله سرمایه گذاری و تامین مالی برخوردار هستند.این مقام مسئول افزود: لذا بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری و فعالیت‌های آنها در مقایسه با سایر موسسات تجاری، تحت نظر رسمی و دقیق تری قرار دارند. دلیل این امر به نقش بانک‌ها در حیات اقتصادی و مالی کشورها و همچنین ماهیت فعالیت آن‌ها ارتباط دارد.وی درباره اهمیت نظارت بر بانک‌ها و نهادهای مالی گفت: فعالیت بانکی دارای ویژگی‌هایی است که در صورت بروز مشکلات و یا اخلال در یک بانک می‌تواند به سرعت به دیگر بانک‌ها سرایت کند و در نهایت نظام مالی و اقتصادی کشور را تحت تاثیر خود قرار دهد. بنابراین نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری به یکی از مهمترین دغدغه‌های مراجع ذی ربط و عمدتا بانک‌های مرکزی تبدیل شده است.مدیر کل نظارت بر بانک‌ها موسسات اعتباری بانک مرکزی با تاکید بر اینکه هدف اصلی نظارت بانکی حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی و افزایش اعتماد عمومی از طریق کاهش ریسک برای مشتریان و ذی نفعان است، گفت: از این رو نظارت در پی آن است تا اطمینان یابد بانک‌ها و موسسات اعتباری به شیوه ای ایمن و صحیح عمل کرده و در مقابل ریسک‌ها از سرمایه و ذخایر کافی برخوردار باشند. همانگونه که اشاره شد در ایران نیز مانند بسیاری از کشورها بانک مرکزی متولی نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری است. کمره ای درباره اقدامات بانک مرکزی برای اصلاح شیوه‌های سنتی گفت: به دلیل ناکارآیی شیوه نظارت سنتی در شناسایی کاستی‌ها و مخاطرات فراروی نظام بانکی کشور با توجه به رویکرد منفعلانه و گذشته نگر آن، بانک مرکزی با بهره گیری از آخرین دستاوردهای مراکز و مجامع حرفه ای و تخصصی، رویکرد نظارت مبتنی بر ریسک را به عنوان رویکرد اصلی خود در نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری کشور برگزید و در این راستا ضمن تجدید ساختار سازمانی حوزه نظارت بر بانک‌ها تدوین و ابلاغ مقررات احتیاطی و تعمیق و گسترش ادبیات نوین بانکی در کشور را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده است.

تنگناهای ترازنامه‌ای دلیل اخلال در نرخ سود سپرده‌ها

وی درباره سر و سامان دادن به نرخ سود سپرده‌ها در سیستم بانکی کشور گفت: در حال حاضر به دلیل مشکلات و تنگناهای مختلف در ترازنامه بانک‌ها و موسسات اعتباری، رابطه نرخ تورم و نرخ سود سپرده مطابق نظریات علمی هم راستا و هم جهت نیست.

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، بانک‌ها، به علت محدودیت فعالیت‌های سایر موسسات مالی از جمله عدم رشد و توسعه بازار سرمایه از نقش حساسی در ارتباط با بخش‌های اقتصادی، خصوصی و مالی در مقوله سرمایه گذاری و تامین مالی برخوردار هستند.

این مقام مسئول ادامه داد: برخی بانک‌ها و موسسات اعتباری به دلیل مشکلات نقدینگی و تنگنای اعتباری در رقابت با نهادهایی که تحت نظارت بانک مرکزی نیستند، جهت تامین نقدینگی مورد نیاز خود حاضر به پرداخت سود بالاتری هستند. باید توجه داشت، در میان مدت با رفع مشکلات ساختاری موجود و تعیین تکلیف دارایی‌های راکد به خصوص مطالبات غیرجاری، عدم تعادل منابع و مصارف بانک‌ها کاهش یافته و در کنار نرخ سود و بازدهی پایین بازارهای مالی، شاهد کاهش تدریجی نرخ سود خواهیم بود.

نمره منفی بانک مرکزی به بانک‌هایی که در نرخ سود تخلف می کنند

کمره ای گفت: در حال حاضر علی رغم مشکلات موجود، بانک مرکزی جهت نیل به اهداف تعیین شده، نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری را به صورت قاطع و سخت گیرانه اعمال کرده و در تصمیم گیری‌ها و سیاست‌های تنبیهی و تشویقی، میزان تخلف در نرخ‌های سود را با نمره منفی لحاظ کرده و برای آن‌ها تبعات سنگینی در نظر می گیرد.

مدیر کل نظارت بر بانک‌ها موسسات اعتباری بانک مرکزی با تاکید بر اینکه در سال‌های اخیر بانک مرکزی بحث ساماندهی تعاونی‌های اعتبار را با توجه برنامه پنجم توسعه در دستور کار خود قرار داد و تعاونی‌های غیر مجاز را منحل کرد، افزود: همچنین طی بخشنامه‌های متعدد به شبکه بانکی کشور، از آن‌ها خواسته شد با موسسات غیر مجاز وارد مبادلات مالی نشده و اقدام به ارائه خدمات به آن‌ها نکنند.

وی ادامه داد: همچنین از افتتاح هرگونه حساب و سپرده جدید برای تمام موسسات مالی و اعتباری، لیزینگ‌ها و صندوق‌های قرض الحسنه (با بیش از یک شعبه) بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی خودداری کنند.

کمره ای در پایان گفت: مردم اطمینان داشته باشند که بانک مرکزی بر وضعیت بانک‌ها و موسسات اعتباری تحت نظارت، اطلاع کامل دارد.

لوبیای سحرآمیز قرض‌الحسنه‌ها در بازار پولی ایران

به امید یک مشت سود بیشتر

به دنبال سود بیشتر؛ این خلاصه اتفاقی است که بر سپرده گذاران موسسات مالی و اعتباری غیر مجاز گذشته است. موسساتی که بنا به روایتی کلنگ احداث شان در دهه ۷۰ زده شد اما در اوج درآمدهای نفتی مثل قارچ رشد کردند. این روزها تعداد اعتراض‌های سپرده گذاران موسسه مالی کاسپین و فرشتگان کمی طولانی تر از ثامن الحجج و میزان (وضعیت مشابه داشتند)، اعتراض‌هایی که گاهی شکل خشونت آمیز هم به خود می گیرد، اما سپرده گذاران عصبانی این موسسه و ۸ تعاونی که در کاسپین ادغام شده اند، بیشتر از اینکه به اطلاعیه‌های بالاترین مقام ناظر پولی کشور گوش بدهند، گرفتار شایعات شده و بساط اعتراض خود را هر روز در مقابل سردر یکی از نهادهای اجرایی کشور پهن می کنند.

حتما هیچ شهروند ایرانی علاقه ای به دیدن صحنه این اعتراض‌ها ندارد؛خصوصا آن بخش که بیشتر بر ناامیدی دامن می‌زند.درحالی که ولی الله سیف رییس کل بانک مرکزی و تیم سیاستگذار پولی کشور بیش از هر دستگاه دیگری برای تعیین تکلیف هرچه زودتر سهامداران این موسسه در حال فعالیت هستند.

اگر از بیرون به اعتراض‌ها و پاسخ‌های گاه به گاه مسئولان بانک مرکزی به معترضان نگاه کنید،شاید یک طرفه به قاضی بروید،درحالی که کافی است کمی خبرهای چندسال اخیر را مرور کنید و به هشدارهایی که بارها مسئولان بانک مرکزی درباره سپرده گذاری در موسساتی که مجوز ندارند،توجه کنید.چندی پیش باز هم رییس کل بانک مرکزی هشدارهایش را تکرار کرد.او در کانال تلگرامش نوشت: «مجددا به هموطنان عزیز توصیه و تاکید می کنم فقط به بانک‌ها و مؤسسات مجاز مراجعه کنند و اطمینان داشته باشند که آنها تحت پوشش و نظارت بانک‌مرکزی، از سلامت و استحکام مناسبی بر خوردار بوده و علاوه بر آن بر اساس ضوابط، تحت پوشش صندوق ضمانت سپرده‌ها قرار دارند.» این توصیه چندباره ولی الله سیف به مردم است،توصیه ای که حالا با گسترده شدن میزان اعتراض‌ها مشخص می‌شود که اعتراض‌ها ثمره بی توجهی به توصیه عالی ترین مقام سیاست گذار پولی کشور است.

از هشدار تا عمل

رقابت برای دریافت سود بالاتر ریشه در اقتصادی دارد که بانک محور است. پس از آنکه دلارهای حاصل از فروش نفتِ ۱۲۰ دلاری با سیاست‌های غلط دولت‌های نهم و دهم همراه شد و به ریال تبدیل شد، پایه پولی کشور با پول پرقدرت افزایش یافت. پول‌هایی این وسط سرگردان مانده بود، نیاز داشت که جایی مطمئن پیدا کند تا هم سودِخوب بدهد و هم زود به بار بنشیند. از طرفی بازار به محاق رفته مسکن هم به کمک آمد که دیگر پولی به این بخش نرود،در نتیجه بازار بانکها و موسسات مالی هر روز سکه تر شد.در رقابتی نابرابر هر کس سود بیشتر می‌داد،بخت برای جذب سپرده بیشتر با او یار می‌شد.بانکها به دلیل محدودیت در پرداخت سود و البته تبعیت از بانک مرکزی تا جایی می‌توانستند در این بازار به رقابت بپردازند،از یک مرحله به بعد دیگر رقابت را به موسسات مالی و اعتباری و تعاونی‌هایی که مجوز نداشتند، می‌باختند.اگرچه این موسسات از سالهای دور در اقتصاد ایران شکل گرفته و به تدریج قدرتمند تر شده بودند،اما در فاصله سالهای ۸۴ تا ۹۱ بنیه بیشتری پیدا کردند. محمود بهمنی رییس کل بانک مرکزی بارها از تصمیم به برخورد با این موسسات و ساماندهی آنها خبر داد،اما تا آخرین روزهای حضورش در طبقه هفدهم ساختمان فیروزه ای میرداماد از تحقق این برنامه ناگام ماند.ولی الله سیف رییس کل بانک مرکزی دولت یازدهم،اما اولین برنامه خود را ساماندهی این موسسات که قالبا پر زر و زور و البته برخی‌ها هم وابسته به نهادهای قدرتمندی در اقتصاد ایران بودند،قرار داد. تصمیمی که با وودی که عملیاتی شد،اما سیف می‌دانست که انتخاب این راه هم اعتراض‌های سیاسی و در گوشی به همراه دارد و هم اعتراض‌های خیابانی.ماحصل کار سیف و همکارانش در بانک مرکزی اما به ساماندهی ساماندهی بیش

رقابت برای دریافت سود بالاتر ریشه در اقتصادی دارد که بانک محور است. پس از آنکه دلارهای حاصل از فروش نفت ۱۲۰ دلاری با سیاست‌های غلط دولت‌های نهم و دهم همراه شد و به ریال تبدیل شد، پایه پولی کشور با پول پرقدرت افزایش یافت. پول‌هایی این وسط سرگردان مانده بود، نیاز داشت که جایی مطمئن پیدا کند تا هم سودخوب بدهد و هم زود به بار بنشیند.

از ۱۷۰۰ تعاونی مالی و اعتباری غیر مجاز و ۱۴ موسسه مالی در شرف تاسیس منجر شد.سیف از همان ابتدا گفته بود که حاضر به مماشات نیست،اما نه «غیرمجازها» شنیدند و نه کسانی که پولشان را در این نوع موسسات سرمایه گذاری کرده بودند،به هشدارها توجه کردند.نهایت اینکه بعداز چهارسال،هر دو گروه تسلیم بانک مرکزی شده اند.هنوز هم تعداداز افراد هستند که برای دریافت سودهای وسوسه‌انگیزی که حتی گاهی تا ۴۰ تا ۵۷ درصد هم از آنها یاد می‌شود، کم نیست. کسانی که به امید سود بیشتر پول‌های‌شان را به این تعاونی‌های بی محوز که نقش قرض الحسنه و بانک را بازی می کنند، می‌سپارند و حتما به زودی زیان خواهند دید.زیرا بانک مرکزی هشدار داده که بعداز تصویب «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» و «قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» اختیارات قابل توجهی در اختیار بانک مرکزی قرار گرفته که با این اختیارات، بانک مرکزی می تواند با اقتدار بیشتر، از فعالیت غیرمجازها و ایجاد مؤسسات غیرمجاز جدید جلوگیری کند.این به منزله هشدار است؛هشداری که نه تنها سهامداران شبیه کاسپین باید بدان توجه کنند،بلکه موسسات و تعاونی‌هایی که هنوز سیاست گذار پولی کشور را به رسمیت نشناخته اند هم باید به عواقب کار خود بیندیشند. طبیعی است در برخورد با این غیرمجازها نخستین افراد متضرر همین سپرده گذاران خواهند بود. بسیاری از این موسسات، بیش از دو دهه سابقه فعالیت دارند و فعالیت آنها در ابتدا به صورت «صندوق قرض‌الحسنه» بوده است.اگر زمانی به صندوق‌های قرض‌الحسنه اجازه فعالیت داده شد، با این هدف بود که این صندوق‌ها در مساجد و برای کمک به افراد محتاج وام‌های جزیی بدهند،اما حالا قانون پولی و بانکی می‌گوید موسساتی که فعالیت گسترده پولی دارند و با جذب سپرده‌های مردمی اقدام به فعالیت بانکی می کنند باید از بانک مرکزی مجوز داشته باشند و نیروی انتظامی وظیفه دارد با موسساتی که چنین مجوزی ندارند، برخورد کند.

کارشناسان در راستای روشهای اصلاح نظام بانکی کشور مطرح کردند

ادغام؛ گامی برای عبور از چالش بانکی

پس از مطرح کردن ایده ادغام بانک‌ها توسط رئیس بانک مرکزی کارشناسان بانکی و اقتصادی از این طرح استقبال کرده و آن را موجب کارآمدی بیشتر نظام بانکی کشور می‌دانند.سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران بانک‌ها هستند و بانک مرکزی هرگز اجازه نخواهد داد منافع سپرده‌گذاران دچار مشکل شود، از سوی دیگر بانک‌ها در فضای رقابتی به هیچ عنوان اقدامی نخواهند کرد که مشتریان خود را از دست بدهند، از این رو جای نگرانی برای آنها وجود ندارد.جملات فوق نظر رئیس بانک مرکزی در خصوص ادغام بانک‌ها در راستای اصلاح نظام بانکی کشور است که سیف تصمیم گیری در این رابطه منوط به نظر مثبت سهامداران بانک‌ها دانسته و این اقدام نوعی الگو برداری از سایر کشورها برای بهبود عملکرد سیستم مالی و بانکی است اما تجربه ادغام بانک‌ها نشان از تفاوت‌های معنادار نظام بانکی ایران با بانکداری جهانی است.صندوق بین المللی پول مجموعه ای از مطالب و مقالات در خصوص تجربه کشورهای مختلف را در خصوص اصلاح نظام بانکی و چالش‌های مالی منتشر کرده که در بسیاری از آنها به این موضوع اشاره شده که کشورها اصلاح نظام بانکی را در زمانی که اوضاع بحرانی نیست، انجام داده اند و اما وقتی که بخش عمده‌ای از سپرده‌ها به مشکل سیستماتیک برخورد می کنند، چاره‌ای جز اصلاح و یا ادغام بانک‌ها وجود ندارد، ولی اصلاح یک بانک (هرچند بزرگ و مؤثر در نظام بانکی) به تنهایی تأثیر چندانی نخواهد داشت و در این شرایط برنامه ریزی برای اصلاح نظام بانکی و البته قوانین و یکپارچه سازی سیستم الزامی می‌شود.تجربه نشان داده که ادغام بانک‌ها می‌تواند اثرات مثبت و خوبی در نظام بانکی ایجاد کند به شرط آن که بانک مرکزی بطور کامل و دقیق از بانک پذیرنده حمایت کند، در غیر این صورت چالش‌های بانک ادغام شده دوبرابر خواهد شد.

ادغام، گامی در راستای اجرای استانداردهای بین المللی بانکی

پیمان رضی کارشناس اقتصادی در مصاحبه‌ای ضمن اشاره به اینکه در حال حاضر بانک مرکزی به دنبال اجرای استانداردهای بین المللی تحت عنوان

«آی.اف.آر.اس» در کشور است، افزود: شفافیت و گزارشگری برای ارزیابی عملکرد مدیریت شبکه بانکی نتیجه پیاده سازی این استانداردهاست. وی در ادامه الزامات و پیش نیاز تحقق ادغام بانک‌ها را شامل شفافیت سازی سود و زیان بانک‌ها، افشای انواع ریسک‌های صنعت بانکداری و تأمین اطلاعات برای ارزیابی عملکرد مدیریت برشمرد و اظهار داشت: این ادغام یک اتفاق بسیار عالی در کشور است.

این کارشناس اقتصادی ضمن بیان اینکه در حال حاضر بهترین فرصت برای ادغام بانک‌ها بوجود آمده، عنوان کرد: با توجه به اینکه تورم در یک نقطه مطلوب قرار گرفته، هم اکنون بهترین فرصت برای پیاده سازی استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) در کشور است، چون تورم در یک نقطه مطلوب قرار گرفته و همینطور آرامش در بازار پولی و بانکی حاکم است.

کارآمدی بیشتر بانک‌ها با ادغام آنها

مهدی تقوی کارشناس اقتصادی در خصوص ادغام بانک‌ها گفت: برخی بانک‌ها سرمایه کمتری دارند و اصطلاحاً کوچک نامیده می‌شوند که به لحاظ آسیب پذیری در معرض خط بیشتری قرار دارند.

وی افزود: در طرح جدید بانک‌ها که مد نظر بانک مرکزی است، احتمالاً این بانک‌های کوچک با بانک‌های بزرگتر که از میزان سرمایه بیشتری برخوردار هستند، ادغام خواهند شد. تقوی با اشاره به اینکه در شرایط فعلی اقتصاد کشور بانک‌ها میزان آسیب پذیری شان بیش از هر زمان دیگری است، بیان کرد: ادغام دو یا چند بانک در هم موجب افزایش سرمایه خواهد شد که این امر موجب مقاومت بیشتر در برابر تکانه‌ها و شوک اقتصادی می‌شود. این کارشناس اقتصادی در پایان ضمن مثبت ارزیابی کردن طرح ادغام بانک‌ها تأکید کرد: اصلاح نظام بانکی یک ضرورت است و ادغام بانک‌ها موجب کارآمدی بیشتر بانک پذیرنده و همچنین سیستم مالی کشور خواهد شد.

کاهش هزینه‌های مدیریت منابع پول

محمد رضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هم ادغام بانک‌ها را مثبت ارزیابی کرد و اظهار داشت: تصمیم گیری در خصوص ادغام برای بانک‌های خصوصی با نظر موافق صاحبان بانک انجام می‌پذیرد و در خصوص بانک‌های دولتی نیازمند مصوبه دولت و مجلس در این خصوص است. وی افزود: برخی بانک‌های عامل بصورت تخصصی و در یک حوزه خاص فعالیت و در همان بخش تسهیلات ارائه می‌کنند که هم افزایی بانک‌ها می‌توانند، موجب افزایش ظرفیت‌ها و توان این بانک‌ها گردد. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه ادغام و هم افزایی بانک‌ها باعث تبدیل شدن سرمایه کوچک بانک‌های خرد به یک سرمایه کلان می‌شود، گفت: این امر موجب تسهیل و افزایش ارائه تسهیلات بانکی، تجهیز منابع و کاهش هزینه‌های مدیریت بانکی می‌شود. پورابراهیمی در پایان با اشاره به هزینه‌های بالای مدیریت بانکی در کشور بیان کرد: بالاترین نرخ مدیریت منابع پول متعلق به کشور ماست که با ادغام بانک‌ها این هزینه‌ها بطور محسوسی کاهش یافته و موجب کارآیی بیشتر نظام بانکی کشور می‌شود.

کارنامه مالی برخی بانک‌ها در آستانه خط قرمز قوانین جاری بانکداری

سهم دارایی سمی‌در ترازنامه همه بانک‌ها،بدهی‌های معوق و مطالبات مشکوک الوصول ترازنامه برخی بانکها را در وضعیت نامطلوبی قرار داده،کارنامه ای که حالا ولی الله سیف را در شرایطی قرار داده که از ادغام سخن بگوید.

پیشنهاد ادغام بانکها مربوط به روزهای اخیر نیست؛ زمزمه اجرای این طرح زمانی مطرح شد که صورت‌های مالی بانک‌ها منتشر شد. کارنامه مالی برخی بانک‌ها در آستانه خط قرمز قوانین جاری بانکداری قرار داشت. استفاده بیش از اندازه از ذخایر قانونی نزد بانک مرکزی،بدهی‌های معوق و طلب‌های بزرگ از دولت سبب شده بود تا توان مالی برخی بانکها برای جبران زیان‌های پدید آمده،آنچنان ضعیف شود که بانک مرکزی پیشنهاد ادغام این بانکها را در دستور کار قرار دهد.هرچند که ولی الله سیف رییس کل بانک مرکزی گفته بود که اجرای طرح ادغام بانکها از سال ۹۷ در دستور کار بانک مرکزی قرار می گیرد،اما همین دوهفته گذشته بود که گویا طاقت رییس کل بانک مرکزی هم طاق شد و از طرح تازه بانک مرکزی برای ادغام بانک‌ها سخن گفت.

سیف از زمان اجرایی شدن این تصمیم البته سخنی نگفته؛ با این حال اعلام نظر درباره این تصمیم از فوریت و نزدیکی این تصمیم حکایت دارد.به نظر می‌رسد که آنچه بانک مرکزی قرار است از اجرای این ادغام‌ها بدست آورد، نزدیک شدن صورت‌های مالی بانک‌های ایرانی به استانداردهای روز دنیاست.

چه آنکه او صراحتا تاکید کرده: «هدف ما این است که بتوانیم نسبت‌های مالی در صورت‌های مالی بانک‌های ایرانی را به نسبت‌های روز بانکداری دنیا نزدیک کنیم که در این حالت مهم‌ترین موضوع نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها است و برای تامین آن چند راه وجود دارد؛ اینکه سرمایه آورده خود را افزایش دهند، سهام جدید در بورس عرضه کنند و یا اینکه تصمیم بگیرند با یکدیگر ادغام شوند.» آنطور که سیف عنوان کرده تصمیم برای ادغام در درجه اول بر عهده سهامداران خود بانک‌ها قرار دارد ولی در مسیری که بانک مرکزی برای استاندارد سازی صورت‌های مالی بانکها در پیش گرفته این موضوع وجود داشته و خود سهامداران نیز ممکن است از آن استقبال کنند.

شعبه‌های زیاد و پارتی بازی! اگرچه تصمیم بانک مرکزی برای ادغام بانک‌ها نه تصمیم جدیدی است و نه اینکه می‌توان گفت نمونه آن در دنیا اجرایی نشده، اما اتفاق‌هایی که برای موسسات مالی غیرمجاز افتاد، نگرانی‌هایی را برای اجرای این طرح ایجاد کرده است. از همین رو طبیعی است که طرح مسئله ادغام بانکها می‌تواند موافقان و مخالفان خود را داشته باشد. به همین ترتیب هم برخی کارشناسان با این طرح موافق و برخی دیگر مخالف هستند. مخالفان این طرح بر این باورند که در گذشته نیز ادغام بانک‌ها صورت گرفته اما در آن عوامل دیگر دخالت داشته است. در آخر همچنان این بانک‌ها با مشکل رو به رو هستند و در روند ادغام بانک‌ها فساد افزایش پیدا می‌کند. از طرف دیگر موافقان این طرح معتقدند از طریق ادغام بانک‌ها هزینه بانک‌ها کاهش پیدا می‌کند و به نفع خود بانک‌ها خواهد بود. تعداد شعب بانک‌ها کاهش پیدا می‌کند و به همین ترتیب هزینه‌ها نیز کاهش پیدا می‌کند. عباس آرگون، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با اشاره فواید این تصمیم گفته است: «یک سری بانک‌ها هزینه‌های ثابت بالایی دارند و به نوعی قیمت تمام شده پول را بالا می‌برند. اگر بتوانیم جذب هزینه‌ها و جذب منابع بانک‌ها را کاهش دهیم، به کاهش هزینه این بانک‌ها کمک می‌کنیم.» مهمترین نقد آرگون تعداد زیاد شعب بانک‌هاست که به گفته او از تعداد کارکنان آنها بیشتر و البته هزینه‌برتر است. آرگون معتقد است: «تعداد شعبه بانک‌ها نسبت به جمعیت کل نیز متناسب نیست. تعداد شعب برخی بانکها بسیار زیاد است و در طرح ادغام بانکها می‌توان تعداد شعبات را کاهش داد که این کار موجب افزایش بهره وری و هزینه بهای تمام شده پول می‌شود.» عباس هشی، کارشناس اقتصادی با بررسی اثرات ادغام کردن بانک‌ها بر اقتصاد کشور هم معتقد است: «در حالی که در اقتصاد ما ربا حرام است و تنها کشوری هستیم که فکر می‌کنیم بانکداری اسلامی را اجرا می‌کنیم، اما تنها کشوری هم هستیم که بیش از ۷۰ درصد تبلیغ تلویزیون به تبلیغ بانک‌ها اختصاص یافته؛ از طرف دیگر سر هر چهارراه در خیابان‌ها هم چند شعبه بانک داریم.» بنا به گفته این اقتصاددان «راه حل درست برای حل مشکلات کنونی بانکها ادغام است؛ اما باید توجه کرد که در ادغام نباید پارتی بازی صورت بگیرد. در گذشته ادغام دو بانک موجب ضرر و زیان گروهی و در مقابل سود زیاد برای طرف دیگر شد، از همین رو نباید این تجربه مجددا تکرار شود. چون برخی بانک‌ها که در گذشته ادغام شدند، هنوز با مشکل رو به رو هستند.» غلامحسین دوانی از دیگر اقتصاددان‌هایی است که معتقد است اجرای این تصمیم بانک مرکزی برمی‌تواند مشکل ایجاد کند. او گفته است: «در شرایط کنونی هیچ راهی برای حفظ بانک‌هایی که با مشکل مواجه هستند، وجود ندارد؛ ادغام بانک باعث کاهش هزینه‌های تشکیلات اداری و کاهش شعب خواهد شد.» بنا به گفته دوانی «نصف دارایی بانک‌ها در شعب و برای خرید شعبه هزینه می‌شود؛ به طور مثال گاهش خرید یک شعبه ۲۰ میلیارد تومان و بیشتر هزینه در بر دارد و بنابراین دراین شعبه قفل می‌شود.» از همین رو توصیه می‌کند که: «نظام بانکی باید اصلاح شود و از شعبه محور به کیوسک محور و بانک الکترونیکی حرکت کند.» مهدی تقوی کارشناس اقتصادی هم می‌گوید: «یک سری بانک‌ها هستند که احتمالا یا کوچک هستند یا سرمایه کمتری دارند. این بانک‌ها آسیب پذیرند؛ لذا بانک مرکزی باید این بانکها را در بانکهای قوی تر ادغام کند.» پیشنهاد مشخص این اقتصاددان باسابقه کشورمان این است که: «اگر چند بانک با هم ادغام شوند سرمایه آن‌ها بیشتر می‌شود و آسیب پذیریشان در برابر شوک‌ها کمتر می‌شود. در عین حال کارآمدتر نیز می‌شوند.» ایمان اسلامیان، کارشناس حوزه بانکی معتقد است که: «راهکار ادغام بانک‌ها جهت بهینه‌سازی ساختارهای مالی و اجرایی امری متعارف و پذیرفته‌شده در عرف بین‌المللی است اما به‌استثنای برخی تصمیمات مقطعی به‌ویژه در شرایط خاص و اضطراری (نظیر ادغام بانک شهریار پیش از انقلاب، ادغام بانک‌های خصوصی و تشکیل بانک‌های ملت و تجارت در صدر انقلاب و تصمیم اخیر در خصوص بانک تات) عملاً این راهکار در کشور ما به‌عنوان اقدامی چالشی و تا حدی مگو در نظر گرفته‌شده است. پیمان رضی کارشناس جوان اقتصادی درباره الزامات و پیش نیاز تحقق ادغام بانک‌ها می‌گوید: «شفافیت سازی سود و زیان بانک‌ها، افشای انواع ریسک‌های صنعت بانکداری و تأمین اطلاعات برای ارزیابی عملکرد مدیریت می‌تواند یک ادغام بسیار عالی در کشور رقم بزند.»

مجلس موافق است یا مخالف؟

هنوز نظر بازوی کارشناسی مجلس یعنی مرکز پژوهش‌ها اعلام نشده است. اما به نظر می‌رسد، برخی نمایندگان کمیسیون‌های تخصصی مجلس از جمله کمیسیون اقتصادی با این طرح موافق باشند. به طوری که محمد رضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ادغام بانک‌ها را مثبت ارزیابی کرده و گفته است: «تصمیم گیری در خصوص ادغام برای بانک‌های خصوصی با نظر موافق صاحبان بانک انجام می‌پذیرد و در خصوص بانک‌های دولتی نیازمند مصوبه دولت و مجلس در این خصوص است. برخی بانک‌های عامل بصورت تخصصی و در یک حوزه خاص فعالیت و در همان بخش تسهیلات ارائه می‌کنند که هم افزایی یانک‌ها می‌توانند، موجب افزایش ظرفیت‌ها و توان این بانک‌ها گردد.»

به جز یکی دو اظهارنظر از سوی رییس کل بانک مرکزی خبر دیگری در این باره نیست. حتی بانکها هم درباره تصمیم بانک مرکزی سکوت اختیار کرده اند. باید دید در روزهای آینده شورای پول و اعتبار درباره طرح بانک مرکزی چه نظری دارد. هرچند که به نظر می‌رسد آنها هم باتوجه به شرایط حال حاضر بانک‌ها، ادغام بانک‌های کوچک و کاهش شعب بانک برای اقتصاد کشور موافق باشند.

پرونده نرخ سود روی میز شورای پول و اعتبار

با وجود این شرایط، دوباره پرونده نرخ سود روی میز شورای پول و اعتبار قرار است و رییس کل بانک مرکزی گفته است: «گزارشی را به شورای پول و اعتبار ارایه خواهیم داد که براساس آن، ممکن است نرخ سود بانکی در سال جاری کاهش یابد.»

بنا به آخرین گزارش بانک مرکزی، تورم اردیبهشت‌ماه امسال روی رقم ۹٫۸ درصد ایستاده است و به این ترتیب، این انتظار وجود دارد که فاصله بین نرخ سود و نرخ تورم کم شود. پیش‌بینی حسین میرشجاعیان، معاون وزیر اقتصاد درباره تورم سال ۹۶ نیز این است که «هم‌اکنون تورم اقتصاد ایران معقول است و با توجه به سیاست‌هایی که دولت برای افزایش تولید و اشتغال پیش خواهد گرفت، تورم سال‌جاری بیش از یک درصد افزایش نیافته و زیر ۱۰ درصد باقی می‌ماند»

بر این اساس، در حال حاضر سوالی که مطرح است، این که آیا در شرایط کنونی در اقتصاد ایران امکان رسیدن به نرخ سود تسهیلات بانکی در حد تک‌رقمی‌وجود دارد؟ رییس شورای پول و اعتبار در این خصوص تاکید دارد: «فعلا در اقتصاد ایران شرایط برای رسیدن به نرخ سود تسهیلات بانکی در حد تک رقمی‌وجود ندارد؛ چراکه برخی عدم تعادل‌ها در حوزه بانکی مانع از این اتفاق می‌شود. اما با توجه به تک رقمی‌شدن تورم در سال گذشته، باید نرخ سود بانکی نیز به این سمت سوق پیدا کند. با این حال، زمانی که تورم تک‌رقمی‌پایدار و در حد پنج درصد و یا کمتر کاهش پیدا کند، می‌توان امیدوار بود که نرخ سود تسهیلات نیز متناسب با آن به این حد برسد.»

شرط کاهش نرخ سود بانکی

در حال حاضر کارشناسان معتقدند که نرخ‌های بالای سود بانکی منطق ندارد و باید دو کار را همزمان انجام داد؛ اول این که سطح تورم در وضعیت تک‌رقمی پایدار بماند و سپس، نرخ سود تسهیلات بانکی به سمت پایین هدایت شود.

در این خصوص، رضا بوستانی، یک کارشناس پولی و بانکی چندی پیش در گفت‌وگو با خبرآنلاین عنوان کرد: «هم سیاستگذار و هم بازار علاقه‌ای ندارد که نرخ سود بانکی بالا باشد، اما نکته این‌جاست که امکان پایین آوردن نرخ سود بانکی در شرایط کنونی وجود ندارد؛ به این دلیل که سیاست‌هایی که در گذشته اعمال شده شرایط را برای کاهش نرخ سود بانکی سخت کرده است.»

وی با تشریح این شرایط متذکر شد: «اگر نرخ سود بانکی کاهش یابد، هم بانک و هم سپرده‌گذار زیان می‌بینند؛ چون سپرده گذار با کاهش نرخ سود سپرده‌ها سودش کم شده در نتیجه برایش نگهداری این پول در بانک صرف نمی‌کند و لذا پول خود را از بانک خارج کرده و در نتیجه بانک به دلیل کاهش میزان سپرده‌ها ورشکسته می‌شود.»

این کارشناس اقتصادی، تنها راه برای خروج از بن‌بست کنونی در نظام بانکی را انجام اصلاحات اقتصادی عنوان می‌کند و می‌گوید: «اگر اجازه ندهیم بانک سودآور باشد، طبیعی است که ورشکست می‌شود، اما مهم این است که در کنار این سودآوری که قالبا از طریق مشارکت در سرمایه‌گذاری و یا پرداخت تسهیلات صورت می‌گیرد، باید منابعی که سرمایه‌گذاری می‌شود، دوباره به چرخه بانکی برگردد؛ در غیر این صورت شرایطی که امروز مواجه هستیم، ادامه پیدا می‌کند. علاوه بر آن، بانک باید به تعهدات خود نسبت به سپرده‌گذار عمل کند. سپرده‌گذار نیز باید طبق موعد مقرر تسهیلات دریافت شده را به بانک برگرداند.»

هادی حق‌شناس، کارشناس اقتصادی نیز معتقد است که «یک قاعده در علم اقتصاد وجود دارد که رابطه بین نرخ تورم و نرخ تسهیلات بانکی باید چند درصد بیش از تورم باشد. این فرمول برای اقتصادهایی است که در شرایط نرمال قرار دارند، یعنی بازارهایی مثل کالا و سرمایه در حال تعادل است، اما برای اقتصادی مثل ایران که نیمی‌از آن در رکود به سر می‌برد، طبیعتا این تناسب برقرار نیست، بنابراین این فرمول قابل اجرا نیست.»

مریم فکری

مصائب بهره برای اقتصاد ایران

حدود یک‌سال از آخرین تصمیم شورای پول و اعتبار درباره نرخ سود بانکی می‌گذرد؛ زمانی که بانک‌ها در حرکتی هماهنگ و داوطلبانه، قصد کردند حداکثر نرخ‌های سود سپرده در شبکه بانکی را به ۱۵ درصد برسانند تا این نرخ با سایر شاخص‌ها هماهنگ شود. این تصمیم در خرداد ۱۳۹۵ گرفته شد و در پی آن، شورای پول و اعتبار در جلسه‌ای، به کاهش سود سپرده سالانه از ۱۸ به ۱۵ درصد رأی داد. نرخ سود تسهیلات نیز با اختلاف ۳ درصد از سود سپرده، به ۱۸ درصد کاهش پیدا کرد.

نگاهی به وضعیت نرخ‌های سود تسهیلات بانکی طبق گزارش رسمی بانک مرکزی نشان می‌دهد که این نرخ طی ۳۲ سال گذشته در دامنه ۴ تا ۲۵ درصد در نوسان بوده و هم‌اکنون در محدوده ۱۸ درصد قرار دارد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که هنگامی که سال گذشته بانک‌ها به کاهش نرخ سود به ۱۵ درصد رأی دادند، نرخ تورم خردادماه تک‌رقمی و ۹٫۷ درصد شده بود. اما در حالی یک‌سال قبل نظام بانکی برای کاهش نرخ سود متناسب با نرخ تورم پیش‌قدم شده بود که گزارش‌ها حاکی از آن است که در این مدت بانک‌ها به تصمیم خود پایبند نبوده‌اند و برخی بانک‌ها که اغلب خصوصی هستند، سودهای بالاتری را به سپرده‌گذاران خود پیشنهاد می‌کنند.

گذر از شعب برخی بانک‌ها بیانگر آن است که زمانی که سپرده‌گذار تمایلی برای سود ۱۵ درصدی نشان نمی‌دهد، اغلب با دریافت مبالغی بالاتر و یا تعیین کفی برای میزان سپرده، نرخ سودها از ۱۸ درصد عبور کرده و گاها به ۲۰ تا ۲۳ درصد هم می‌رسد.

چرا کاهش نرخ سود شکست خورد؟

اما چه شد که کاهش نرخ سود شکست خورد؟ اگرچه پیش از این خبرهایی در رابطه با ارجاع پرونده نرخ‌شکنی برخی بانک‌ها به هیات انتظامی منتشر شده بود. بنا به گفته ولی‌الله سیف، رییس کل بانک مرکزی، «سال گذشته با تلاش شورای پول و اعتبار و اقدامات بانک مرکزی، سود بازار بین‌بانکی از حدود ۲۸ درصد به مرز ۱۷ درصد کاهش یافت و پیش‌بینی می‌شد کاهش آن تا هدف تعیین‌شده ۱۵ درصدی ادامه یابد. اما فارغ از میزان پایبندی بانک‌ها در این رابطه، انتشار اوراق بدهی دولت با نرخ‌های موثر بالای ۲۰ درصد موجب واگرایی نرخ در دو بازار شد و روند را به مسیر صعودی بازگرداند. همچنین توسعه فعالیت صندوق‌های با درآمد ثابت، با اعلام نرخ‌های عموما بالای ۲۰ درصد نیز اثر تخریبی دیگری را موجب شد.» بر این اساس، رییس کل بانک مرکزی در فروردین امسال در مراسم آغاز به کار نمایشگاه بورس، بانک و بیمه تاکید کرده بود که «با توجه به این که دارایی‌های نظام بانکی با حجم غیرمتعارفی از دارایی‌های منجمد و موهوم موجب ایجاد تنگنای مالی و عطش نقدینگی شده است، باید از اعمال سیاست‌ها و اقدامات ناسازگار تاثیرگذار بر بازار پول جدا اجتناب شود.»

محمدرضا یزدانپرست *

امید به جامعه - امید در جامعه

«جامعه ایران، جامعه پیش بینی ناپذیری است.» دهه‌هاست، تحلیلگران اجتماعی بر سر این گزاره در کشمکش هستند و هیچ نظریه ای، نه توانسته و نه میتواند به طور قطعی درست یا غلط بودن این فرضیه را ثابت کند، چه؛ در مباحث برخاسته از علوم انسانی، هیچ گزاره ای مطلق و قطعی نیست و تنها میتوان با «نسبیت» با موضوعات و کانسپت‌ها روبرو شد.

پیش از موعد رای گیری انتخابات ریاست جمهوری، کمتر محفلی پیدا می‌شد که گپ زدن درباره انتخابات و گمانه زنی درباره فرد پیروز و پیگیری آخرین نظرسنجی‌ها در آن جریان نداشته باشد اما گل سرسبد بحث‌ها، تلاش و استدلال افرادی بود که مهمترین راه رسیدن به دموکراسی را، مراجعه به صندوق رای میدانستند و دائم در تکاپو بودند برای مجاب کردن افرادی که بنا به هر دلیلی، موافق رای دادن نبودند یا رای خود را تاثیرگذار نمی‌دانستند.بارها به چشم دیدم که قوی ترین استدلال‌ها، نتیجه بخش نیست.حتی در شرایطی که فرد یا افراد مخالف رای دادن، هیچ جواب متقنی روبروی دلایل محکم نداشتند و حتی گاه، به بی منطق بودن خود در بحث، اعتراف میکردند ولی باز هم حاضر نبودند، انبوهی استدلال را بپذیرند.این «بارها» تا آنجا پیش رفت که حتی تصور میکردم، دوباره صدای پای بازگشت روزهای تلخ و پراضطراب تندروی و پوپولیسم به قوه مجریه دارد به گوش میرسد؛ روزهایی که بیشتر از آنکه حاصل «رای دادن»ها باشد، ماحصل «رای ندادن»ها بود.اما ظهر روز انتخابات، تصویر جامعه ایران در آینه‌ای بازتاب پیدا کرد که حاصل «باور» به صندوق رای بود؛ باور به مسیری که هرچند پرسنگلاخ و طولانی، اما همچنان کم هزینه ترین راه برای دستیابی به بالاترین حد از مردمسالاری است.همان جامعه ای که تا یکی،دو روز پیشتر، در ظاهر، بدیهی ترین منطق‌ها را برای رای دادن برنمیتافت، انگار اکثریت افرادش در خلوت خود به نتیجه ای جمعی رسیده بودند.همان جامعه ای که یکی از معایب فرهنگی اش، «نظردادن» بجا و بیجا و تخصصی و غیرتخصصی و علمی‌و عامی‌در مورد زمین و زمان است، در اکثریت خود به این نتیجه رسید که «روز» نظردادن، ۲۹ اردیبهشت است و «جا»ی نظردادن، حوزه رای گیری است و «اثر» نظردادن، رای داخل صندوق است؛ نه نظردادن و غرزدن و قضاوت کردن و گله گزاری توی تاکسی و صف نانوایی و میهمانی خانوادگی و سر ناهار محل کار و گعده سر کوچه.همان جامعه ای که روزهای قبل، برآیندی مایوس از خود نشان میداد، ۱۶ ساعت سرنوشت ساز را باور کرد و نتیجه اش را در روز ۳۰ اردیبهشت دید.همان جامعه ای که رای خود را بی اثر می‌پنداشت، اراده کرد و فرداها را -حداقل برای چهارسال- در مشت خود گرفت.

همان جامعه ای که ۹۷ درصدش از خیر دریافت ۴۵هزارتومان -حالا دیگر ناقابل- نگذشته بود، به قول‌های تخیلی چندبرابری این رقم پشت کرد و به قول رئیس جمهور: «فهمید که آب شور، عطش را برطرف نمی کند.»همان جامعه ای که به هر نوع معطلی در ادارات و ترافیک و صف، معترض بود، چهار ساعت انتظار را در صف رای دادن بر خود هموار کرد تا چهار سال عذاب نکشد.نسل تازه امروزی یا به قولی دهه هفتادی، نسل پیش از خود را الگو قرار داد. نسل آفریننده دوم خرداد ۷۶ یا به قولی دهه پنجاه و شصتی، بر سرخوردگی‌ها فائق آمد و تجربه‌هایش را چراغ راه دانست.نسل میانسال، به لطف ارتقای آگاهی جامعه، از شور و نشاط جوانان وام گرفت و خود را موظف و مسوول به همراهی پنداشت و نسل کهنسال، «امید» را به «یقین» ارتقا داد و رای اش را در دهه هشتاد و نود زندگی، هموار کردن پیچی از مسیری دانست که جامعه امروز ایران، فردا و پس فردا و دیر و زود، به این گذرگاه خواهد رسید.

تمام اینها یعنی با همه فرازونشیب‌ها و افت و خیزها، هنوز، هم «در» جامعه «امید» هست و میشود «به» جامعه «امید» داشت.همین جامعه، این «هنوز» را در ۱۴۰۰ به «همیشه» تبدیل خواهد کرد؛ «نه» همیشگی به تندروی و عوام فریبی و «آری» همیشگی به اصلاح و اعتدال.

*روزنامه نگار و مجری تلویزیون

فرهاد نصرتی نژاد*

٤ بحران بازنشستگی

چهار بحران «هویت»، «از خود بیگانگی»، «داغ خوردگی» و «معیشت» از عواملی هستند که دوران بازنشستگی را به کابوس تبدیل می کنند.

بازنشستگی به عنوان مرحله‌ای از زندگی که عموما با رسیدن به سن خاص، آغاز می‌شود یک جعل مدرن است، یکی از دلایل این جعل مدرن، قراردادی و غیر طبیعی بودن بازنشستگی است.

تا پیش از دولت رفاه، بازنشستگی معنایی بیولوژیک داشت؛ یعنی فرد تا زمانی که می‌توانست کار می کرد و عملا زمانی که توان بدنی نداشت، بازنشسته می‌شد.این گذار خلاف دوره پیشامدرن یا قبل از دولت رفاه که به صورت طبیعی انجام می‌شد، مبنایی قراردادی دارد و دیگر تابعی از بیولوژی نیست؛ بنابراین، بسیاری از افرادی که به این سن می‌رسند، باید نقش دیگری را به اجبار بازی کنند. این گذار در حال حاضر به امری غیر طبیعی و قراردادی تبدیل شده است، فرد می‌تواند در هر سنی و با حداقل ۱۰ سال سابقه بازنشسته شود. در این شرایط خلاف گذارهای قبلی که هر فرد در زندگی فردی‌اش تجربه می کرد و عموما موجب ارتقای اجتماعی وی می‌شد، بازنشستگی آخرین گذار و به معنای رسیدن به آخر خط و از دست دادن بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی پیشین است. برای بسیاری از افراد این گذار، گذاری بسیار دردناک است.اولین بحرانی که بسیاری از بازنشستگان به خصوص بازنشستگانی که موقعیت شغلی و اجتماعی بالایی در دوران اشتغال داشتند، با آن مواجه می‌شوند، بحران هویت است.بحران هویت به این معنی است، فردی که تا دیروز اهمیت اجتماعی داشت، مورد احترام بود و دارای اختیارات و مسئولیت‌هایی در یک رده شغلی بود، به یکباره تبدیل به فردی می‌شود که دیگر موقعیتی ندارد و به بیان گافمنی، بسیاری از آنها دچار نوعی هویت مخدوش می‌شوند.به تبع بحران هویتی که برای بسیاری از بازنشستگان بوجود می‌آید و با نوعی هویت مخدوش شده روبرو می‌شوند، به دلیل معنای اجتماعی که در این فرهنگ از بازنشسته وجود دارد و عموما به معنای فرد بدون مشارکت در فرآیند اجتماعی قلمداد می‌شوند، فرد بازنشسته دومین بحران زندگی خود را در این مرحله تجربه می کند و استیگماتیزه یا داغ خورده می‌شود.

به تبع این استیگما، رفتار اطرافیان با او کم‌کم عوض شده و فرد بازنشسته به سمت ایفای نقشی که جامعه مطابق با آن استیگما، برایش تعریف کرده است، پیش می‌رود. در این حالت، اتفاقاتی می‌افتد که نظریه برچسب زنی به آن اشاره دارد.

بحران از خود بیگانگی سومین بحرانی است که احتمالا برخی بازنشستگان تجربه می کنند. بازنشستگی با حذف آنچه که موجب بروز شأن انسانی می‌شود و مظهر انسانیت انسان است، فرد را دچار از خود بیگانگی یا الیناسیون می کند.یکی از بحران‌هایی که بیشتر در کشور خودمان شاهد آن هستیم، بحران معیشت است. مستمری بازنشستگی در ایران، تابعی از سوابق بیمه‌ای فرد در دو سال آخر و نه سابقه کاری او است. به دلیل شرایط تورمی و افزایش سالانه حقوق، مشمول نشدن همه دریافتی‌ها در کسورات بیمه‌ای و عدم رشد متناسب مستمری با تورم سالانه، این مستمری بسیار کمتر از آخرین دریافتی شده و با گذر زمان این فاصله بیشتر می‌شود که بسیاری از بازنشستگان را با تنگنای معیشتی روبرو می کند.مجموعه بحران‌های یاد شده در جامعه ایرانی، بازنشستگی را مترادف نوعی کابوس قرار داده است. از این رو بسیاری از بازنشستگان، دوران بازنشستگی را نه تنها فرصتی برای انجام فعالیت‌های مورد علاقه خود نمی‌دانند، بلکه بازنشستگی را تهدید جدی و کابوس می‌دانند.

***عضو گروه مدیریت رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی**

زهرا رحیمی

توجه بیش از حد به مُد برای رسیدن به خودباوری

بحران هویتی گریبانگیر زنان و دختران جوان

انسان، زیباپسند بوده و گرایش به انواع زیبایی‌ها مانند زیبا پوشیدن، زیبا سخن گفتن و خودآراستن، از فطرت انسان سرچشمه می‌گیرد، اما در این میان آنچه اهمیت بیشتری دارد، نگه داشتن حریم‌ها و خارج نشدن از اعتدال در این زیباپسندی است.

پوشش ظاهری افراد خیلی اوقات به دیگران می‌گوید که در مورد آن‌ها چه فکری کنند؛ بطور مثال یک فرد پوششی دارد که به قول خودشان می‌خواهد به دیگران می‌گوید من می‌خواهم آزاد باشم و همه چیز برای من روتین بوده و خیلی بی هدف هستم و مثلا تی شرتی بر تن دارد که خیلی گشاد بوده و یک طرفش افتاده است.

در واقع این فرد دارای چارچوب و سیستم خاصی نیست و زمانی که با این پوشش وارد یک سازمان شود او را جدی نمی‌گیرند، چون با ظاهرش می‌گوید که هیچ چیز برایش مهم نیست.

ما بر اساس ظاهر افراد می‌توانیم نگرشی جدید در مورد آن‌ها داشته باشیم و برعکس این قضیه هم ممکن است یعنی من با پوششی که اختیار می‌کنم می‌توانم به دیگران بگوییم در موردم چه فکری کنند و چه نگرشی داشته باشند.

مرجان محمدیان دکترای روانشناسی عمومی با اشاره به این که پوشش و ظاهر بصورت کاملا مستقیم در هویت افراد نقش دارند، بیان کرد: در بحث روان اولین آیتمی که می گوید ارتباط و نگرش دیگران در مورد ما چگونه است یکی زبان بدن و دیگری ظاهر است که یکی از زیرمجموعه‌های ظاهرپوشش افراد محسوب می‌شود.

وی افزود: بطور مثال زمانی که یک میوه را می‌بینیم که گرد و نارنجی بوده و پوست آن دارای دانه‌های ریز متعددی است نگرشمان این خواهد بود که این میوه پرتقال است و شاید وقتی آن را باز می کنیم پلاستیکی یا پیوندی یا هر چیز دیگری باشد.

وی ادامه داد: پس ظاهر افراد بر این که ما چه نوع استنباط، فکر و قضاوتی در مورد آن‌ها کنیم، بسیار موثر بوده و برای اینکه تثبیت هویت داشته باشیم ابتدا باید روی ظاهر خود فکر و کار کنیم.

محمدیان با بیان این که اولین زمینه هویت پذیرش جنسیت است، گفت: اگر فرد هویت خود را بپذیرد که زن است یا مرد بنابراین نوع حرکات و لباسهایی که برای خود انتخاب می کند متناسب با زن یا مرد بودن او خواهد بود.

وی تصریح کرد: بعد از این مرحله زیرمجموعه‌های هویت شامل نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های ما می‌شود که من نوعی چه سبک زندگی را قبول دارم.

نوع پوشش بیانگر میزان قانونمندی

انتخاب لباس و نحوه پوشش و آرایش چهره، بیان گر بسیاری از مسائل است و افرادی که لباسهایی می‌پوشند که با چارچوب‌های خاصی همراه است به دیگران می گویند که من قانونمندم و چارچوب دارم و اتاق محیط روانم خیلی بسته است و هر کسی اجازه ورود به آن را ندارد.

این دکترای روانشناسی عمومی با اشاره به این که اکثر افرادی که در سازمان‌ها فعالیت می کنند دارای پوشش یکسان هستند، اظهار کرد: اغلب بیمارستان‌ها یا شرکتهای خصوصی برای این که بگویند ما بسیار قانونمند هستیم و در ناخودآگاه ذهن دیگران این نگرش را ایجاد کنند که دارای چارچوب هستند و تخلفی از آن‌ها مشاهده نخواهد شد، از پوشش یکسان برای تمامی پرسنل خود استفاده می کنند.

وی اضافه کرد: لباس فرم سازمان‌ها و ارگان‌ها در واقع نشان دهنده مقیاس و چارچوب‌های آنهاست به این معنی که افراد نمی‌توانند به هر شکلی که می‌خواهند باشند و به این طریق نگرش آن سازمان را به کل جامعه معرفی می کنند.

** قبول نداشتن باورها و اعتماد به نفس پایین

بررسی مصرف و مصرف گرایی، به عنوان پدیده‌ای تک بعدی، نتیجه بخش نخواهد بود. متخصصان علوم اجتماعی معتقدند که میان هویت و مصرف، رابطه مستقیمی وجود دارد. هویت، جهت دهنده به سبک زندگی و الگوی مصرف است. از سوی دیگر، در سالهای اخیر شاهد مصرف گرایی افراطی در میان برخی از دختران جوان جامعه ایرانی بوده ایم. مصرفی که نمایانگر منزلت و جایگاه این قشر در جامعه به حساب آمده است.

محمدیان با بیان این که در سال‌های اخیر شاهد افزایش عمل‌های زیبایی و استفاده بیش از حد معمول از لوازم آرایشی بین زنان و دختران جوان هستیم، گفت: علت این مساله آن است که افراد خود واقعیشان را قبول ندارند و این به خیلی از مسائل باز می گردد و برای هر کس منحصر به فرد است.

به گفته وی این مساله برای برخی مربوط به تجربه دوران کودکی می‌شود و برای برخی به رفتار والدین باز می گردد و در واقع خیلی از عوامل می‌تواند فرد را به جایی برساند که از خود واقعی اش راضی نباشد؛ در نتیجه این افراد سعی می کنند به خودِ آرمانی برسند و این خودآرمانی را جامعه تعریف می کند.

این دکترای روانشناسی عمومی تصریح کرد: این افراد می‌خواهند بدانند که جامعه چه چیزی را می‌پسندد و متفاوت بودن یکی از این موارد است در نتیجه با خود می گویند که من باید با بقیه متفاوت باشم و زیاده روی کردن در مصرف مثلا لوازم آرایشی و عمل‌های زیبایی (که در اصطلاح عام گفته می‌شود این افراد اعتماد به نفس پایینی دارند) حاصل قبول نداشتن باورهایی است که خود فرد دارد.

وی عنوان کرد: اعتماد به نفس پایین داشتن یعنی قبول نداشتن باورهایی که خود فرد دارد و نهایتا رو می‌آورد به چیزهایی که دوست دارد آنطور باشد مثلا از ظاهر صورت خود این باور را دارد که زیبا نیست و رو می‌آورد به آن چیزی که دوست دارد آن شکلی باشد و مثلا تزریق ژل و عمل‌های زیبایی انجام می‌دهد.

از بین بردن تعارضات فکری و ظاهری

از روی رنگ بندی‌ها و پوشش و نظم در چیدمان لباس کاملا می‌توان در مورد شخصیت افراد قضاوت کرد، اما نکته مهم این است که قضاوت نادرست نکنیم چرا که شاید ظاهر فردی آشفته باشد، اما در درون آدم منظمی باشد که این نوع افراد دچار تعارض شده اند یعنی تعارضی بین خودِ واقعی و خودِ آرمانی که جامعه تامین می کند، دارند.

محمدیان در خصوص قضاوت افراد در مورد یکدیگر بر اساس پوشش و ظاهری که برای خود انتخاب می کنند، بیان کرد: اگر کسی قضاوت نادرست درمورد شما کرد، مقصر اصلی خودتان هستید، چون وقتی شخص دچار تعارض است و تکلیفش با آن چیزی که می‌خواهد باشد، روشن و مشخص نیست در نتیجه سبب می‌شود دیگران قضاوت نادرستی در مورد او داشته باشند.

وی افزود: یعنی خودِ آرمانی مد می‌شود و من آن چیزی می‌شوم که جامعه دوست دارد، اما خود واقعی من این نیست مثلا شخص پوششی را انتخاب می کند که در جامعه مد و فراوانی آن زیاد شده است و این ظاهر را برای خود درست کرده و دیگران هم بر اساس آن ظاهر در مورد او قضاوت می کنند و حتی ممکن است فکر کنند که آیا می‌توانند به راحتی به حریم خصوصی او وارد شوند یا نه؟

به گفته این دکترای روانشناسی عمومی گاهی در دختران و پسران جوان این مورد دیده می‌شود که بر اساس مد از افکاری که دارند، فاصله می گیرند و زمانی که افراد بواسطه نوع پوششان به آن‌ها نزدیک شده و

خواهان برقراری ارتباط هســـتند آن‌ها را پس زده و می گویند ما اینگونه نیستیم و در مورد ما بد قضاوت می کنید و این امر حاصل فاصله زیاد بین خودِ واقعی من و خودِ آرمانی اســـت.

وی تاکید کرد: باید بدانیم در خصوص نوع قضاوت‌ها مشـــکل مخاطب شما نیست بلکه تعارضی است که شخص در خود ایجاد کرده است؛ بنابر این یا ظاهرمان را شبیه افکارمان کنیم یا افکارمان را شبیه ظاهرمان کنیم که دیگران دچار قضاوت نادرســـت نشـــوند و ما هم دچار اشتباه و ناراحتی نشـــویم و این بهترین حالتی اســـت که یک فرد می‌تواند در ارتباطات خود رعایت کند. محمدیان با بیان این که آدم‌ها برای این که خودِ آرمانی داشته باشند نیاز به یک تصویر ذهنی دارند که مد نامیده می‌شود گفت: افرادی که به دنبال خودِ آرمانی هستند، می‌خواهند بدانند که چه کسانی در شرف دیده شدن هستند و حتی توجه نمی کنند افرادی که در شرف دیده شدن هستند مخاطبانشان چه کسانی هستند و خیلی از کسانی که این کارها را انجام می‌دهند، مخاطبانی دارند که خودِ آرمانی را نمی‌پسندند و در نتیجه باز فرد تن‌ها می‌ماند و باعث می‌شـــود که اعتماد به نفســـش پایین بیاید.

مد همیشه برای افراد مفید نیست

کلمه مد یک علامت آماری اســـت و زمانی که در جامعه‌ای فراوانی یک موضوع زیاد می‌شود به آن مد گویند و تعیین کننده آن خود افراد هستند. این دکترای روانشناسی عمومی با بیان این که آن چه که مد شود قاعدتا برای افراد مفید نخواهد بود، تصریح کرد: مثلا زمانی ویروس آنفولانزا در جامعه شیوع پیدا می کند یعنی فراوانی آن بالا رفته است و نمی گوییم داشتن آن مد است، چون به ضرر اشخاص است، پس هر چیزی که فراوانی آن در جامعه زیاد شـــد قاعدتا به نفع افراد نیســـت و مفید و مثمر ثمر نخواهد بود.

وی با اشـــاره به این مطلب که انســـان موفق کسی است که هنجاریابی از جامعـــه انجـــام داده و خـــود را با محیط تطبیق می‌دهد؛ تاکید کرد: افرادی که باهوش بوده و به تفکر بالایی می‌رســـند، کســـانی هستند که انطباق با محیطشان بالاست و سازگار می‌شوند یعنی زمانی که مثلا میخواهند وارد یک سازمان شوند با چارچوب‌های مد نظر آن ارگان واردش می‌شوند حال چه در کشـــور خودشان باشند چه در کشوری دیگر.

به گفته محمدیان فردی که نظمی در پوشش خود ندارد قاعدتا نمی‌تواند نظمی را در یک ســـازمان ایجاد کند و افرادی که برای گزینش اســـتخدام چـــه در ارگان‌های دولتی و چـــه در محیط‌های خصوصی می‌روند، فردی کـــه کار گزینـــش را انجـــام می‌دهد در ابتدا به ظاهر افراد توجه می کند و از ظاهرشـــان به نگرش آن‌ها پی می‌برد.

وی با بیان این که خودانگاره‌ها همان باورهای انسان هستند، اظهار کرد: افرادی که بی نظمی در افکار و باورهایشـــان دارند دارای آشـــفتگی‌هایی هســـتند که در پوشـــش آن‌ها نمایان است، اما افرادی که در حالت نظم به ســـر می‌برند و خیلی به آن اهمیت می‌دهند، لباســـهای اتو کشیده و مرتب می‌پوشند و رنگهای لباسشان هماهنگ است، چون باورهای منظمی دارند و در محیط هم به دنبال نظم می گردند تا احســـاس آرامش کنند.

پوشش نشان دهنده درون یک فرد است

اگر خیلی بی نظم باشـــی یعنی خیلی فرد آشـــفته‌ای هستی مثلا فردی که بر اثر افســـردگی شـــدید یا ضربه‌های دوران کودکی مبتلا به اعتیاد شـــده است و گوشه خیابان مشاهده می‌شود آیا جز این است که او را با پوششی نامنظم می‌بینیم و در درون خود فکر میکنیم که این شخص چطور می‌تواند اینگونه باشد و به دلیل آن است که باورهایش بهم ریخته در نتیجه ظاهر ش. هم خوب نیست.

این دکترای روانشناســـی عمومی با بیان این که پوشـــش نشـــان می‌دهد که در درون یک فرد چه خبر اســـت. خاطرنشـــان کرد: افراد موفق ســـعی می کنند حتی اگر در درون خود بهم ریختگی داشـــته باشـــند در ظاهرشان که معرف آن‌ها به دیگران اســـت نظم را رعایت کرده و آن بهم ریختگی را در ظاهر خود نشان ندهند.

چند باور غلط در مورد خواب

خوابیدن بخش مهمی از زندگی انسان است که اکثر افراد آن را دوست دارند و برایشان لذت‌بخش است اما عده‌اند کی هم هستند که ممکن است به دلایلی همچون بی‌خوابی، برنامه کاری سنگین یا حتی ناتوانی در دل کندنِ از شبکه‌های اجتماعی نتوانند به اندازه دیگران از این بخش از زندگی بهره‌مند شوند.

افرادی که برای خوابیدن مشکل دارند به راهکارهای متفاوتی همچون شمردن گوسفندهای فرضی متوسل می‌شوند و این درحالیست که در برخی افراد این تلاش‌ها بی‌اثر است. سایت مدیکال دیلی به توضیح مختصری درباره برخی از باورهای اشتباه در مورد خواب پرداخته که بین افراد شایع است و شامل موارد زیر می‌شود:

افراد مبتلا به بی‌خوابی نمی‌توانند به خواب بروند: معمولا مردم تصور می‌کنند بی‌خوابی به این معنی است که فرد نمی‌تواند به خواب رود اما این تنها یکی از علائم این اختلال است. در واقع به اعتقاد کارشناسان بیدار شدن در نیمه‌های شب و سخت به خواب رفتن بعد از آن و حتی نداشتن احساس سرحالی در هنگام صبح می‌تواند از نشانه‌های اختلال بی‌خوابی باشد.

افراد مسن به خواب زیاد نیاز ندارند: الگوهای خواب با افزایش سن تغییر می‌کنند اما میزان ساعت‌هایی که فرد به خواب نیاز دارد تغییر نمی‌کند. افراد مسن در طول شب چندین بار از خواب بیدار می‌شوند که چرت زدن در طول روز می‌تواند برای آنها مکمل خواب شب باشد.

خوابیدن در طول روز مانع از آن می‌شود که شب خواب راحتی داشته باشیم: به گفته کارشناسان چرت ظهرگاهی مانع از آن نمی‌شود که شب فرد به راحتی به خواب نرود. چرت زدن در طول روز البته مادامی که به غروب موکول نشود می‌تواند به فرد کمک کند هوشیارتر باشد، قدرت حافظه را افزایش می‌دهد و سطح عملکرد فرد را تقویت می‌کند. البته چرت زدن نباید بیش از ۳۰ دقیقه طول بکشد و زمانی که فرد اختلال جدی خواب ندارد، مفید است.

شمردن گوسفند فرضی برای خواب راحت: محققان این روش را در ۴۱ فرد مبتلا به بی‌خوابی آزمایش کردند و مشخص شد این افراد با شمردن گوسفند فرضی دیرتر به خواب می‌روند.

تماشای تلویزیون قبل از خواب فرد را با مشکل روبرو می‌کند: نتایج مطالعات در این مورد اندکی متفاوت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نور آبی می‌تواند الگوی خواب را تغییر دهد اما شواهدی وجود ندارد که ثابت کند تماشای تلویزیون قبل از خواب باعث می‌شود فرد هنگام شب خواب راحتی نداشته باشد. هرچند این کار از سوی بسیاری متخصصان تایید نمی‌شود.

دروغ می گویید؟ دماغتان دراز نمی‌شود اما مغز و جسمتان عذاب می کشد

قطعا تا به حال بارها و بارها این جمله را شـنیده‌اید که می گویند «دروغ نگویید وگرنه دماغتان دراز می‌شـود!» یکی از درس‌های پایه‌ای که در دوران کودکی به بچه‌ها در اشـکال مختلف تعلیم داده می‌شـود پرهیز از دروغگویی اسـت. اما دروغ‌گویی علاوه بر روابط، بر مغز و بدن افراد تاثیر می گذارد.

همـه مـا می‌دانیـم که نباید دروغ بگوییم با این حال همچنان گاه به گاه چیزهایـی می گوییـم که در واقع همان دروغ گفتن اسـت. نکته جالب توجه این اسـت که تقریبا بیشـتر افراد هر روز دروغ می گویند. تحقیقات نشان داده بیشتر آدم‌ها به طور تقریبی یک یا دو دروغ در روز می گویند. آدم‌ها همچنین برای دروغ‌هایشـان توجیه و دلایل متعددی می‌سـازد. «ایـن یـک دروغ پاتولوژیکی (در دروغ‌هـای پاتولوژیکی فرد به طور همیشـگی در حال دروغ گفتن اسـت بدون اینکه منطقی پشـت این رفتار او باشد. این رفتار به عنوان رفتاری مزمن تعریف می‌شود) نیست، این یک دروغ مصلحتی اسـت» یا «من این را گفتم چون نمی‌خواسـتم احساسـاتش را جریحه‌دار کنم.» یا «نمی‌خواسـتم دردسر درست کنم» حـالا تصـور کنیـد اگر همه افراد با مبنا قـرار دادن این توجیهات دروغ بگویند چه اتفاقی می‌افتد.

دروغ گفتن بر مغز و بدن افراد تاثیر می گذارد. در گزارش منتشـر شـده در لایـف هـک تاثیـرات مخرب دروغ بر مغز و جسـم افـراد به لحاظ علمی‌بررسی و توضیح داده است.

دروغ می گویید؟ مغز شما در این دروغ غرق می‌شود

تحقیقات بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که دروغ‌های پاتولوژیکی تاثیر قابل توجهی بر روی سلامت افراد می گذارند. می‌دانید این تاثیر گذاری چگونه اسـت؟ سـلامت افراد بر اثر دروغ گفتن صدمه جدی می‌بینند.

بـه محـض اینکه دروغ از دهان فردی خارج می‌شـود، بدن کورتیزول را در مغـز آزاد می کنـد. فقـط چند دقیقه کوتاه بعد حافظه شـما تلاش زیـادی می کنـد تا هر دو قسـمت ماجرا یعنی هـم دروغ و هم واقعیت را به خاطر بیاورد. در چنین حالتی تصمیم گیری دشـوار خواهد شـد و حتـی ایـن امکان وجود دارد فرد ناراحتی ناشـی از این اتفاق را در قالب خشـم نشـان دهد. همه ایـن اتفاقات فقط در ۱۰ دقیقـه ابتدایی واقع می‌شوند.

دروغ می گویید؟ استرس شما بیشتر می‌شود

بعـد از این واکنش اولیه، نگرانی شـما دربـاره دروغی که گفته‌اید آغاز می‌شـود. در واقع شـما گرفتار دروغ شـده‌اید. در این حالت ممکن است شما در مقابل فردی که دروغ گفته‌اید رفتار جدیدی را برنامه‌ریزی کنید که می‌تواند مهربانی بیش از حد در مواجهه با او باشـد. یا اینکه ممکن اسـت شـرایط معکوسـی اتفاق بیفتد به این ترتیب که شـما خودتان را قانع کنید اگر دروغ گفته‌اید به این دلیل بوده که طرف مقابلتان شـما را مجبور به این کار کرده اسـت.

یک روز بعد از دروغ گفتن، دو حالت ممکن است اتفاق بیفتد.اگر شما از دروغ پاتولوژیکی اسـتفاده کرده‌اید ممکن اسـت شما خودتان هم آن را باور کنید! اگر دروغ شـما پاتولوژیکی نبوده اسـت پس احتمالا همچنان احسـاس بدی خواهید داشـت و سعی می کنید خودتان را از فردی که به او دروغ گفته‌ایـد مخفـی کنید و وی را نبینیـد. عذاب وجدانی که بابت دروغ گفتن به آن گرفتار شـده‌اید می‌تواند در طول مدت چند روز آینده برنامه خواب شـما را مختل کند.

نکته اینجاسـت که همه این اسـترس‌های اضافی تبعات منفی را برای سـلامت شـما در پی خواهد داشـت. این استرس‌ها می‌تواند فشار خون

را بالا ببرد، سر درد از دیگر تبعاتش است. پشت درد به همراه کاهش گلبول‌های سفید خون (بر اثر مبارزه با بیماری کاهش پیدا می کند) از دیگر تبعات این اتفاق هستند. بخش زیادی از انرژی ذهن افراد بابت دروغ گفتن و مراقبت از این دروغ برای برملا نشدن خرج می‌شود. به همین دلیل در مواقعی فرد خشمگین، عصبانی و افسرده خواهد شد. البته این مشکلات در همین نقطه متوقف نمی‌شود. این احساسات بر روی سیستم گوارشی افراد هم تاثیر می گذارند. نتیجه هم چیزی نخواهد بود جز اسهال، ناراحتی معده، تهوع و گرفتگی عضلات.

اتفاقا پروژه تحقیقاتی نوتردام هم نگاهی به اثرات دروغ پاتولوژیک داشته است. در این پروژه ۱۱۰ داوطلب مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از این بین نیمی از آنها قبول کردند دروغ گفتن را متوقف کنند و نیمی‌دیگر هیچ دستورالعملی دریافت نکردند. در پایان ۱۰ هفته گروهی که کمتر دروغ گفتند تقریبا ۵۴ درصد کمتر دچار پیچیدگی‌های ذهنی مانند استرس و خشم شدند و ۵۶ درصد کمتر در چالش مواجهه با مشکلات سلامت جسمی‌مانند سردرد و مسائل گوارشی قرار گرفتند.

دروغ‌های پاتولوژیکی را متوقف کنیدبهتر است با خودتان صادق باشید. اگر دروغ گفتن بخشی از برنامه روتین روزانه زندگی شماست، بنابراین توقف این روند آن هم به سادگی سخت خواهد بود. می‌توانید به خودتان بگویید فقط امروز را دروغ نمی گویم اما احیانا در پایان روز خودتان را در شرایطی می‌بینید که دروغ یا دروغ‌هایی از دهانتان خارج شده است. توقف دروغ‌های پاتولوژیکی زمان بر است. به خودتان بگویید می‌خواهید بیشتر صادق باشید و در این مسیر تلاش آگاهانه‌ای برای قطع کردن ریشه دروغ از زندگی‌تان بکنید. قبل از اینکه به سوالی جواب بدهید بیشتر درباره پاسخ آن فکر کنید. آیا می‌توانید از جواب دادن خودداری کنید؟ آیا راهی وجود دارد که به سوال جواب بدهید آن هم با حذف حقیقت؟ راه دیگر کنترل دروغ‌های پاتولوژیکی معاشرت با افرادی است که برای حقیقت ارزش قائل هستند. داشتن دوستانی که ترجیح می‌دهند واقعیت را بشنوند و شما را هم ترغیب به گفتن واقعیت می کنند می‌تواند یک انگیزه قوی برای توقف دروغ گفتن باشد.و خب در نهایت اگر هیچکدام از این راه‌ها جواب نداد، دست کم به فکر سلامت خود باشید.

چگونه به همسر خود بدبین نباشم؟

گزارش از زهرا رحیمی

برخی از زنان با حساسیت‌های آزاردهنده سعی دارند تا همسرشان را به زندگی مشترک امیدوار کنند، اما بهتر است توانایی‌های خود را تقویت کنند تا تصور این که هر زنی توانایی تصاحب زندگی آن‌ها را دارد، از سرشان بیرون رود.

به جای آنکه همسرتان را با حساسیت‌های آزار دهنده به زندگی مشترک امیدوار کنید، عشق‌تان را به او نشان دهید. گفتن دوستت دارم شاید موثرترین و ساده‌ترین راه باشد، اما بد نیست گاهی بی بهانه برایش هدیه بخرید یا با لبخند پشت در به استقبالش بروید.

حل کردن مشکلات زندگی مشترک را برای فردا نگذارید و هرشب پیش از خوابیدن اختلافات را حل کنید، زیرا در خیلی از مواقع حساسیت‌ها نسبت به شریک زندگی از احساس خود کم‌بینی نشأت گرفته که در زندگی شما ریشه دوانده است؛ پس بهتر است توانایی‌های خود را تقویت کنید تا تصور اینکه هر زنی توانایی تصاحب زندگی شما را دارد از سرتان بیرون رود.

در این مورد هرچه بگوییم کم گفته‌ایم؛ شما و همسرتان می‌توانید با کمک جلسات مشاوره خانواده خود و یکدیگر را بیشتر بشناسید. نیازی نیست که حتما کارد به استخوان شما برسد تا سراغ مشاور بروید. حتی در شیرین‌ترین لحظات زندگی‌تان هم مشورت با یک روانشناس می‌تواند راهگشا باشد.

خودباوری را تقویت کنید

برخی از زنان برای اطمینان از اینکه همسرشان به آن‌ها وفادار است، کارهایی را انجام می‌دهند؛ از جمله اینکه همیشه وسایل شخصی شوهر خود را چک می‌کنند، از دوستان و همکارانش آمار او را می‌گیرند، ناگهانی به تلفن ثابت محل کار شوهر خود زنگ می‌زنند تا خیالشان راحت شود که آیا او در محل کارش حضور دارد و یا حرف ناخوشایندی در مورد زنان همکار یا فامیل می‌زنند تا واکنش شوهر خود را دیده و مطمئن شوند که مثلا با کسی ارتباط دارد.

مرجان محمدیان دکترای روانشناسی عمومی با بیان اینکه در به وجود آمدن حساسیت نسبت به شریک زندگی معمولا دو حالت وجود دارد، گفت: در حالت اول ممکن است زن موردی از همسرش دیده و تجربه تلخی دارد و در مورد دوم این امکان وجود دارد که زن بدون رخ دادن هیچ اتفاقی نسبت به همسر خود دچار حساسیت شده است که در اصطلاح روانشناسی به آن PTSD گفته می‌شود.

وی افزود: به طور مثال شخصی که یکبار دستش سوخته و ترمیم شده، این امکان وجود دارد هر بار که یاد آن حالت افتاده یا نشانه‌هایی از آن را می‌بیند جای آن می‌سوزد، زیرا تجربه تلخی دارد؛ در مورد حساسیت زنان نسبت به شریک زندگی شان نیز همین گونه است.

وی ادامه داد: برخی زنان تجربه تلخی دارند و کسی که موردی را از همسرش دیده با هر محرک کوچکی به هم ریخته و دچار بی قراری می‌شود بنابراین دنبال یکسری علائم می‌گردند یا چیزهایی که خود را آرام کنند.

این دکترای روانشناسی عمومی تاکید کرد: زنانی که بدون رخ دادن هیچ اتفاقی خیلی نسبت به شوهر خود حساس هستند در واقع دچار اعتماد به نفس پایین بوده و خودباوری ندارند.

محمدیان در خصوص باورهای این زنان بیان کرد: زنانی که هیچ تجربه تلخی ندارند، اما مدام شوهرشان را چک می‌کنند بر این باورند که قرار است شوهر خود را از دست دهند، زیرا خود را کمتر از طرف مقابل می‌بینند یا در کودکی از بعد روانکاوی ارتباط خوبی با پدر خود نداشته یا او را به هر شکلی از دست داده‌اند.

وی ادامه داد: اصولا این باور در آن‌ها شکل گرفته که هر مرد دوست داشتنی را ممکن است از دست دهند یا شرایطشان به گونه‌ای است

کـــه خـــود را باور ندارند که می‌تواند به دلیل شکســـتهای متوالی در گذشـــته مانند شکســـت در کنکور، کار یا ارتباطات خانوادگی باشد.

ذهنیت منفی را از خود دور کنید

گاهی اوقات حساسیت بیش از حد نسبت به شوهر می‌تواند به یک تهدید جدی برای رابطه‌تان تبدیل شـــود و اگر هرچه زودتر از یک مشـــاور و روانـــکاور برای تغییر نگاه‌تـــان کمک نگیرید خیلی زود با مشکلات جدی‌تری روبه‌رو خواهید شد.

به گفته محمدیان زنی که احســـاس می‌کند قرار اســـت همیشـــه با شکســـت مواجه شـــده یا همه چیز را از دســـت دهد؛ دارای باورهای منفی اســـت که باعث خود کم بینی شـــده و فکر می‌کند رقیبی وارد زندگی اش شـــده و می‌خواهد همسرش را از او بگیرد.

این دکترای روانشناســـی عمومی با اشـــاره به این که باورهای منفی حـــال فـــرد را نامســـاعد کرده و در آینده به همـــان باور منفی که در ذهن خود داشـــته می‌رســـد؛ تصریح کرد: مثلا فردی که باورش این اســـت من تن‌ها می‌مانم و اگر طرف مقابل تلفنش را جواب نداده یا هـــر اتفاقـــی رخ دهد این باور را دارد که تن‌ها می‌ماند، رفتارهایی را می‌کند که مخاطبش ترســـیده و ســـعی در فاصله گرفتن از او دارد، در نتیجـــه در آینـــده نیز تن‌ها می‌ماند و باورش به او می‌گوید دیدی تن‌ها ماندی.

وی اظهار داشت: باورهای انسان آینده و رفتارهای او را می‌سازد و زنانی که خیلی نسبت به همسرانشان حساس هستند در ناخودآگاه ذهن خود این باور را دارند که من قرار اســـت همســـرم را از دســـت بدهم بنابراین کارهایی را انجام می‌دهند که همسرشـــان به مرور زمان خســـته شـــده و یک نوع فاصله عاطفی شکل می‌گیرد.

وی اضافه کرد: گفته قدیمی‌ها که «از هر چیزی بترسی سرت میاد» ناشـــی از دیدگاه روانشـــناختی بوده و از باور می‌آید؛ یعنی رفتارها را بر اساس باور تنظیم می‌کنیم و در نتیجه واقعا اتفاقاتی رخ می‌دهد که آن باور خود را در زندگی ما نشـــان می‌دهد.

اعتماد به نفس خود را افزایش دهید

مراجعه به روانکاو برای شناســـایی باورها و تقویت اعتماد به نفس و دور کـــردن ذهنیت‌هـــای منفی کاری اصولی اســـت که می‌تواند درجهت تحکیم روابط بین زوجین بســـیار موثر باشد.

محمدیان با اشاره به این که اگر زنی بیش از اندازه نسبت به شوهر خود حساس است به طوری که بیقرار و نگران می‌شود، گفت: زنانی که تجربه‌های نامطلوب داشـــته و بیقرار و نگران می‌شـــوند که مبادا مثلا همسرشان تلفن را جواب ندهد و به اصطلاح عام شکاک است بایـــد حتما به روانکاو مراجعه کنند.

وی ادامـــه داد: بـــا انجام این کار باورهای آن‌ها مورد بررســـی قرار گرفته و مشخص می‌شود که آیا از دوران کودکی نشات گرفته و یا چه شکست‌ها و از دست دادن‌هایی او را به این حالت درآورده است.

به گفته این دکترای روانشناســـی عمومی، بر اســـاس تکنیک‌های روانکاوی باورهای مثبت در فرد شـــبیه ســـازی شده تا به مرور زمان حالش خوب شود و در حالت خفیف‌تر نیز این حساسیت‌ها از افرادی ناشـــی می‌شـــود که اعتماد به نفس کمی‌دارند و دارای حس خود کمتر بینی هستند.

وی تصریح کرد: انسان دوست دارد همیشه برنده بازی زندگی باشد کـــه در آن آدم‌هـــا و رقیب‌هـــای مختلفی حضور دارند، اما زمانی که خـــود را کمتـــر ببیند، فکر می‌کند در این بازی بازنده می‌شـــود، پس راهکار مقابله این است که اعتماد به نفس یا به اصطلاح روانکاوی ایگو یا مدیریت شـــخصیت فرد بالا رود.

محمدیان عنوان کرد: فرد با مسئولیت پذیری و برشمردن کارهایی که در طول روز به آن‌ها مشـــغول بوده و همچنین انجام کارهایی مانند نقاشـــی کردن که نمادین اســـت می‌تواند اعتماد به نفس خود را افزایـــش دهد. این دکترای روانشناســـی عمومی در پایان یادآور شـــد: یکی از تکنیک‌های روانشناســـهای رفتارگر این است که فرد کارها و رفتارهای خود را شـــرطی کند؛ یعنی فرد ســـرخود را گرم کرده و بگوید هر موقع که خواســـتم به همســـرم زنگ بزنم قبلش با خواهرم یا کســـی که خیلی راحت هســـتم به صحبت بپردازم و بعد تصمیم بگیرم که به همســـرم زنگ بزنم یا نه، در واقع یک ســـرعت گیر برای خود بگذارد که تَکانشـــی رفتار نکند.

آنچه که باید درباره «تب کریمه کنگو» بدانید

تب خطرناک در ایران

کنترل تب خونریزی دهنده کریمه- کنگو که چندی است در کشور خبرساز شده و جان برخی از هموطنان را تهدید کرده است، بیش از همه به اطلاع رسانی و آموزش شهروندان نیاز دارد. سازمان دامپزشکی کشور در پی ابتلای شماری از مردم کشور به تب خونریزی دهنده کریمه- کنگو به هفت پرسش درباره این بیماری، مناطق مستعد، شیوه انتقال، نشانه‌های بیماری، شیوه تشخیص، گروه‌های در معرض خطر و راه‌های پیشگیری آن پاسخ داده است.

***تب خونریزی دهنده کریمه- کنگو چیست؟**

تب خونریزی دهنده کریمه-کنگو یکی از بیماریهای ویروسی مشترک بین انسان و حیوان است که در کشور ما نیز دیده میشود. آلودگی با این ویروس در دامها بیماری بالینی ایجاد نمیکند؛ با این همه ممکن است در انسان باعث مرگ شود. ایجاد خونریزی در بافتهای بدن یکی از نشانه‌های بیماری در انسان است که در مراحل آخر بیماری اتفاق میافتد.

این بیماری برای نخستین بار در سال ۱۹۴۴ در منطقه کریمه در کنار دریای سیاه دیده و در سال ۱۹۶۶ در کنگو شناسایی شد؛ از این رو، به نام بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو مشهور است.

***توزیع جغرافیایی بیماری در چه مناطقی است؟**

تب خونریزی دهنده کریمه-کنگو در جنوب و شرق اروپا بویژه کشورهای شوروی سابق، سرتاسر منطقه مدیترانه، شمالغرب چین، آفریقا، خاورمیانه و شبه قاره هند گسترش دارد.

***این بیماری چگونه به انسان منتقل میشود؟**

این بیماری به طور معمول از طریق گزش کنه‌های خونخوار از دام آلوده یا تماس اندام مجروح انسان با بافت دام آلوده، منتقل میشود.

بنابراین کشتار دام در کشتارگاه و رعایت اصول بهداشتی نقش بسیار مهمی در پیشگیری از بیماری دارد. این بیماری از بیمار به افراد دیگر نیز قابل انتقال است.

***نشانه‌های تب خونریزی دهنده کریمه-کنگو چیست؟**

بیماری در دامها بدون علامت است اما دوره کمون (خواب) بیماری در انسان به شیوه انتقال ویروس بستگی دارد.

دوره کمون در پی گزش کنه یک تا سه و حداکثر ۹ روزه و متعاقب تماس با خون یا بافت‌های آلوده پنج تا ۶ و حداکثر ۱۳ روزه است.

بیماری به طور ناگهانی و با علائمی مانند سردرد، تب بالا، درد ناحیه پشت، درد مفاصل، درد معده، استفراغ، قرمزی چشمها و صورت و گلو و بروز نقاط خونریزی در سقف دهان آغاز می‌شود. ممکن است علائم زردی نیز بروز کند و در موارد شدید خلق و خوی، حواس و ادراک را نیز تغییر دهد. در موارد پیشرفته بیماری لکه‌های بزرگ کبود رنگ روی بدن، خونریزی شدید از بینی و خونریزی‌های غیرقابل کنترل در نقاط تزریق را می‌توان دید. میزان مرگ و میر ناشی از این بیماری در صورت تاخیر در درمان میتواند بسیار زیاد و حدود ۳۰ و حتی بیش از ۵۰ درصد باشد.

***تشخیص تب خونریزی دهنده کریمه-کنگو چگونه است؟**

تشخیص موارد مشکوک به تب خونریزی دهنده کریمه کنگو باید در آزمایشگاه مجهز و با درجه ایمنی زیستی بسیار بالا صورت گیرد.

***چه کسانی و چگونه در معرض این بیماری قرار دارند؟**

همانگونه که گفته شد این بیماری از طریق کنه‌ها و یا بافتهای آلوده حیوانات به انسان منتقل میشود. بنابراین دامداران، قصابها، کارکنان کشتارگاهها، دست اندرکاران بخش دامپزشکی و دامپزشکان در معرض بیشترین خطر قرار دارند و باید احتیاط بیشتری کنند.

از آنجا که بیماری میتواند از انسان بیمار به دیگران نیز منتقل شود پرستاران نیز باید موارد بهداشتی را به طور کامل رعایت کنند.

*** راه‌های جلوگیری از بیماری چیست؟**

۱- با سمپاشی دامداریها و حمام دادن دامها، با کنهها مبارزه کرده و دامهای خود را عاری از کنه نگه دارید.

۲- از تماس با دامهای آلوده به کنه بپرهیزید.

۳- دامها باید در کشتارگاه به شیوه بهداشتی ذبح شود؛ بنابراین از کشتار دام بیرون از کشتارگاه اجتناب کنید.

۴- نگهداری گوشت تازه به مدت ۱۲ تا ۲۴ ساعت در یخچال و ترد شدن آن (ایجاد جمود نعشی) باعث از بین رفتن ویروسهایی مانند ویروس تب کریمه کنگو در گوشت میشود. بنابراین قصابها نباید گوشت تازه را که جمود نعشی در آن اتفاق نیفتاده است، عرضه کنند.

علی کاظمی‌میهمان «افق تازه»:

بعضی از ما بازیگران روزهای سختی را سپری می‌کنیم

علی کاظمی بازیگر سینما، تاتر و تلویزیون از جمله کسانی است که با شخصیت بگوری در شب‌های پرره بین مردم بیشتر شناخته شد. چهره‌ای که با حضورش در دفتر نشریه افق تازه به این نکته پی بردیم که بر خلاف ظاهرش بسیار دل نازک و محبوب است. سعی کردیم که در مصاحبه پیش رو از هر دری با علی کاظمی به گفت و گو بنشینیم که ماحصل آن از نظرتان می‌گذرد.

آقای کاظمی به عنوان اولین سئوال از وضعیت فعالیت خود طی سالهای اخیر بگویید؟

به دلیل این که تولیدات نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته و تعداد هنرمندان افزایش یافته است فعالیت من نیز در این عرصه کم‌تر بوده و از شرایط راضی نیستم. متاسفانه از آن‌جایی که شغل دیگری غیر از بازیگری ندارم به سختی زندگی خود را می‌گذرانم و با بازی در پروژه‌های کوچک و نقش‌های خرد، به سختی امرار معاش می‌کنم.

بازی با کدام طنزپرداز را بیشتر می‌پسندید؟

کار با هر طنزپردازی که تاکنون با او فعالیت داشته‌ام را دوست دارم اما به طور ویژه‌تر، مهران مدیری فردی بسیار باهوش و کاربلدی است و از افتخارات من محسوب می‌شود که با ایشان فعالیت داشته‌ام.

برنامه‌ی خندوانه را بیشتر می‌پسندید یا دورهمی؟ و چرا تاکنون به برنامه دورهمی دعوت نشده‌اید؟

هر دو برنامه‌ی دورهمی و خندوانه مخاطبان خاص خود را دارند و برنامه‌هایی باکیفیت و جذاب هستند و با تمام احترامی که به رامبد جوان دارم کار مهران مدیری را بیشتر می‌پسندم. نه تنها من بلکه بسیاری از بازیگرانی که تاکنون با مدیری همکاری داشته‌اند به برنامه دورهمی دعوت نشده‌اند و ما خودمان نمی‌توانیم تقاضا کنیم که در برنامه حضور داشته باشیم و باید دعوت شویم.

یک خاطره از دوران بازیگری خود باز گو کنید.

چون اصولا آدم شکمویی هستم یک خاطره از غذا خوردن تعریف می‌کنم. خیلی اوقات برای این که برنامه را سریع‌تر به پخش برسانیم برنامه‌ی ضبط فشرده‌ای داشتیم. در یکی از برنامه‌ها آقای مدیری اعلام کرد یک ربع برای ناهار فرصت داریم، زمانی که من ناهار را گرفتم و مشغول خوردن زرشک-پلو با مرغ شدم، در آن هنگام برنامه‌ریز اعلام کرد همه سر صحنه حاضر شویم، من ظرف غذا را برداشتم که در مسیر بخورم و غذا را تمام کنم تا دچار ضعف نشوم، در حین خوردم به جعبه نوشابه برخورد کردم که باعث شد هم بدنم آسیب ببیند و هم غذا به هدر برود و تا شب به سختی بگذرد.

هم‌اکنون کاری در دست اقدام دارید؟

چند روز پیش در یک تله فیلم به کارگردانی خانم فرناز امینی به عنوان بازیگر مهمان حضور یافتم و این پنجمین همکاری من با خانم امینی است که در دوسکانس به ایفای نقش پرداختم و بازیگر نقش رو در روی من در این تله فیلم نیما شاهرخ شاهی عزیز بود که هر دو رضایت خوبی از بازی و همکاری هم داشته‌ایم. این تله فیلم که موضوعی نیمه‌ورزشی دارد در مرحله‌ی ضبط است و هنوز به اتمام نرسیده است

دستمزد بازیگران در سال‌های اخیر چه تفاوت‌هایی داشته است؟

هر بازیگری بر اساس آیتم‌هایی چون سطح کاری، تعداد طرفدار، سابقه‌ی کاری و خیلی عوامل دیگر دستمزد خاص خودش را می‌گیرد اما اکنون به طور کلی دستمزدها نسبت به گذشته کاهش یافته است و تعداد بالای بازیگران و تولیدات کم موجب می‌شود مجبور شویم با هر قراردادی موافقت کنیم.

خیلی‌ها معتقدند که در سینمای ایران مافیا وجود دارد نظر شما در این رابطه چیست؟

به نظر من مافیا در سینما معنایی ندارد اما این طبیعی است که هر کارگردانی ترجیح می‌دهد با بازیگری که بازی‌اش مورد پسند اوست کار کند و معمولا کار به صورت تیم‌های مشخص که همدیگر را از نظر اخلاقی و کاری می‌شناسند انجام می‌شود و این ثمره‌ی خوبی در خروجی کار دارد. اما به دلیل این که تعداد بازیگران زیاد است بهتر بود کار به صورت گردشی انجام شود تا افراد دیگری نیز از نظر کاری شناخته و مطرح شوند

بهترین کاری که در سال‌های فعالیت خود انجام داده‌اید کدام است؟

به غیر از چند تله فیلم که فقط به دلیل مالی مجبور به انجام آن‌ها شدم، اکثر فیلم‌های سینمایی و سریال-هایی که در آن‌ها بازی کردم را بسیار دوست دارم به خصوص مسیر انحرافی از بهرنگ توفیقی، موج و سخره از مجید صالحی، به کجا چنین شتابان از ابوالقاسم طالبی و به طور ویژه‌تری کارهای مهران مدیری را بسیار دوست دارم. رابطه‌ام با همه‌ی بازیگرها خوب است و بین هیچ کدام فرق نمی‌گذارم. با آقای ساعد هدایتی ارتباط نزدیک‌تری دارم و حدود ۱۶ سال است که از زمان آشنایی ما با هم در فیلم توکیو بدون توقف می‌گذرد و تا اکنون نیز همکاری‌های کاری نیز داریم.

تاکنون پیش آمده دستمزد شما در فیلم پرداخت نشود؟

بسیار پیش آمده است به طوری که خیلی از آن‌ها پس از مدتی فراموش شده است و این معضلی است که بسیاری از بازیگران با آن مواجه شده و کاری نیز از دستشان برنمی‌آید. من از طلب‌های خود گذشت کرده‌ام و علاقه‌ای به گله و شکایت در این زمینه ندارم اما امیدوارم در صورت امکان بدهی‌هایم را پس بدهند.

در تئاتر هم فعالیت دارید؟

در گذشته فعالیتم در تئاتر بسیار بود اکنون متاسفانه دیگر فعالیت نمی‌کنم اما در یکی دو سال اخیر پیشنهادهایی در این زمینه داشته‌ام که به دلیل دستمزد پایین و عدم علاقه به آن کارها، نپذیرفتم. دو سال پیش یک تئاتر را تا مرحله تمرین پیش بردم اما به دلیل عدم توافق همه بازیگران با تهیه‌کننده این کار به مرحله اجرا نرسید.

واکنش مردم در خیابان هنگام دیدن شما چگونه است؟

من از اعماق قلبم دل عاشق مردمم هستم و روزی روز مرگ من است که به خیابان بروم و کسی من را نگاه نکند وقتی مردم به من محبت می‌کنند و دوست دارم به احترام آن‌ها خم شوم و بگویم خاک پای مردم هستم روز خوبی برای من است. و خدا نکند هیچ بازیگری از چشم مردم بیافتد. تاکنون از معروفیتم سواستفاده به صورت رانت نکرده‌ام اما گاهی مردم به ما لطف دارند و کار ما را زودتر از بقیه انجام می‌دهند

آینده‌ی بازیگرانی مثل خود را چگونه می‌بینید؟

من همیشه به آینده امیدوارم زیرا اگر انسان به آینده امید نداشته باشد با معضلات زیادی مواجه می‌شود. هیچ موقع من از حرفه‌ی خود پشیمان نمی‌شوم چون عاشق کارم هستم و تنها نگرانی من بابت آینده‌ی دخترم است. توکلم بر خدا و امام رضا است امیدوارم دست ما را بگیرند و هیچ

موقع هیچ انسانی گرفتار و محتاج نشود. من هیچ پشتوانه مالی نداشته‌ام و پدرم به رحمت خدا رفته است اما پشتوانه اعتباری خوبی به اعتبار خانواده و دوستان بسیار خوبم دارم.

چرا دیگر با مهران مدیری فعالیت نکردید؟

من با مهران عزیز دوست هستم و هیچ مشکلی با همدیگر نداریم و فقط من نبوده‌ام که دیگر با او همکاری نداشته‌ام بازیگران دیگری نیز در سال‌های اخیر با او کار نکرده‌اند. من به تصمیم ایشان احترام می‌گذارم و اعتراض و ناشکری نمی‌کنم اما امیدوارم دوباره با او همکاری کنم زیرا از افتخارات هر هنرمندی است که با مهران همکاری کند

ناراحت نمی‌شوید شما را بیشتر با شخصیت بگوری در شب‌های برره می‌شناسند؟

نه اصلا ناراحت نیستم زیرا هر بازیگری بر اساس یک نقش بین مردم شناخته می‌شود همان گونه که آقای کشاورز را با فیلم پدر سالار می‌شناسند. مردم مرا با کاراکتر بگوری بیشتر دوست دارند و این مرا خوشحال می‌کند. علاقه‌ای به کارگردانی ندارم و سعی می‌کنم در زمینه‌ی فعالیت خودم پیشرفت کنم جایگاه من بازیگری است و دوست ندارم به حوزه‌های دیگر ورود کنم.

از خود و خانواده تان برای مردم بگویید؟

اصالتا نائینی هستم اما خودم بزرگ شده تهرانم و عاشق پرسپولیسم زیرا تیمی مردمی است و ما هم از بدنه‌ی مردم هستیم. حدود ۲۴ سال از ازدواجم می‌گذرد و یک دختر دارم که عاشقش هستم. بسیار شکمو هستم غذای مورد علاقه‌ام آبگوشت است و آشپز خوبی هستم. از سال ۶۹ فعالیت هنری خود را آغاز کرده‌ام و در این سال‌ها اوضاع مالی من در حد امرار معاش بوده است و خانه ای که اکنون در ان زندگی می‌کنم خانه‌ی پدری من است و تازه امسال توانستم یک ماشین به صورت شرایطی خریداری کنم که امیدوارم بتوانم شرایط آن را پرداخت کنم.

در صحبت‌هایت نام مبارک امام رضا(ع) را آوردی و احساسم این است که ارادت خاصی به آن حضرت دارید؟

امام رضا(ع) تمام زندگی من است (اشک در چشمان علی کاظمی جاری می‌شود) زیرا هر چه دارم از امام رضاست و هر که با دل به سمتش برود به هر چه بخواهد می‌رسد و من همیشه با دلم به سمتش رفته‌ام و همه‌ی زندگی من از اوست. زیرا امام مهربانی‌هاست و لطف و مهربانیش شامل همه می‌شود.

زلزله در استقلال خارج از مستطیل سبز

پس از حذف استقلال تهران در رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا به احتمال فراوان باید شاهد تغییرات این بار در بخش مدیریتی باشگاه استقلال باشیم.

همان طور که می دانیم پس از کش و قوس‌های فراوان در بخش مدیریتی استقلال، افتخاری از سال پیش کار خود را با حضور در باشگاه استقلال آغاز کرد.

جهانیان، مرحوم پورحیدری، زمانی و معینی افرادی بودند که از سوی گودرزی وزیر سابق ورزش و جوانان به عنوان اعضای جدید هیئت مدیره انتخاب شدند.

در این میان زمزمه‌های رفتن گودرزی از راس وزارت ورزش و جوانان شنیده می‌شد تا جایی که این موضوع عملی شد و با این وجود همه به این فکر افتادند که هیئت مدیره استقلال با رفتن گودرزی دستخوش تغییرات می‌شود اما افتخاری پس از حکم مدیر عاملی در برخی از مصاحبه‌های خود اعلام کرد که با حکم وزیر ورزش و جوانان نیامده که با حکم او برود و از طرفی مصاحبه‌های برخی از اعضا نسبت به هم و حتی مصاحبه‌های افتخاری و زمانی یکی از اعضا بر علیه هم باعث شد استقلال روزهای سختی را پشت سر بگذارد.

گودرزی از سمت خود در وزارت ورزش و جوانان کنار رفت تا بر این اساس جایگاه برخی از افراد در هیئت مدیره نیز در باشگاه استقلال لغزنده شود چرا که شهاب جهانیان یکی از اعضایی بود که با وجود گودرزی به باشگاه استقلال ورود پیدا کرده بود و همچنین افتخاری که با حکم وزیر سابق به راس کار آمده بود.

پس از کنار رفتن گودرزی، سلطانی فر به عنوان وزیر ورزش و جوانان انتخاب شد. با ورود وزیر جدید به راس کار همه پیشکسوتان استقلال انتظار داشتند تا وی به وضعیت استقلال سر و سامانی داده شود چرا که برخی از پیشکسوتان استقلال معتقدند هیئت مدیره فعلی استقلال باید بر کنار شوند و افراد جدید جایگزین شوند که در نهایت این امر تا به این لحظه صورت نگرفت.

با این حال و در شرایط که استقلال روزهای سختی را پشت سر می گذاشت خبر درگذشت پورحیدری باعث شد تا مشکلات بیشتری گریبانگیر هیئت مدیره شود چرا که هیئت مدیره استقلال یک عضو را از دست داد و با این حساب بررسی مسائل روز باشگاه آن هم با حضور ۴ نفر سخت و طاقت فرسا بود.

حساب قرار بود مجمع باشگاه استقلال طبق گفته سلطانی فر وزیر ورزش و جوانان تشکیل شود تا نفرات جدید جایگزین مرحوم پورحیدری و در صورت نیاز اعضای دیگر شوند که باز این امر نیز انجام نشد و هیئت مدیره استقلال با همان تعداد به کار خود ادامه داد.

در هر صورت در برخی مواقع هواداران استقلال با روی کار آمدن افتخاری و هیئت مدیره فعلی مخالف بودند و حتی برخی از این هواداران با حضور در مقابل درب باشگاه استقلال شعارهایی را علیه افتخاری و دیگر اعضای هیئت مدیره سر دادند. هواداران که خواهان برکناری افتخاری و اعضای هیئت مدیره بودند. با این وجود و با توجه به اعلام سلطانی فر، مدیران استقلال به کار خود ادامه دادند.

در این میان بارها مدیران استقلال بر علیه یکدیگر و حتی بر علیه کادر فنی مصاحبه‌هایی را انجام دادند اما با ورود وزیر ورزش و جوانان این مسائل کنار رفت و باعث شد استقلال به ساحل آرامش برسد اما این آرامش زیاد پایدار نبود چرا که برداشت پول از حساب باشگاه و البته محرومیت استقلالی‌ها باعث شد مدیران این تیم روزهای سختی را پشت سر بگذارند.

محرومیت نقل و انتقالاتی که به گفته برخی از اعضای هیئت مدیره گزارشی از آن به هیئت مدیره ارائه نشده بود و این مساله باعث ناراحتی برخی از اعضا نیز شده بود. محرومیتی که به دلیل شکایت بازیکن خارجی سابق استقلال رخ داده بود و رای فیفا از محرومیت استقلال در نقل و انتقالات زمستانی خبر می‌داد. نقل و انتقالاتی که به دلیل عدم مدیریت باشگاه استقلال ناکام ماند و آبی پوشان نتوانستند بازیکنان خود را جذب کنند.

پس از آن استعفای جهانیان رئیس هیئت مدیره به گوش رسید که وزیر ورزش و جوانان نیز با این موضوع موافقت کرد و به این ترتیب هیئت مدیره استقلال با ۳ نَفَر به کار خود تا به امروز ادامه داد.

با توجه به این وضعیتی که باشگاه استقلال این روزها دارد به همین دلیل شنیده می‌شود تغییرات مدیریتی در این باشگاه به زودی صورت می گیرد.

حتی صحبت‌هایی مبنی بر اینکه افراد راس وزارت ورزش و جوانان به دنبال انتخاب اعضای هیئت مدیره باشگاه هستند به گوش می‌رسد. این طور که به نظر می‌رسد برای حضور افراد جدید در هیئت مدیره استقلال هماهنگی‌هایی صورت گرفته است.

اما این طور که شنیده می‌شود به نظر تنها اعضای هیئت مدیره تغییر خواهند کرد و افتخاری همچنان به عنوان مدیر عامل این باشگاه به کارش ادامه خواهد داد.

با این وجود باید منتظر ماند تا دید چه زمانی قرار است تصمیمات لازم برای بخش مدیرتی استقلال لحاظ شود.

آیا مدیر عامل فعلی صندلی ریاست را ترک خواهد کرد تا بر این اساس فرد جدیدی جایگزین شود و یا اینکه وی ماندن را بر رفتن

ترجیح می‌دهد.
به این ترتیب با توجه به صحبت‌های وزیر ورزش و جوانان که در گذشته اعلام کرده بود قرار است تغییرات پس از انتخابات ریاست جمهوری صورت بگیرد، به این ترتیب شنیده‌ها حاکی از آن است که به زودی شاهد تغییرات اساسی در هیئت مدیره استقلال و پرسپولیس هستیم.
طبق هماهنگی‌های صورت گرفته قرار است وزارت ورزش و جوانان به زودی تشکیل مجمع دهد تا به زودی اعضای جدید استقلال مشخص شود.
به طور حتم با حضور افراد جدید در هیئت مدیره استقلال می‌توان بیشتر به جذب بازیکن در استقلال امیدوار بود چرا که در حال حاضر مسئولان این باشگاه درصدد هستند تا وضعیت از سوی وزیر ورزش و جوانان مشخص شود و پس از آن اقدام به جذب و امضای قراردادهای بازیکنان جدید و فعلی کنند.
حتی در این میان محمد رضا داورزنی معاون توسعه ورزش قهرمانی وزارت ورزش و جوانان درباره وضعیت هیئت مدیره دو باشگاه استقلال و پرسپولیس اظهار داشت: مدتی است افرادی از هیئت مدیره باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال استعفا داده‌اند و یا به رحمت خدا رفته اند. وزارت ورزش مصمم است هیئت مدیره این دو باشگاه را ترمیم کند تا آن‌ها خود، برای فصل جدید برنامه ریزی کنند. ترمیم این دو باشگاه تا دو هفته آینده انجام می‌شود.
وی ادامه داد: هر دو باشگاه تجربه چند ساله در مدیریت ورزشی دارند و بهتر است تمام امور این دو باشگاه به خودشان واگذار شود. بیشتر کمک‌های رسیده به استقلال و پرسپولیس از سوی هواداران بوده است. جا دارد از همه هواداران تشکر کنم که با کمک‌هایشان باعث شدند این دو تیم قهرمان و نائب قهرمان شوند.
داورزنی همچنین درباره واگذاری دو باشگاه استقلال و پرسپولیس تصریح کرد: وظیفه وزارت ورزش تیم داری و باشگاه داری نیست. باید راهکاری قانونی اعمال شود تا این دو باشگاه اداره شوند.
با توجه به صحبت‌های انجام شده به این ترتیب تا دو هفته دیگر هیئت مدیره استقلال نیز ترمیم می شود که این امر از سوی وزیر ورزش و جوانان قابل اجرا خواهد بود.
حسن روشن پیشکسوت تیم فوتبال استقلال درباره وضعیت نا مشخص هیئت مدیره استقلال اظهار داشت: به نظر من وزیر ورزش و جوانان إنسان بسیار خوبی است اما به خاطر انتخاباتی که در پیش رو داشتیم وی نتوانست تصمیم درستی برای هیئت مدیره باشگاه استقلال بگیرد اما امیدوارم وزیر ورزش و جوانان به زودی تصمیم خوبی بگیرد و واقعا به این وضع رسیدگی کند.
وی ادامه داد: در میان اعضا باید بگویم آقای زمانی إنسان بی گانه ای فوتبال نیست و در تیم تاج نیز حضور داشته و حتی وی اکثر پول‌هایی که تزریق شده و به هر نحوی از حساب خارج شده را برگردانده است.
روشن افزود: اگر با درایت یک هیئت مدیره درست کنند و مدیر عامل خوب انتخاب و در نهایت یک اتاق فکر نیز تشکیل شود ما هم در خدمتشان خواهیم بود و از هر کمکی دریغ نخواهیم کرد. باید بگویم هیچ کدام از پیشکسوتان ادعایی ندارند و تنها به دنبال این هستند تا به آنها اهمیت داده شود.
وی افزود: از طرفی من باید بگویم من با افتخاری مدیر عامل فعلی کار نکردم اما او همانند شتر مرد سوار است و هر کاری می خواهد می کند. در حال حاضر هم بسیاری از افراد از ما می پرسند که افتخاری چه شخصی است و اینکه فأمیل فلانی که مدیر نمی شود که او شده است.
پیشکسوت تیم استقلال ادامه داد: به نظر من مدیر عامل هم نباید بازیکن بیاورد بلکه سرمربی پس از ارائه لیست به مدیر عامل باید این در هیئت مدیره تایید شود. به این ترتیب معتقدم اگر درباره وضعیت مدیر عامل بخواهند از ما سوال کنند مثلا ما باید بگوییم بازیکن فلان سال بوده و انقدر تحصیلات داره و حالا فأمیل فلانی هم بود مشکلی ندارد نه اینکه یک نَفَر در راس قرار بگیرد ی بعد هم بگویند فأمیل فلانی است بنابر این باید هیئت مدیره ای انتخاب شود که حداقل ۵ تا ۱۰ سال در خدمت مردم باشد و ما پیشکسوتان نیز به طور حتم پس از انتخاب یک مدیر عامل خوب حامی او می شویم اما نه اینکه هر ننه قمری بخواهد بگوید من فأمیل فلانی ام و مدیر شود.
علی جباری دیگر پیشکسوت تیم فوتبال استقلال نیز درباره وضعیت نا مشخص هیئت مدیره باشگاه استقلال گفت: بدون شک نا مشخص بودن وضعیت هیئت مدیره استقلال ضربه می زند به بدنه باشگاه و استقلال نیز از این مساله آسیب می بیند.
وی ادامه داد: به نظر من وزیر ورزش و جوانان باید به این مساله ورود کند و به زودی هیئت مدیره استقلال را تکمیل کند و اجازه بدهند استقلال در این فاصله زمانی نفرات مورد نیاز خود را جذب کند در غیر این صورت اگر به موقع وضع مشخص نشود، متاسفانه استقلال ضربه می خورد.
جباری بیان کرد: وزیر ورزش و جوانان باید اعضای جدید را خیلی زود معرفی کنند تا به این ترتیب دست مدیر عامل برای تمدید قرارداد با بازیکنان و کادر فنی باز باشد و به طور حتم تمدید قرارداد و جذب بازیکنان جدید منوط به حضور اعضای جدید هیئت مدیره است. وی درباره تغییر افتخاری افزود: به طور کلی من در تعاین نفرات برای این هیئت دخالتی نمی کنم و به طور حتم وزیر ورزش و جوانان تصمیمات لازم را اتخاذ می کند وبه نظر من نباید در این مقطع چوب لای چرخ گذاشت و اگر واقعا مدیر عاملی مفید بوده به کارش ادامه دهد.

حیاط خلوت فدراسیون فوتبال را بشناسید

سفر، دلار و مافیایی در سکوت

اگر از فردی درباره کمیته آموزش فوتبال بپرسید، قطعا اطلاعاتی از این حیاط خلوت و البته دنج ساختمان خیابان سئول ندارند؛ جایی که انگار قرار هم نیســـت خبری از آن شنیده شود.

فوتبال همان بازی ساده با یک توپ گرد است که تقریبا هر مرد و زنی حداقل یک بار با ضربه زدن به آن، تجربه اش را داشته اند. فوتبال زبانی ساده دارد و شاید به همین خاطر همه آن را متوجه می‌شوند. تحلیل و بررسی اش هم حتی بین افراد کم یا بی سواد هم رایج است. همین ورزش ســـاده با اضافه شـــدن چند سیســـتم و روش برای بازی، به اضافه دستورالعمل‌های بدنسازی، به علمی تبدیل شده که در دنیا آن را آموزش می‌دهند و مربیانی را تربیت می کنند تا از خلاقیت افراد بهره برده و افکار تازه را به فوتبال کشورشـــان تزریق کنند. حتی به صنعتی تبدیل شـــده برای صادر کردن مربی؛ آنچنان که دهها مربی کروات از قبَل دلارهای باشـــگاه‌های ایرانی در کشورشـــان هتل، رستوران و کارواش باز کرده اند.

مربیانی که برای خانواده شان مدرک می گیرند!

اما در کمیته آموزش فوتبال ایران چه خبر است؟ آیا کسی می‌داند همین مدرسان داخلی، آخرین بار چه سالی مدرک تدریس گرفته و چند سال است در حال تدریسند؟ آیا ظرف این سال‌ها در یک کلاس اوپن شرکت کرده اند؟ فارغ از سطح معلومات فوتبالی این مدرسان، نکته عجیب اینکه خروجی این کلاس‌ها هم چیزی جز خانه نشینی مربیان تحت آموزش و حضور کنار خانواده شان نیست! البته اگر بتوان مدارک آنها را معتبر دانست! اینکه یک بازیکن صرف ملی پوش بودن، اول مربی شود و بعد در کلاس‌های مربیگری شرکت کند و مدارکش را پشت سر هم دریافت کند، معنی پرورش مربی دارد؟ این مربی نیازی نداشته در تیم‌های پایه کار کند؟ مدتی دستیار باشد و چم و خم کار را بیاموزد؟ البته، کمیته ای فشل و ناکارآمد، چنین وضعیتی را هم باید داشته باشد.

دوره پروفشنال یا فوتبال دستگرمی؟

چندی قبل، یک دوره پروفشنال لایسنس (لیسانس پیشرفته) در کمیته آموزش برگزار شد. اخبار رسیده از این دوره حاکی از آن است در روز اول همه چیز درست انجام شد. روز دوم مربیان از مدرس خواستند به دلیل مشغله، زمان آن را کم کند و دو ساعت از زمان کلاس کسر شد. روز سوم سه ساعت از آن کم شد. روز چهارم کل کلاس را به ۴ ساعت تقلیل دادند و روز پنجم جمعی از مربیان اصلا به کلاس نرفتند. درس‌ها چه بود؟ فوتبال شش به شش و فوتبال پنج به پنج! بعد همه مربیان مدرک پروفشنال گرفتند و خبرش هم در مطبوعات منتشر شد. اما آیا کسی از مربیان سئوال کرد چه چیزی در این دوره آموختند؟ از کوزه همان تراود که در اوست...

آموزش فوتبال سخت تر است یا شکافتن هسته اتم؟

کمیته آموزش حساسترین بخش از فدراسیون است که می‌توان اثرگذاری اش را از حالا تا ۲۰ یا ۳۰ سال بعد در سرنوشت فوتبال نمایان کند. رییس فدراسیون قطعا در این باره که شکافتن هسته اتم سخت تر است یا آموزش فوتبال، می‌تواند پاسخ صحیحی به مخاطب بدهد. اما چطور است که شرکت کنندگان در این دوره‌ها هنوز نمی‌دانند مچ (MATCH) کردن در فوتبال چیست؟ نمی‌توانند توضیح بدهند چطور دو سیستم روی هم منطبق می‌شود! اگر یک تیم ۳-۳-۴ بازی می کرده و دیگری ۲-۴-۴، این تطبیق (MATCH) چطور صورت پذیر می‌شود؟ اگر یک تیم با سیستم ۱-۶-۳ بازی می کرد و دیگری ۲-۵-۳ مچ این دو سیستم به چه ترتیب است؟ تطبیق این روش‌های بازی چگونه ممکن می‌شود؟ مدرسان فدراسیون روش‌های مچ شدن سیستم‌ها را در کدام مرتبه (GRADE) درس می‌دهند؟ از این موارد در بحث آموزش کم نیستند.

در فوتبال ایران سرباز را فرمانده گردان می کنند!

به این نکته توجه شده مسئول کمیته آموزش فدراسیون در واقع حکم فرمانده کلّ فوتبال ایران را داراست. اصلا ساز و کار انتخاب مسئول کمیته آموزش به چه ترتیب است؟ مسئول فعلی بر چه اساس و متری به این سمت منصوب شده است؟ چه مدارجی در فوتبال داشته و کجا کلاس دیده است؟ مرتضی محصص که یکی از مدرسان همین کمیته محسوب می‌شود، تاکنون یک ساعت فوتبال بازی کرده است؟ در کدام سپاه، یک سرباز تکاور را صرف توانایی اش در رزم، بدون اطلاع از تاکتیک‌های جنگی در رأس فرماندهی یک گردان قرار می‌دهند؟ هرچند که در فوتبال ما بارها یک ملی پوش سابق را بدون مدرک، سرمربی کرده اند!

خروجی سفر آموزشی با دلار فدراسیون چیست؟

مبادا کمیته آموزش به منبعی برای درآمدزایی فدراسیون و محلی برای خوشگذرانی جمعی از اعضای آن تبدیل شده باشد! اخبار هرازگاهی درباره سفر مدرسان کمیته به اینسو و آنسوی آسیا را رصد می کنیم. مسافرت‌هایی با دلار فدراسیون و حق مأموریت. هیچ سروصدایی هم نیست. از موارد کم نظیر در این کمیته به ویژه ظرف این ۱۰، ۱۵ سال اخیر این است اعضای این کمیته اختلاف نظری با هم ندارند و سفرها به تناوب بین اعضا قسمت شده و شرق، غرب و آسیای میانه هرازگاهی پذیرای یکی از مدرسین کمیته ماست! فایده این سفرها در بدنه فوتبال چیست؟

درآمدزایی کمیته آموزش سالی چند صد میلیون است؟

هرچه در این سال‌ها به کمیته انضباطی و جرایم میلیونی اش ایراد گرفته شده، کسی نپرسیده چرا هر شرکت کننده برای حضور در کلاس‌های C باید یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان پول پرداخت کند. یا برای شرکت در کلاس A باید ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان پول به حساب فدراسیون واریز شود. شرکت در کلاس D برای هر شرکت کننده یک میلیون تومان هزینه دارد. دوره‌هایی با حضور حدود ۶۰ شرکت کننده که رقم میانگین ۶۰ میلیون تومانی را در هر کلاس برای فدراسیون در بر دارد! اما با این فرض که هر آموختنی هزینه ای هم دارد اما آیا خروجی این همه دوره و کلاس باید همین ۲۰ مربی چرخشی بین تیم‌های لیگ برتری باشد؟ این کمیته سالی چند صد میلیون درآمدزایی می کند؟

هزار مربی با مدرک A یک بار هم مربیگری نکرده اند!

در ایران چیزی در حدود ۲۰۰ تیم فوتبال داریم اما طبق آمار (ی که اتفاقا مسئولان به آن می‌بالند) چیزی در حدود ۱۰ هزار و خرده ای مربی مدرک گرفته اند! ۱۰ هزار و خرده ای با مدرک A,B,C و یا D. باید باور کنیم که این همه فقط برای دریافت حق التدریس نبوده است؟ آیا ایران این همه مربی آموزش دیده فوتبال نیاز داشته که صرف شرکت در دوره‌ها مدرک گرفته و حتی در آموزش و پرورش هم به آنها کار نمی‌دهند؟ کانون مربیان فوتبال در آماری که به تازگی منتشر شد عنوان کرد در حال حاضر نزدیک به ۱۰۰۰ مربی در کشور داریم که با داشتن مدرک A تا به حال بالای سر هیچ تیمی نرفته اند ولی باز هم از سوی کمیته آموزش برای شان کلاس در نظر می گیرند تا.... متأسفانه با کنار هم قرار دادن این موارد متوجه می‌شویم قطعات این پازل شکل زشتی از آموزش فوتبال در کشورمان را به نمایش می گذارد که هیچ ربطی به رسالت اصلی این مهم ندارد.

از ایجاد رونق در صنایع وابسته تا همکاری‌های بین المللی؛

تحقق اهداف تعیین شده در ایران خودرو

فعالیت‌های گروه صنعتی ایران خودرو در سال‌های اخیر هم راستا با سیاست‌های اقتصادی ترسیم شده، نتایج ارزشمندی را عاید اقتصاد ملی کشور کرد. این گروه صنعتی با بهبود فضای کسب و کار و توسعه همکاری‌های بین الملل توانست زمینه دست یابی به اهداف و شاخص‌های تعیین شده صنعت خودرو کشور را فراهم کند.

گروه صنعتی ایران خودرو که با روی کار آمد دولت یازدهم خودروساز شدن را هدف اصلی خود عنوان کرد حال بعد از گذشت کم تر از ۴ سال از تغییر رویکردها و روش‌های مدیریتی، علاوه بر احیای خطوط تولید و بازگرداندن تعداد زیادی از کارگران قطعه سازی به خطوط تولید، توانست در مسیر همکاری‌های بین الملل موفق عمل کرده و اولین محصول مشترک با خودروساز معتبر جهانی را روانه بازار کند.

ایران خودرو به عنوان بزرگ ترین خودروسازی کشور که بالاترین سهم را در میان خودروسازان دارد، با اجرای سیاست‌های درست و به موقع، خودروسازی کشور را احیا کرده و این لوکوموتیو را که مدتی از ریل خارج شده بود را به مسیر اصلی بازگرداند.

ارتقای سهم بازار به بیش از ۵۰ درصد در سال‌های ۹۳ تا ۹۵، تبدیل شدن از حالت زیاددهی به سوددهی از سال ۹۳، حذف کامل تولید خودروهای با کسری و جلوگیری از راکد شدن سرمایه و نقدینگی، اجرای پروژه‌های بهبود با ماهیت کاهش و کنترل هزینه و افزایش درآمد و به بازدهی رساندن و فروش دارایی‌های راکد و غیر اقتصادی تنها بخشی از نتایج فعالیت‌های ایران خودرو در سال‌های اخیر و توسعه و تداوم روند رو به رشد آن است.

روند تولید خودرو سبک در ایران خودرو

در سال ۹۱ تولید در ایران خودرو متاثر از تحریم‌های بین المللی کاهش قابل توجهی یافت و تاثیر تحریم‌ها در خطوط تولید قطعه سازان نیز نمایان شد. از زمان اعمال تحریم‌ها در سال ۹۱ تا نیمه نخست سال ۹۲ تیراژ تولید رو به کاهش نهاد و تعداد زیادی از محصولات به صورت ناقص و با کسری قطعه در خیابان‌های ایران خودرو متوقف شد. ایران خودرو توانست در مدت زمان کوتاهی شرایط را به زمان قبل از تحریم‌ها بازگرداند.

تولید در نیمه دوم سال ۹۲ احیا شد و بسیاری از کارخانه‌های قطعه سازی کارگران خود را بر سر کار بازگرداندند. در این سال ۳۶۵ هزار خودرو به تولید رسید و بسیاری از خودروهای ناقص کف کارخانه کامل و به دست مشتریان رسید. با این اقدام سرمایه هنگفتی از ایران خودرو که به صورت راکد درآمده بود به چرخه تولید بازگشت. از ابتدای سال ۹۳ نیز با تامین به موقع، دیگر هیچ خودروی ناقصی از خط تولید عبور نکرد و ایران خودرو توانست در این سال ۶۰۱ هزار دستگاه خودرو را تولید و روانه بازار کند. روند افزایش تولید در ایران خودرو به همراه اجرای پروژه‌های افزایش و بهبود کیفیت محصولات همچنان ادامه یافت و در سال گذشته نیز این شرکت توانست با تولید ۶۲۵ هزار دستگاه انواع خودرو سواری و وانت سهم بیش از ۵۰ درصدی خود در بازار را حفظ کند.

توسعه محصولات

ایران خودرو در سال‌های اخیر در زمینه توسعه محصولات و مدیریت بازار فعالیت‌های زیادی را انجام داده است. این شرکت در صدد بوده تا با تنوع بخشی به سبد محصولات در بخش‌های مختلف ابعادی و قیمتی بازار به سلایق متنوع مشتریان پاسخ دهد. این امر با راه اندازی مجدد مرکز طراحی و توسعه محصول و تسریع در توسعه پروژه‌های محصولی محقق شده است. توسعه پروژه‌های پلتفرم و قوای محرکه نیز بخش دیگری از اقدامات این بخش محسوب می شود.

همکاری‌های بین الملل

توسعه مدل همکاری مولتی برند و تغییر راهبردی سهم شرکای خارجی در محصولات و افزایش توان چانه زنی در نحوه همکای‌ها با تاکید و صادرات و بالانس ارزی بخشی از تلاش‌های ایران خودرو در همکاری با شرکت‌های خارجی است.

ایران خودرو در همکاری‌های جدید خود با خودروسازان خارجی بر سرمایه گذاری طرف خارجی در خطوط تولید تاکید کرده و صادرات ۳۰ درصدی تولیدات مشترک را به عنوان سرفصل مهم قراردادها مد نظر قرار داده است. سرمایه گذاری طرف خارجی در کل زنجیره ارزش از تحقیق و توسعه تا خدمات پس از فروش را شامل می شود.

ایران خودرو توانسته اولین ثمره برجام در صنعت را به نام خود کند و با اجرایی کردن قرارداد خود با شرکت پژو اولین و مهم ترین گام در مسیر خودروساز شدن را بردارد.

دور تازه همکاری ایران خودرو با پژو فرانسه با تاسیس شرکت مشترک ایکاپ آغاز شد. مدل همکاری جدید این دو شرکت به صورت سرمایه گذاری مشترک و یا همان جوینت ونچر است. ایران خودرو و پژو به صورت ۵۰-۵۰ در این شرکت سرمایه گذاری کرده‌اند که این سرمایه گذاری شامل کل زنجیره ارزش خودرو شامل طراحی و توسعه محصول، تامین قطعات، تولید خودرو، فروش و

بازاریابی، خدمات پس از فروش و صادرات است. با اجـرای این قرارداد تکنولوژی و دانش روز در همه حوزه‌ها به خودروسازی ایران منتقل می شود. انجام تحقیقات مشترک در حوزه فعالیت‌های مهندسی، ارتقا و بروز آوری پلتفرمهای مشـترک و توسـعه محصولات جدید در این جوینت ونچر از دیگر موارد پیش بینی شده در قرارداد ایران خودرو با پژو است. داخلـی سـازی محصولات مشـترک بـا پژو از سـرفصل‌های مهم همـکاری ایران خودرو با این شـرکت اسـت. خودروهای تولیدی در پایان سال نخسـت به ۴۰ درصد داخلی سازی عرضه خواهند شـد. ایران خودرو در این قرارداد حق اسـتفاده از پلتفرم‌های موجود و آتی در ایکاپ را برای توسـعه محصـولات برند خود با پلتفـرم پژو ۲۰۸، ۳۰۱ و ۲۰۰۸ را نیز کسب کرده است.

در فـاز اول قرارداد با پـژو خودروهای پژو ۲۰۰۸، ۳۰۱ و ۲۰۸ وارد بـازار خواهـد شـد. که در اولین گام خودرو ۲۰۰۸ تولید شـده و در آسـتانه ورود به بـازار قرار دارد. همچنین واردات برخی خودروهای برند پژو که داخلی سازی آن صرفه اقتصادی ندارد در قالـب قـرارداد واردات بین ایکاپ و پژو صورت خواهد گرفت. این خودروها با اسـتفاده از ظرفیت شبکه فروش و خدمات پس از فروش ایران خودرو به فروش خواهند رسید.

همچنین تغییر مدل همکاری و ایجاد انگیزه برای تولید خودروهای تجاری و سرمایه گذاری مشترک در عرضه خودروهای سواری با شرکت بنز از دیگر اقدامـات ایران خودرو در عرصه مشـارکت‌های خارجی است.

شرکت سوزوکی نیز از دیگر برندهای مطرح جهانی است که ایران خودرو برای تولید محصول مشترک با آن همکاری می کند.

در فاصله سـال‌های ۸۵ تـا ۹۵ ایران خودرو تعداد ۲۳۷ هـزار خـودرو را بـه بازارهای مختلف هدف صادر کرده است که از این تعداد ۱۰۴ هزار دستگاه محصول سمند صادر شده است. در این بین کشور عراق مهم ترین بازار صادراتی ایران خودرو به شمار می رود.

فعالیت‌هـای زیسـت محیطـی ایـران خودرو

ایران خودرو براساس رسالت خود مبنی بر حفاظت از محیط زیست و کاهش آلایندگی‌ها، در زمینه توسعه قوای محرکه و تولید موتور با استانداردهای آلایندگی روز تلاش می کند. این شـرکت حذف موتورهای قدیمی و ارتقای موتورهای فعلی را هدف قرار داده و در صدد است تا با اجرای راهبرد تولید موتورهای کم حجـم، کاهش آلایندگی موتورها همراه با افزایش راندمان و کارایی باشد. از سویی دیگر صنعت خودرو جهان به سمت استفاده از موتورهای سه سیلندر توروبو شارژ با قدرت بیشتر همزمان با مصرف سوخت و میزان آلایندگی کمتر حرکت کرده است. با این رویکرد گروه صنعتی ایران خودرو و شـرکت ماهله آلمان قرارداد طراحی و تولید خانواده ای از موتورهای سه سیلندر را امضا کردند. طراحی و تولید خانواده ای از موتورهای سـه سیلندر موضوع قرارداد ایران خودرو و شرکت ماهله اسـت که ارزش این قرارداد ۵ هزار میلیارد ریال برآورد شده است.

جدول

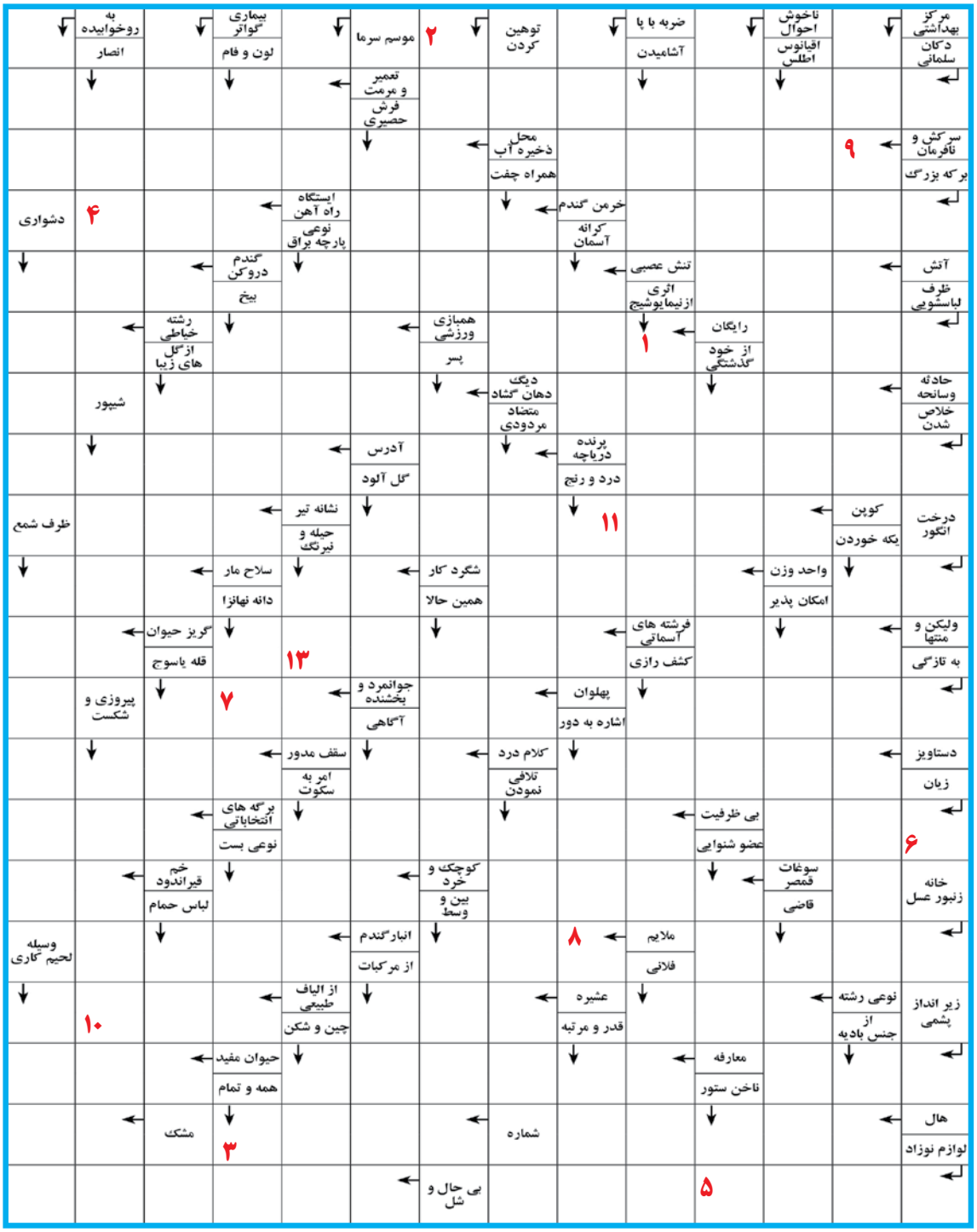
مرکز بهداشتی
دکان سلمانی
ناخوش احوال
اقیانوس اطلس
ضربه با پا
آشامیدن
توهین کردن
۲
موسم سرما
بیماری گواتر
لون و فام
به روخوابیده
انصار
تعمیر و مرمت
فرش حصیری
سرکش و نافرمان
برکه بزرگ
۹
محل ذخیره آب
همراه جفت
ایستگاه راه آهن
نوعی پارچه براق
خرمن گندم
کرانه آسمان
۴
دشواری
آتش
ظرف لباسشویی
تنش عصبی
اثری از نیمایوشیج
گندم درو کن
بیخ
رایگان
از خود گذشتگی
۱
همبازی ورزشی
پسر
رشته خیاطی
از گل های زیبا
حادثه وسانحه
خلاص شدن
دیگ دهان گشاد
متضاد مردودی
شیپور
پرنده دریاچه
درد و رنج
آدرس
گل آلود
درخت انگور
کوبن
یکه خوردن
۱۱
نشانه تیر
حیله و نیرنگ
ظرف شمع
واحد وزن
امکان پذیر
شگرد کار
همین حالا
سلاح مار
دانه نهانزا
ولیکن و منتها
به تازگی
فرشته های آسمانی
کشف رازی
گریز حیوان
قله یاسوج
۱۳
پهلوان
اشاره به دور
جوانمرد و بخشنده
آگاهی
۷
پیروزی و شکست
دستاویز
زیان
کلام درد
تلافی نمودن
سقف مدور
امر به سکوت
بی ظرفیت
عضو شنوایی
۶
برگه های انتخاباتی
نوعی بست
خانه زنبور عسل
سوغات قمصر
قاضی
کوچک و خرد
بین و وسط
خم قیراندود
لباس حمام
ملایم
فلانی
۸
انبار گندم
از مرکبات
وسیله لحیم کاری
زیر انداز پشمی
نوعی رشته
از جنس بادیه
عشیره
قدر و مرتبه
از الیاف طبیعی
چین و شکن
۱۰
معارفه
ناخن ستور
حیوان مفید
همه و تمام
هال
لوازم نوزاد
شماره
مشک
۳
۵
بی حال و شل

حل جدول شماره قبل

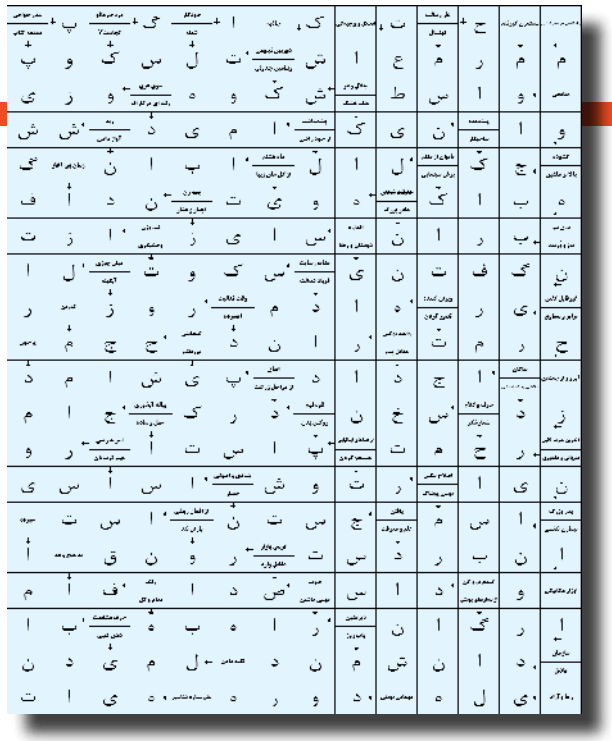

رمز جدول شماره قبل:

عید نوروز مبارک

به ۳ نفر از خوانندگان محترم
که رمز درست جدول را
برای ما پیامک کنند مبلغ
یک میلیون ریال به صورت
نقدی اهدا می‌شود
شماره پیامک:
۰۲۱۸۶۰۲۲۷۷۸

اسامی برندگان

محمد خانی
ناصر محمدیان
هدی عربشاهی

جدول ترجمه

سوالات انگلیسی را به فارسی جواب دهید

	all over / water		cloudly / least		thirty		bird / missing		soup / degree		beside / tourist
					once / you					
				confection / journey				grace / skiing			deaf / there
	namely						friendship / strap				
		on / see			curl / beam						slow / full
leech						jump / master			person / equal		
				need / seven						ill / scale	umbrella
			temperature / logo					core / male			
	contumely						storm / pocket				thigh / loyal
		he / coat			wet / lettuce						
republic				mecca / woman				spare / body			gold / weevil
			crown / news			from / policeman			fever / more		
		humidity / dam					width / any			root / tonight	tea
				tired / poisonous				peach / fast			
	age				basket / sauce						client / kill
		head					cold				
						outer					slave

دریچه ای تازه به دنیای اخبار

www.tadbiretaze.com

تدبیر تازه

سایت خبری- تحلیلی

Paris is seeking long-lasting ties with Tehran in energy and transport sectors.
Ayrault also noted Iran's "well-known higher education" and expressed France' will to expand academic ties further while recalling that 17 MoUs have been signed before in this regard.
"Peugeot and Renault have resumed their activities in Iran and the first Airbus has been delivered; Total also has sealed oil purchase deal with Iran; I hope all other contracts get into action as fast," he said.
Ayrault reaffirmed the bright future of Tehran-Paris ties and urged both sides to try the best to ease the financial issues; "France has been active in issuing export guarantees for Iran and this is an indication of trust we have in Iran; Iran also has to remove its financial obstacles for foreign investors to enter the market."

Strategic Agreement

In September 2017, the Industrial Development & Renovation Organization of Iran (IDRO) and Renault have signed a strategic agreement in Paris to create a new joint venture.

The agreement which would allow Renault to strengthen its presence and accelerate its growth in Iran, was signed on the sidelines of the Paris Motor Show between Mohammad Reza Nematzadeh, Iranian Minister of Industry, Mine and Trade, and Carlos Ghosn, Chairman and CEO of Renault.
The French automotive group will be the majority shareholder. In 2015, Renault sales to Iran increased by 56.1% over 2014 to a total of 51,500 vehicles and a market share of 4.8%.
The first vehicles to be produced in the plant will be the Symbol and the Duster, beginning in 2018.
«With 2 million vehicles planned for 2020, the potential of the Iranian car market is undeniable. This agreement confirms our strategic choices made in Iran and opens a new era allowing Renault to hold a privileged position in the country," said the CEO of Renault.
The joint venture will, on the one hand, include an engineering and purchasing center which will support the local suppliers, as well as a plant with an initial production capacity of 150,000 vehicles a year, which will be added to Renault's current capacity of 200,000 vehicles.
Under the agreement, the group will, for the very first time, develop its own distribution network with sales and after-sales services in line with Renault brand standards.

French auto giants keen on stronger presence in Iran

The Iranian car manufacturers have managed to turn the threats posed by sanctions into the opportunities. Although some had predicted that the automobile industry in Iran would die after the sanctions, it did not.

The conditions after the 2015 nuclear deal known as the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) have created a tangible competitive atmosphere in the country.

Recently a large number of foreign companies have once again lined up to enter the country›s 80-million-strong market, with the French car producer Peugeot and Renault as usual ranking at the vanguard of the queue.

Ahead of other interested European companies, who mull to begin a new round of visits to Tehran for holding negotiations with Iranian companies and ink contracts with them, the French ones have already stepped forward to start cooperation with their Iranian counterparts.

The two French auto giants have voiced their keenness to make investment in automobile lucrative business in the Islamic Republic of Iran.Although following the signing of the nuclear deal a number of contracts were signed between Iran Khodro Company (IKCO) and Saipa Group from Iran and their French counterparts Peugeot and Renault, respectively, it appears that France›s automobile industry does not regard these deals as sufficient, seeking to expand cooperation with Iranian auto manufacturers, Ifpnews wrote.

Iran Khodro Company cooperation with France's Peugeot dates back to more than two decades ago and seven different Peugeot models accounted for about 64 percent of the total of 542,000 passenger cars and pickups produced by IKCO in 2007. IKCO and Iran's second-largest car company, Saipa, produce Logan in a joint venture with France's Renault.

The French auto maker›s officials have expressed reluctance to witness the recurrence of the same experience they had in their former partnership with Iran and, thus, this time, intend to display greater sensitivity over issues such as controlling the quality of the cars as well as after-sales services to have a different presence in Iran.

Supply Chain

In Feb 2017, Iran›s RISECO and MECAPLAST of France signed a joint venture in a situation that 30-percent exports condition will be implemented for a spare part contract.

Speaking in the ceremony to sign the contract, Chairman of RISECO Board of Directors Hamidreza Samadi said that MECAPLAST is one the biggest spare parts suppliers of France.

Samadi pointed to thirty-percent exports of products, saying this condition has been set by Iran's request since ‹our activities are not supposed to be restricted to Iran's borders but beyond the borders›.

Iranian ambassador to France Ali Ahani also referred to producing highly standardized car parts in Iran as one the advantages of the recent contract.

In the meantime, The Chief Executive Officer (CEO) of MECAPLAST Pierre Boulet pointed to the suitable and considerable infrastructures of Iran spare parts industry, saying that during the last years MECAPLAST products were exported to Iran through establishing cooperation with Renault and Peugeot.

"After lifting sanctions and the implementation of Iran nuclear deal also known as the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), we are trying to make Iran as one of MECAPLAST's exports hub," he said.

Long-Lasting Ties

On Jan 2017, French Foreign Minister Jean-Marc Ayrault in a conference in Tehran which he was attending in accompany of his Iranian counterpart Zarif said respecting the JCPOA has been of high importance for France and it has been committed to defend it.

"France has been committed to defend JCPOA," Ayrault said adding that his country was among the first ones to re-establish ties with Iran after the deal.

He continued "bilateral ties particularly in field of economy is beneficiary for both Paris and Tehran and France has never acted so fast in working with any other country."

Elsewhere in his speech, French official underlined that

are The American Islamic Finance House, University Bank (through its subsidiary University Islamic Financial) and Harvard Islamic Finance Program. J.P. Morgan started offering Islamic banking services in 2013. Investment banks, like Standard Chartered Bank, provide Islamic banking products to clients in the Middle East, Asia, Europe and the United States. The bank aims to make Saadiq — its Islamic banking division — a leading global provider of Islamic banking in the Muslim world. The bank provides Islamic personal banking, Islamic priority banking and Islamic business banking services, among others.
These banks are overseen by federal regulators such as the Federal Reserve System and must meet the specific state Department of Financial Institutions' requirements. Take LARIBA Bank of Whittier, located in a suburb of Los Angeles, which is regulated by the Federal Reserve Bank of San Francisco, Los Angeles Branch and the California State Department of Financial Institutions. Yahia Abdul-Rahman, a former vice president, took an early retirement from Citigroup in 2003 and transformed a local community bank into an Islamic bank operating according to Sharia law. Since then, the bank — which provides residential and commercial real estate financing and business and trade finance — has watched its assets triple to $10.6 million. Today its customers include Muslims, Christians and Jews who have private accounts. In addition to the principle of no profit on loans, the bank's success is credited to "serving the community and local immigrant entrepreneurs," according to CEO Abdul-Rahman. By offering low-cost financing, the bank often beats rivals, he explains, noting that the bank has a varied list of customers, including small businesses, local churches and synagogues, in addition to Islamic centers and schools.
But one of the earliest pioneers is Saturna Capital, an investment advisor and fund-management company founded in 1989. It now manages more than $3.5 billion in assets that are invested in mutual funds consistent with Islamic finance principles.
Islamic phobia in America has many market watchers concerned about the rise of Islamic banking stateside. Over the years, several major Islamic banks have been accused of terrorism funding. Most of it is funneled through charities and are hard to track.
Among them is Saudi Al Rajhi Bank, founded in 1957 and with total current assets of $80 billion located in Riyadh, Saudi Arabia. The bank — which has no U.S. operations — was linked by U.S. government reports, criminal and civil trials, and media stories to al-Qaeda and the 9/11 attacks. Three of the Saudi 9/11 hijackers had personal accounts at the bank.The Saudi Al Rajhi brothers started their business in the 1930s by changing money for pilgrims visiting the holy Islamic sites in Mecca and Medina. Later on, they diversified to other sectors, like real estate and construction. The flood of migrant workers to Saudi Arabia after the oil boom of 1973 enabled them to enter the lucrative money-transfer business from workers back to their countries. By 2011, Sulaiman, the wealthiest of the brothers, had $7.7 billion in personal wealth, making the Al Rajhi family the wealthiest Saudis outside of the royal family.
While the Al Rajhi family has been known for its charitable social contributions, a raid in Bosnia on a Saudi-based charity in March 2002 uncovered a list of financial supporters of al-Qaeda. Allegedly, Sulaiman Al Rajhi was one of them. In the same month, a group of businesses and charities were raided in Virginia. These entities were associated with the SAAR foundation, another Al Rajhi charity accused of funding terrorism.A short time later the raided Virginia entities engaged in a legal battle with the U.S. government over the handover of their documents.
Al Rajhi Bank sued The Wall Street Journal over a report implying the involvement of the bank in funding terrorism. It was also revealed that the bank provided banking services to three of the 9/11 hijackers, which was the subject of a civil case as well. As of today, the Treasury Department does not list the bank or the Al Rajhi family members as persons who fund terrorism.
Transparency an issue
Part of the confusion regarding the relationship between Islamic banks and funding terrorism comes from the fact that so little research has been conducted on the Islamic finance marketplace in the West. Last February four officials at the International Monetary Fund authored a paper on the issue. Among the paper's findings was that there are some issues related to Islamic finance. Most notably, challenges in providing transparency and some difficulty in tracking the money trail. The Financial Action Task Force that monitors the global financial system has counterparts in the Islamic Financial Services Board and Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions, organizations that have been established to promote and enhance the soundness of Islamic banks and to issue accounting and governance for them. Nevertheless, the four IMF officials concluded that "some specific features of Islamic finance could present vulnerabilities that require a different approach in the design of AML/CFT (anti-money laundering/ combating the financing of terrorism) regimes."
Specifically, the nature of the relationship between the Islamic bank and its "customers" is at issue. "The partnership dimension may distort the institution/client relationship from an AML/CFT perspective and render more difficult the adequate fulfillment of obligations, such as ongoing customer due diligence or suspicious transaction reporting," states the paper.
Consequently, some preventive procedures, like the reporting of clients' suspicious transactions, could be compromised because of a potential conflict of interest. "Second, in the event the client is a money launderer or a terrorist financier, the institution as its partner could be considered jointly liable for ML/TF," the paper concludes.

Hot trend in 2017: Rise of Islamic banks on Main St. USA

Riyadh Mohammed, special to CNBC.com

In the United States a quiet financial revolution is going on under the radar of the public eye. It's the rise of Islamic financial institutions — ranging from small community banks in the Midwest to nationwide investment banks and brokerage firms.
The issue has gained attention during the heated U.S. presidential election season after both candidates were suspected of dealing with Islamic banks that fund terrorism. While investigations proved these claims false, it put the spotlight on this fast-growing financial network.
Inquests revealed that a Washington, D.C., lobbying group with close ties to Hillary Clinton was paid by a Bengali bank tied to terrorism.
In addition, it was found that the Donald Trump real estate organization rented New York office space to Bank Melli, an Iranian bank linked to terrorist groups and Iran's nuclear program, once it inherited it as a tenant after buying the GM Building on Fifth Ave.Islamic finance differs from conventional banking systems in that usury and speculation are prohibited. Transactions have to comply with Shariah, the legal code of Islam based on the Koran, and are based on principles of risk and profit-sharing. It prohibits taking interests on loans and funding any business involving products like alcohol, pork or gambling. Islamic banking is more risk adverse in its investment practices, typically avoiding business that could be associated with economic bubbles.
Since 2000, Islamic banks have become a force to be reckoned with. "Islamic banks' capital grew from $200 billion in 2000 to close to $3 trillion in 2016," said Ibrahim A. Warde, professor of international business at the Fletcher School of Law and Diplomacy at Tufts University. This figure is expected to go up to $4 trillion in the 2020s. There are now more than 300 banks and 250 mutual funds around the world complying with Islamic principles.
The institutions offer everything — from mortgages and traditional loans to investment banking products, including Islamic bonds and equity funds.What has been fueling the sector's phenomenal growth is rising economies of Muslim countries that have benefited from rising oil prices over the last 16 years, solid investment decisions that Islamic banks have made by avoiding risky investment in bubble economies and increased Islamic devotion (not to be confused with terrorism or radicalization) among many Muslims.
While the overall share of Islamic finance in the global financial system is only between 5 percent and 6 percent, it is a rapidly growing sector dominated by Iranian, Saudi and Malaysian financial institutions. According to a report by Ernst & Young, it will grow 19.7 percent annually through 2018.
Yahia Abdul- Rahman, founder of American Finance House Lariba
There are now about 25 Islamic financial institutions in the United States.The top three banks offering Islamic financial services in the United States in terms of asset size

short-term placements with other banks. A more active sukuk market would be one obvious solution, but the prospects for that are not bright. In 2016, global sukuk issuance was flat and ratings agency Standard & Poor's thinks it will remain subdued this year, not least because of the complexity involved in sukuk issuance – a problem which extends to other Islamic finance products. "We forecast a stabilisation of total issuance in 2017 at around $60bn-$65bn," says Mohamed Damak, S&P's global head of Islamic finance. "The complexity of sukuk issuance will continue to weigh on issuance volumes, unless counterbalanced by tangible results on standardisation or the establishment of large issuance programmes."

Another issue facing many banks is the weak macroeconomic conditions in their home markets. This has been a problem for GCC banks in particular over the past few years, as a result of low oil prices. Despite such hurdles, Islamic banks have often been posting stronger growth than their conventional peers in some key markets in recent years, including in Qatar, the UAE and Malaysia. If that is to continue, sharia-compliant institutions should arguably do more to embrace the potential from new technology. They also need to expand their range of products from the small handful of sectors and products they now focus on. Islamic banks tend to be heavily concentrated in certain sectors of the economy, such as retail, real estate and construction, and to focus on basic banking, insurance and bond issuance; they have largely ignored the areas of pensions, wealth management and endowments.

More innovation

Some countries' authorities are keen to encourage more innovation. In Bahrain, the Economic Development Board (EDB), the country's inward-investment agency, says it wants to see more experimentation. It is looking to set up an accelerator to encourage new ideas and businesses, with a focus on Islamic finance among other things, including finding ways to connect with potential customers who are currently unbanked.

"We're trying to encourage banks to be disruptive," says David Parker, executive director for financial services and business development at the EDB. "We're looking to turn Bahrain into a test bed."

As well as being open to change, banks also need to be more open with their own books. There is a significant transparency gap in the industry. ICD Thomson Reuters gives an average financial disclosure score across the industry of just 29 points out of a possible 70 on its Financial Reporting Disclosure Index, based on things like timely reporting of results and breakdowns of deposits. Bahrain, Pakistan and Malaysia score above average, while Sudan, Kuwait and Egypt are among those trailing.

The IFSB has been trying to encourage better disclosure, holding a roundtable discussion on the topic in November in Kuala Lumpur. Such efforts have been welcomed by observers but they are only part of what is needed.

"We think the current governance framework shows room for improvement and believe the industry stands to benefit from increased disclosure, as well as clear, standardised sharia principles and interpretation," says S&P's Damak. "Well-defined standards could also help the industry become more integrated, thereby unlocking new growth opportunities."

The chances of all the regulatory issues being resolved any time soon, especially when it comes to financial reporting, appear rather slim. For one thing, if the different approaches are to be reconciled and compromises reached then regulators will have to acknowledge that, to some extent at least, they had taken the wrong approach to sharia compliance up to that point."There's a lot of talk about standardisation, but I'm not entirely convinced all the talk is going to lead somewhere," says Chuah. "The more established countries like Saudi Arabia and Malaysia have already gone their own way and I cannot see them reconciling their differences. There may be some gradual harmonisation over technical stuff, like what should be considered on or off balance sheet; I can see a convergence there, but I don't think they will shift very much on IFRS or AAOIFI. And they will also not shift on whether they will have a unified system or a separate system. The regulatory approaches in the Gulf and in Malaysia will remain as they are."

Islamic finance's growing pains

The Islamic finance industry has seen rapid growth, with sharia-compliant banks often outpacing their conventional peers. However, says Dominic Dudley, the lack of standardization and the complexity of adhering to multiple financial reporting systems could be holding the industry back

Caption: The industry is growing rapidly but it needs standardization, argues Dominic Dudley

The start of 2017 hailed a welcome development for the Islamic finance industry, with Morocco's central bank, Bank Al-Maghrib, announcing on 2 January that five groups had been given the go-ahead to open sharia-compliant banks.Morocco was one of the few countries in the Middle East and North Africa region where sharia-compliant banking had yet to take off and the roll-call of partners involved indicates how keen international banks have been to enter this untapped market. Among them are Qatar International Islamic Bank, which is partnering with the local CIH Bank; the Saudi/Bahraini-based Dallah Albaraka, which is working with BMCE Bank; and the Saudi group Guidance, which has linked up with Banque Centrale Populaire.

Key players

The number of Gulf banks involved in the nascent Moroccan scene also offers an insight into where Islamic finance is strongest. There are 1,329 Islamic financial institutions around the world, with a collective £2trn in assets, according to data from ICD Thomson Reuters. But the industry is heavily concentrated in the Gulf and south-east Asia. The three largest markets of Saudi Arabia, Iran and Malaysia together account for $1.3trn of all assets.

According to the Islamic Financial Services Board (IFSB), a Malaysian-based body that sets prudential standards for the industry, Islamic banking is systemically important in just 11 countries. Even in countries where Islamic banking is relatively strong, it usually still accounts for a minority of the overall market.

Other than places like Sudan and Iran – where all banks are sharia-compliant – it is only in Saudi Arabia where sharia-compliant banks hold a majority market share, with 51%. In other countries, the figure ranges from 45% in Kuwait, to 22% in the UAE, 21% in Malaysia and 10% in Pakistan, according to consultancy firm EY.Of course, the Islamic finance industry extends beyond banking to encompass products such as sharia-complaint insurance (takaful) and Islamic bonds (sukuk). However, banking remains by far the most important segment. According to ICD Thomson Reuters, total Islamic banking assets were $1.45trn in 2015.

There is clearly plenty of scope for further growth. Gordon Bennie, MENA financial services leader at EY, points out that around the world more than two billion adults do not have a bank account and some 200 million small businesses don't have access to the financing they need."The demand for a responsible, sharia-compliant financial system is huge," he says. Many of these unbanked people and businesses are obvious targets for the Islamic finance industry as they are in countries with large Muslim populations, running in a line from Morocco in the west, through parts of Africa and the Middle East and into south and south-east Asia. Many of them are expected to be among the fastest-growing economies in the world in the next few years, including the likes of Côte d'Ivoire, Niger and Yemen.

There have also been interesting opportunities in Western markets. In 2014, the UK and Luxembourg governments issued sovereign sukuk and the following year KT Bank was set up in Germany as the first Islamic bank in the eurozone.

Other problems

There are a number of other issues arguably holding back Islamic finance. One is the fractured nature of the market. Islamic banks are often small and find it hard to take advantage of the potential that is out there, particularly beyond their home market; just a few have real scale, with only 22 having more than $1bn in shareholder equity. The largest Islamic bank in the world is Saudi Arabia's Al Rajhi Bank, although a plan by local rival National Commercial Bank to convert to full sharia compliance means it could soon take the top spot. There have been other moves towards consolidation. A merger of three Qatari banks – Masraf Al Rayan, International Bank of Qatar and Barwa Bank – was announced in December. If it goes ahead it will be one of the world's largest sharia-compliant financial institutions, with assets worth more than QR160bn ($44bn).

Another problem has been the limited range of sharia-compliant investment options, meaning spare liquidity is often deployed in

Economy Ministry reacts to gov't critics claims against FATF

Ministry of Economic Affairs and Finance has said that comments made by a former lawmaker against adoption of the action plan of the Financial Action Task Force were "unfounded, irresponsible and result of his lack of due knowledge" about FATF.In a statement released on Saturday, the ministry reacted to the comments made by Mahmoud Nabavian, a former lawmaker and a critic of the landmark nuclear agreement known as the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA).Nabavian had claimed that by adopting the FATF's action plan by the Iranian government means that it has admitted that a number of the country's officials are terrorists.What was in the agenda of the FATF action plan as the examples of terrorist individuals and groups was those named in the resolutions of the UN Security Council not those mentioned in the list of the US Treasury Department, [as claimed by the former lawmaker], said the statement."Names of the Iranian officials and commanders are not included in the UN Security Council Resolutions," stressed the ministry statement.It was clearly and explicitly mentioned in the text of the FATF agreement, signed by all its members and Iran, that the action plan would be implemented within the framework of Iran's Constitutions and its Article 154.The Article 154 of Iran 's Constitutions reads: "The Islamic Republic of Iran has as its ideal human felicity throughout human society, and considers the attainment of independence, freedom, and rule of justice and truth to be the right of all people of the world. Accordingly, while scrupulously refraining from all forms of interference in the internal affairs of other nations, it supports the just struggles of the Mustad'afun (oppressed) against the Mustakbirun (oppressors) in every corner of the globe." Meanwhile, on May 31, Foreign Minister Mohammad Javad Zarif reacted to Nabavian's claim saying that he has to apologize for what he said.Zarif described the surprising assertions of the hard-liner lawmaker's as 'shameful' stressing that the former would sue him if he failed to apologize for his claims. The Financial Action Task Force (FATF) is an inter-governmental body established in 1989 by the Ministers of its Member jurisdictions. The objectives of the FATF are to set standards and promote effective implementation of legal, regulatory and operational measures for combating money laundering, terrorist financing and other related threats to the integrity of the international financial system. FATF is therefore a "policy-making body" which works to generate the necessary political will to bring about national legislative and regulatory reforms in these areas. According to its official website, In June 2016, FATF welcomed Iran's adoption of, and high-level political commitment to, an Action Plan to address its strategic AML/CFT deficiencies, and its decision to seek technical assistance in the implementation of the Action Plan. According to the agreement, Iran will remain on the FATF Public Statement until the full Action Plan has been completed.